



تأملی بر مطالبات بازنشستگان

ياسر باقرى | ریحانه عبدی



به نام آنکه جان را فکرت آموخت



مؤسسه راهبردهای
بازنشستگی صبا

تأملی بر مطالبات بازنشستگان

یاسر باقری

ریحانه عبدی

مؤسسه راهبردهای بازنشستگی صبا

«نهاد پژوهشی صندوق بازنشستگی کشوری»

۱۳۹۸



مؤسسه راهبردهای
بازنشستگی صبا

تأملی بر مطالبات بازنشستگان

یاسر باقری

ریحانه عبدی

طراح جلد: علی اکبر محمدخانی

صفحه آرا: مهدی فخرزاده

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای مؤسسه راهبردهای بازنشستگی صبا محفوظ است.



مؤسسه راهبردهای
بازنشتگی صبا

تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، کوچه محوی،

پلاک ۴، واحد ۱۰۱

کد پستی: ۱۹۳۴۶۱۳۷۸۱

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۷۰۲۹۰۳

تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۰۳۴۶۵

پست الکترونیک: info@saba-psi.ir

تارنما: www.saba-psi.ir

فهرست

پیشگفتار.....	الف
بخش نخست: در سایه سرمایه اجتماعی؛ بررسی وضعیت بازنشستگان و مطالبات آنان.....	۱
مقدمه.....	۳
روش‌شناسی.....	۷
یافته‌های پژوهش.....	۷
نتایج پیمایش‌های ملی: پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان.....	۸
تمایزات برجسته.....	۱۴
پیمایش سرمایه اجتماعی.....	۱۶
اعتماد اجتماعی.....	۱۹
سرمایه اجتماعی.....	۲۴
جمع‌بندی نتایج پیمایش‌ها.....	۲۷
دغدغه‌های احتمالی بازنشستگان.....	۲۸
الف) وضعیت سلامت بازنشستگان.....	۲۹
ب) کفایت درآمد.....	۳۲
بررسی اعتراضات دی‌ماه.....	۴۳
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۴۶
منابع.....	۵۱

بخش دوم: بررسی کیفی مطالبات بازنشستگان کشور؛ با تمرکز بر بازنشستگان صندوق‌های	
کشوری و تأمین اجتماعی.....	۵۳
چکیده.....	۵۵
مقدمه.....	۵۷
نظریه محرومیت نسبی و شکل‌گیری اعتراضات سیاسی.....	۶۱
روش تحقیق.....	۶۳
چارچوب مفهومی.....	۶۵
نتایج و یافته‌ها.....	۶۷
۱- مقوله‌ها.....	۶۷
۲- متغیرهای زمینه‌ای.....	۹۶
۳- الگوهای وضعیت زندگی بازنشستگان.....	۹۷
جمع‌بندی.....	۱۰۰
منابع.....	۱۰۳

پیشگفتار

ایران امروز جامعه‌ای پیچیده و تمایز یافته است. ساختار اجتماعی ایران زمانه ما متشکل از اقشار و گروه‌های متعددی است با علایق و منافع متفاوت که می‌توانند حول عناصر کانونی مختلفی همچون جایگاه اقتصادی، منزلت اجتماعی، تمایلات فکری و سیاسی، سبک زندگی، سن، جنس و بسیاری از دیگر عناصر هویت‌بخش به اتحاد و تشکل دست یابند و کنش‌های هدفمندی را برای پیگیری اهداف و تأمین منافع خود در پیش گیرند. این تمایز و پیچیدگی ساختار اجتماعی گاه حتی سبب می‌شود منافع اقشار مختلف در برابر هم قرار گیرند و تحقق اهداف یکی از آن‌ها منافع دیگران را تحت‌الشعاع قرار دهد. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اجتماعی با هدف پیشینه ساختن خیر عمومی مستلزم آگاهی از مطالبات و تمایلات اقشار مختلف جامعه و کوشش برای برقراری تعادل میان مطالبات متنوع موجود و امکانات محدود در دسترس است.

عوامل متعددی از جمله هماهنگی نسبی پایگاه اقتصادی و وضعیت سنی کسانی که در جایگاه «بازنشسته» قرار می‌گیرند، امکان شکل‌گیری نوعی وحدت

و همبستگی را برای بازنشستگان حول منافع مشترکشان پدید می‌آورد. آگاهی بازنشستگان از منافع مشترکی که ناشی از موقعیت اجتماعی همسان آن‌هاست، می‌تواند بخش‌هایی از بازنشستگان را برانگیزد تا دست به کنش جمعی برای تحقق منافع مشترکشان بزنند. در این حالت آنان یکی از اقشار یا گروه‌های فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه‌اند که می‌کوشند از امکانات و ابزارهای در دسترس خود برای تأمین منافع جمعی‌شان استفاده کنند. تجمعات اعتراضی بازنشستگان، رویدادی که در طول سال‌های اخیر مکرراً اتفاق افتاده، یکی از نمونه‌های بارز این کنشگری اجتماعی است.

شکل‌گیری تجمعات اعتراضی با مشارکت فعال بازنشستگان حاکی از وجود نارضایتی‌هایی از مطالبات تحقق‌نیافته در میان آن‌هاست؛ اما این مطالبات کدام‌اند؟ پاسخ کلی این پرسش را دست‌کم با مرور شعارهایی که بازنشستگان در تجمعات اعتراضی خود سر می‌دهند، می‌توان تا حدودی پیدا کرد، اما هدف گزارشی که در دست دارید مطالعه دقیق‌تر و عمیق‌تر مطالبات بازنشستگان کشور با استفاده از روش‌های عملی است.

دو بخش این کتاب یافته‌های حاصل از دو پژوهش با دو روش متفاوت اما با موضوعی مشابه است که سال گذشته به سفارش معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی توسط موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا به انجام رسیده‌اند تا در خصوص این دست مطالبات نگاهی جامع‌تر در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهند.

در بخش اول این کتاب یاسر باقری با مرور تحلیلی و توصیفی اسناد موجود در حوزه نگرش‌های بازنشستگان، تلاش کرده است نگاهی کلان در این حوزه به دست دهد. از جمله نتایج این پژوهش می‌توان به تأکید بر نکاتی همچون تمایزهای معنادار فرهنگی و هویتی بازنشستگان، اهمیت کیفیت درمان و کفایت

مستمری‌ها برای بازنشستگان، افزایش چالش‌های مالی بازنشستگان در شرایط ناشی از تحریم، هزینه‌های کم‌تر و فرصت‌های مساعدتر اعتراض‌های اجتماعی و تجمعات برای بازنشستگان و... اشاره کرد. پژوهش باقری متکی بر تحلیل ثانویه پیمایش‌هایی در سطح ملی از جمله موج‌های سه‌گانه ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و پیمایش سرمایه اجتماعی بوده است.

پیمایش‌های اجتماعی با استفاده از نمونه‌گیری روشمند و ابزار ویژه خود نگاهی وسیع و قابل‌تعمیم به کل جامعه موردبررسی در اختیار ما قرار می‌دهند؛ اما گستردگی پیمایش‌ها مانع از عمق‌یافتن پژوهش و پرداخت جزئی‌تر به پدیده‌ها خواهد شد. برای بررسی عمیق‌تر مطالبات ویژه بازنشستگان مطالعه‌ای کیفی نیز طراحی شد که یافته‌های آن در بخش دوم کتاب آمده است. در این بخش ریحانه عبدی با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با حدود ۴۰ نفر از بازنشستگان، به بررسی کیفی مطالبات بازنشستگان پرداخته است. تحلیل یافته‌های این پژوهش با بهره‌گیری از تئوری محرومیت نسبی نشان می‌دهد که احساس تبعیض و نابرابری و عدم تحقق وضعیتی که مطلوب انگاشته شود، عامل بنیادین اعتراض‌ها و نارضایتی‌های بازنشستگان بوده است. در این بخش با تحلیل مصاحبه‌های بازنشستگان به مسائل کلیدی‌ای که بازنشستگان با آن‌ها مواجه هستند همچون معیشت و میزان مستمری، سلامت و بیمه‌های درمانی، مشکلات سازمانی و قوانین بازنشستگی و نگرانی‌ها و چالش‌های روحی اشاره شده و در پایان نیز محقق پیشنهادهایی برای بهبود تجربه بازنشستگی و وضعیت زندگی بازنشستگان ارائه کرده است.

در سایه سرمایه اجتماعی؛
بررسی وضعیت بازنشستگان و مطالبات آنان

یاسر باقری

مقدمه

نظام بازنشستگی در ایران، نظام گسترده‌ای است و از صندوق‌های عمومی و اختصاصی متعددی تشکیل شده است؛ به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶)، نظام مذکور از ۴ صندوق بزرگ و ۱۴ صندوق کوچک تشکیل شده است. به احتساب بیمه‌شدگان اصلی و تبعی، این صندوق‌ها جمعاً بیش از ۵۵ میلیون نفر را تحت پوشش خود قرار داده‌اند که حدود ۶۹ درصد از جمعیت کشور را در برمی‌گیرد.

جدول ۱. جمعیت تحت پوشش بیمه‌های بازنشستگی کشور در سال ۱۳۹۵

صندوق/سازمان	نفرات تحت پوشش (اصلی و تبعی)
سازمان تأمین اجتماعی	۴۱,۴۳۳,۱۵۱
بازنشستگی کشوری	۵,۹۶۱,۶۳۶
سایر صندوق‌ها	۷,۹۸۷,۸۶۹
جمع کل	۵۵,۳۸۲,۶۵۶
ضریب پوشش جمعیت	۰.۶۹

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۹۶.

همان گونه که در جدول فوق قابل مشاهده است، براساس آمارهای موجود در سال ۱۳۹۵ دو صندوق تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری بیش از ۸۵ درصد از جمعیت تحت پوشش بیمه‌های بازنشستگی را از آن خود کرده‌اند. این دو صندوق از نظر قدمت نیز در جایگاهی بسیار فراتر از سایر صندوق‌ها قرار داشته‌اند. آخرین آمارها در مورد ۴ صندوق اصلی کشور از بیمه‌شدگان اصلی و مستمری‌بگیران اصلی (برحسب پرونده)، حاکی از رشد قابل توجه مستمری‌بگیران و کاهش نرخ پشتیبانی در سال‌های اخیر است؛ جدول زیر وضعیت صندوق‌های اصلی بازنشستگی را از منظر تعداد بیمه‌شده و مستمری‌بگیر نشان می‌دهد.

جدول ۲. بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران اصلی صندوق‌های بازنشستگی کشور - ۱۳۹۶

صندوق بیمه اجتماعی	بیمه‌شده اصلی	مستمری‌بگیر اصلی
سازمان تأمین اجتماعی	۱۳,۹۸۲,۹۵۴	۲,۷۱۶,۶۱۰*
صندوق بازنشستگی کشوری	۱,۰۷۵,۳۴۳	۱,۳۷۰,۲۹۲
صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر	۱,۶۴۲,۰۹۹	۷۶,۴۷۷
سازمان تأمین اجتماعی نیروی مسلح**	۵۸۰,۰۰۰	۶۴۷,۷۰۰

* تعداد مستمری‌بگیر به لحاظ تعداد برابر با ۳,۴۷۲,۳۳۲ است و آمار فوق برحسب پرونده می‌باشد...

** آمار این صندوق دقیق نیست و به استناد کتاب نظام نوین رفاه از گزارش‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال‌های گذشته نقل شده است.

منبع: گزیده آماری تأمین اجتماعی سال ۱۳۹۶؛ نشریه آماری صندوق بازنشستگی کشوری زمستان ۱۳۹۶؛ اینفوگرافیک تأمین اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی - تیرماه ۱۳۹۷.

در مورد این صندوق‌ها، شباهت‌های آن‌ها، تمایز در میزان وابستگی به دولت یا تعهدات بلندمدت و ناپایداری مالی‌شان مباحث فراوانی مطرح می‌شود اما آنچه به این پژوهش ارتباط دارد، گروه مشخصی از مخاطبان صندوق یعنی مستمری‌بگیران است. مستمری‌بگیران در تعریف ساده و عملیاتی گروهی از افراد هستند که در ازای سنوات مشخص و مبلغ بیمه‌پردازی خود یا سرپرست پیشین خانوار در زمان اشتغال

به کار، در وضعیت کنونی به صورت مستمر ماهانه مبلغی را دریافت می کنند. مستمری بگیران در نوع ارتباط با صندوق های بازنشستگی با هم به تلاقی و وجه اشتراک می رسند و هویت واحدی می یابند و گرنه در سایر وجوه لزوماً از اشتراک چندانی برخوردار نیستند؛ آنان ممکن است از پایگاه اقتصادی اجتماعی متمایزی برخوردار باشند؛ هویت فرهنگی متمایزی داشته باشند؛ وضعیت سنی، جنسی و جسمی متفاوتی داشته و حتی با وجود اشتراک میان مهم ترین گروه آنان (بازنشستگان) در خروج از سن فعالیت، باز هم ممکن است از تمایز سنی ۳۰ ساله (از ۵۰ تا ۸۰ سالگی) برخوردار باشند.

وجود چنین تمایزاتی، پرسش درباره مطالبات مشترک مستمری بگیران و بازنشستگان را با اهمیت بیشتری روبه رو می سازد. پژوهش پیش رو بر همین امر متمرکز است و با کنکاش در میان پیمایش های ملی موجود و سایر پژوهش ها و شواهد در دسترس خواهد کوشید تا به اهم مطالبات بازنشستگان دست یابد. با مشخص شدن پرسش و هدف اصلی پژوهش حاضر، چند نکته در آغاز نوشتار، لازم به تذکر و توجه است:

- گروه اصلی مورد بررسی پژوهش حاضر، بازنشستگان هستند، اما در اینجا کوشش شده تا در مواردی سایر مستمری بگیران (از کارافتادگان و بازماندگان) نیز از دسترس مطالعه بیرون نمانند؛
- منابع مختلف پژوهش حاضر گروه های متفاوتی را مدنظر قرار می دهند؛ به طوری که پیمایش های ملی همه بازنشستگان (فارغ از آن که با کدام صندوق ارتباط دارند) را ذیل یک عنوان کلی «بازنشستگان» قرار می دهد، سایر مطالعات صرفاً به بخشی از گروه مورد بررسی مربوط هستند.
- پیمایش های ملی ارزش ها و نگرش ها و سرمایه اجتماعی، افراد دارای درآمد بدون کار را در زمره بازنشستگان قرار داده اند و این موضوع داده های

- متنسب به آن‌ها را با خطای بیشتری همراه می‌کند. باین‌حال پژوهش حاضر با پذیرش این خطا، مباحث را مورد بررسی قرار داده است.
- درحالی‌که به نظر می‌رسد جمعیتی حدود ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر مستمری‌بگیر اصلی در کشور وجود داشته باشند، در برخی از منابع پژوهش حاضر (به‌جز پیمایش‌ها) بخشی از آنان که با صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح (حدود ۶۵۰ هزار نفر) ارتباط دارند، (به‌دلیل محدودیت‌های مطالعاتی در این زمینه) از موضوع بررسی کنار رفته‌اند؛ سایر صندوق‌های اختصاصی نیز نه به‌دلیل تعداد اندک، بلکه به‌دلیل فقدان اطلاعات، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. البته در غالب این صندوق‌ها وضعیت بازنشستگان از نظر میزان دریافت مستمری به‌مراتب بهتر از وضعیت مستمری‌گیران تأمین اجتماعی بوده است. از طرفی باوجود بحرانی بودن اوضاع غالب این صندوق‌های کوچک، اثری از چنین بحرانی به مستمری‌گیران انتقال نیافته است. در این میان، صندوق بازنشستگی ورشکسته فولاد مستثناست. مشکلات مالی این صندوق دامن مستمری‌گیران را گرفته است و در پایان پژوهش اشاره‌ای به آن صورت خواهد گرفت. بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشاورزان، عشایر و روستائیان (حدود ۷۶ هزار نفر) نیز از پژوهش حاضر کنار گذارده شده است؛ مهم‌ترین دلیل این موضوع نه تمایز اساسی آنان در شیوه ارتباط با صندوق در دوره اشتغال (اختیاری بودن، تفاوت سنوات و...)، بلکه به‌دلیل فقدان اطلاعات مشخص در این زمینه بوده است.
- باوجود همه محدودیت‌ها و کنارگذاری‌های فوق، ادامه پژوهش به دو دلیل قابل توجیه خواهد بود. اولاً بررسی جزئیات بیشتر درباره صندوق تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری، درواقع بررسی جزئیات حدود ۸۵ درصد از مستمری‌گیران خواهد بود؛ ثانیاً غالب بحث مرتبط با مطالبات متکی بر

پیمایش‌های ملی است که همه بازنشستگان را فارغ از تعلق صندوقی و سازمانی آنان در برمی‌گیرد. و ثالثاً وضعیت بازنشستگان سایر صندوق‌ها (به جز صندوق فولاد) به مراتب بهتر از وضعیت تأمین اجتماعی یا مشابه آن بوده است؛ بنابراین گروه‌های حذف‌شده در زمره بازنشستگان پرمسئله قرار نداشته‌اند. بدین ترتیب کنکاش در داده‌های مرتبط با بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری و تأمین اجتماعی، به نوعی کوشش در جهت بررسی دقیق‌تر اجزای جامعه آماری است که به‌ناچار به بخشی از مخاطبان، محدود خواهد شد.

- نکته آخر در این زمینه آن است که بازنشستگان لزوماً سالمند نیستند؛ تمایز سنی حدود ۱۰ تا ۱۵ ساله میان سن واقعی بازنشستگی در ایران تا سن معیار سالمندی (براساس معیارهای پایه ۶۰ سال یا ۶۵ سال) وجود دارد و این موضوع سبب تمایز میان دو گروه مذکور و تأکید بر تمایز‌گذاری میان آنان می‌شود.

روش‌شناسی

روش این پژوهش در بیانی کوتاه، روشی توصیفی-تحلیلی بر مبنای اسناد موجود در حوزه نگرش بازنشستگان و یا شاخص‌های عینی مرتبط با وضعیت بازنشستگان بوده است. انتخاب نمونه‌ها و متون موردبررسی عموماً غیراحتمالی و مبتنی بر داده‌های در دسترس بوده است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل یافته‌های پژوهش در چند بخش کلی بیان شده است: نتایج پیمایش‌های ملی، دغدغه‌های احتمالی بازنشستگان و بررسی اعتراضات دی‌ماه. در ادامه به هر یک از این بخش‌ها پرداخته و درنهایت براساس این یافته‌ها، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پژوهش انجام خواهد شد.

نتایج پیمایش‌های ملی

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان

بررسی پاسخ کل پاسخ‌گویان در آخرین موج ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ حاکی از مشابهت‌های بسیار میان بازنشستگان و سایر مردم است. همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، پاسخ کل پاسخ‌گویان و بازنشستگان بر آن است که بسیاری از آنان مهم‌ترین عامل فقر و تنگدستی افراد فقیر در جامعه را «بی‌عدالتی»، «سیاست‌های اقتصادی دولت» و «تنبلی خود افراد» می‌دانند. این موضوع حاکی از آن است که دو عامل نخست در فقر مردم از نظر بازنشستگان نیز همانند سایر پاسخ‌گویان مسائل کلان و فرا فردی بوده است.

جدول ۳. مقایسه پاسخ کل پاسخ‌گویان و بازنشستگان درباره مهم‌ترین عامل فقر و تنگدستی

تنبلی خود افراد	فقر خانوادگی	بدشائسی	مشیت الهی	بی‌عدالتی	سودجویی شدید دیگران	سیاست‌های اقتصادی دولت	
۱۹	۱۱.۳	۲.۲	۲.۸	۳۴.۳	۷.۸	۲۲.۵	کل پاسخ‌گویان
۲۱.۱	۹.۱	۱	۳.۳	۳۵.۲	۸.۳	۲۲.۲	بازنشستگان

منبع: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان - ۱۳۹۴

به‌دلیل تفاوت میان برخی مقولات سنجیده شده در موج‌های مختلف، امکان مقایسه میان نتایج پرسش مذکور در موج‌های مختلف پیمایش وجود ندارد. اما نکته مهم موج پیشین ارزش‌ها و نگرش‌ها در این است که آنجا نیز در ترتیب مقولات تمایزی میان بازنشستگان و کل پاسخ‌گویان وجود نداشته است و نسبت میان مقولات نیز تمایز یک تا دو درصدی تجربه کرده که اهمیت چندانی نداشته است.

پنداشت بازنشستگان و سایر پاسخ‌گویان نسبت به انواع مختلف عدالت نسبتاً مشابه بوده است. بازنشستگان همچون سایر پاسخ‌گویان در موج نخست بیش از دو موج دیگر نگرش مثبتی به پنداشت عدالت قومی، عدالت قضایی و عدالت سیاسی داشته‌اند. موافقت با عدالت قضایی در سال ۱۳۸۲ با کاهش حدود ۲.۵ برابری

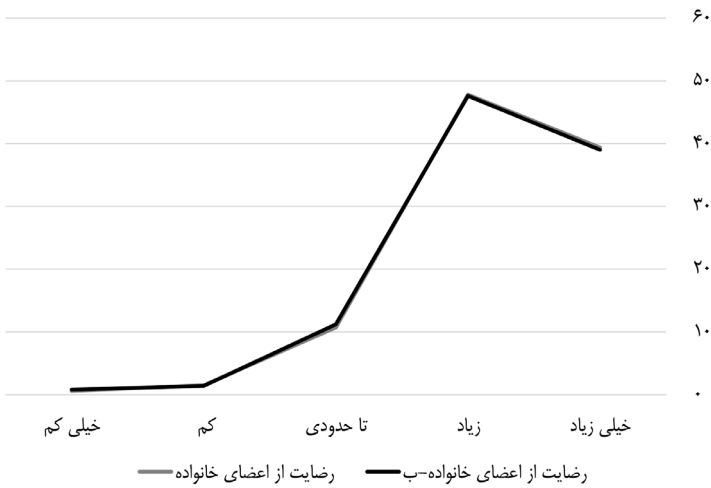
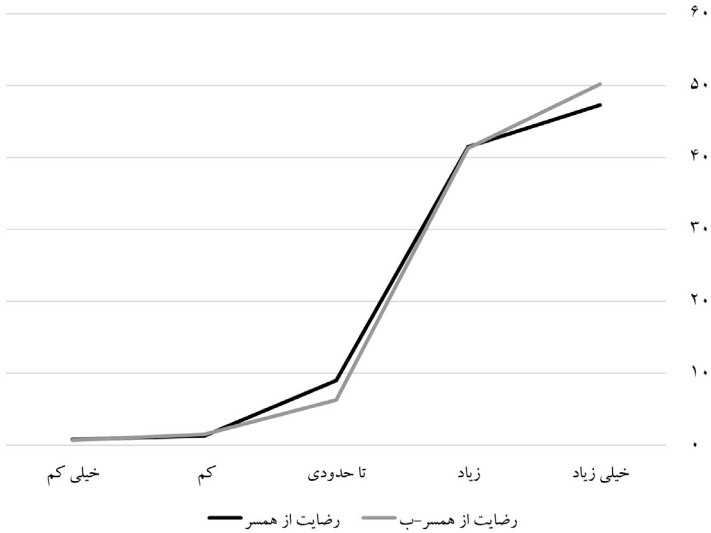
روبه‌رو بوده است و سپس با افزایش دو برابری همراه شده و طبیعتاً به میزان ابتدایی آن نرسیده است. اما عدالت قومی و سیاسی در سه موج مذکور با کاهش مستمر روبه‌رو بوده است؛ در مورد اولی با شدت بیشتر و در دومی، با شدت کمتر. نکته مهمی که در این مورد و غالب نتایج پیمایش مذکور قابل مشاهده است، عدم وجود تمایزی آشکار میان پاسخ بازنشستگان و پاسخ‌گویان است؛ از آنجاکه پیمایش حاضر بر بازنشستگان به‌عنوان یک گروه منفرد متمرکز است، شاخص‌هایی که در آنان تمایزی اساسی میان بازنشستگان و سایر افراد جامعه وجود ندارد، محل‌چندانی برای تحلیل در این پژوهش فراهم نخواهد کرد.

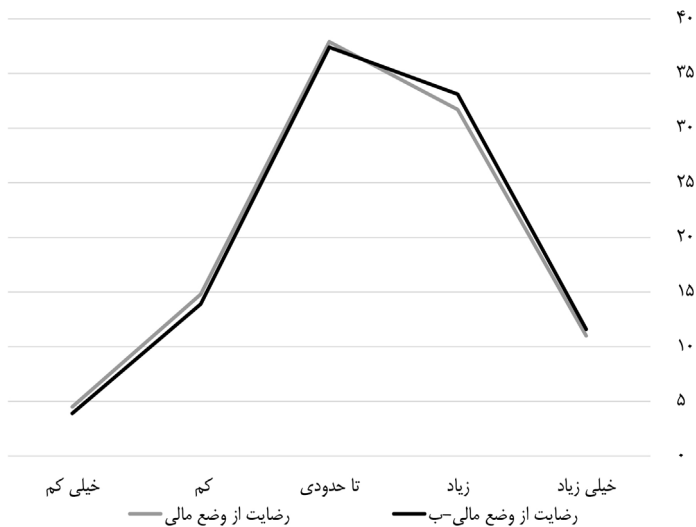
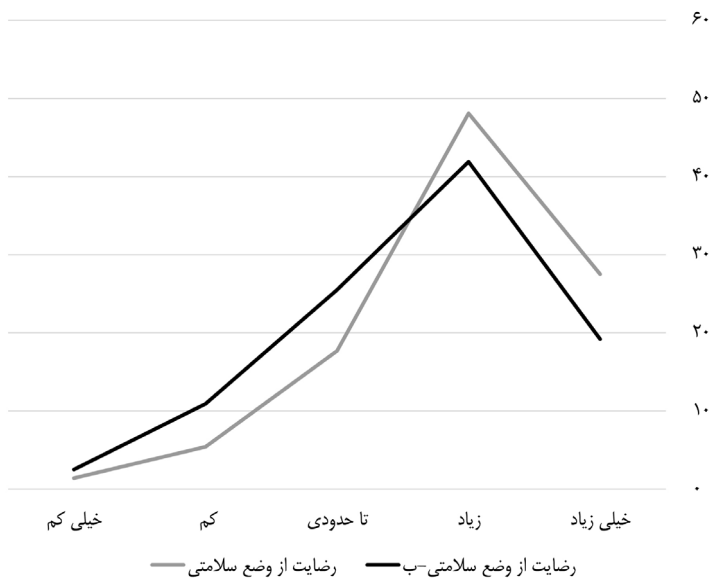
اگرچه در مواردی می‌توان تمایزاتی میان بازنشستگان و سایرین یافت، اما این موارد بسیار محدود و یا مرتبط با پرسش‌های حاشیه‌ای هستند؛ باین‌حال یکی از تمایزات آشکار در نتایج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها، پنداشت پاسخ‌گویان از طبقه خود و جامعه است. در مورد این پنداشت، پیمایش سال ۱۳۹۴ تمایزی میان پاسخ‌گویان و بازنشستگان نشان نمی‌دهد اما بررسی دو موج پیشین نشان می‌دهد که در آن مقاطع، تمایز نسبتاً قابل‌توجهی میان آنان (در این مورد) وجود داشته یا به هر دلیل در پاسخ‌ها نمودار شده است: در موج دوم و سوم پیمایش مذکور در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ درحالی‌که غالب پاسخ‌گویان بر این باور بودند که اکثر مردم جامعه در طبقه متوسط قرار دارند، بازنشستگان، اکثر مردم را در طبقه بالا می‌دانسته‌اند.

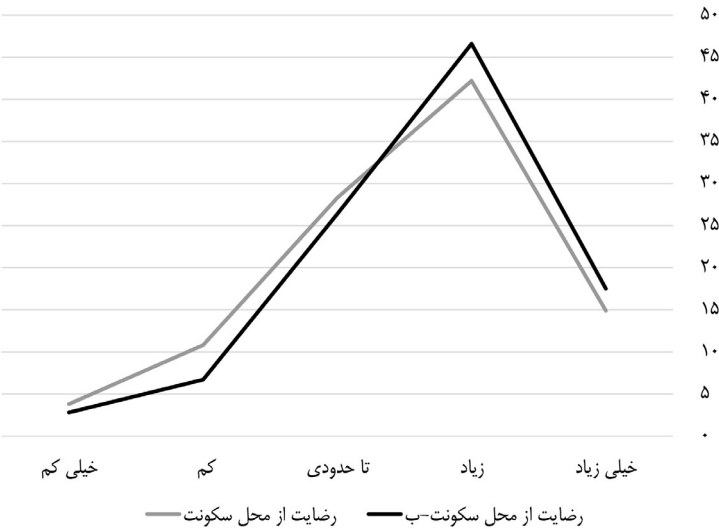
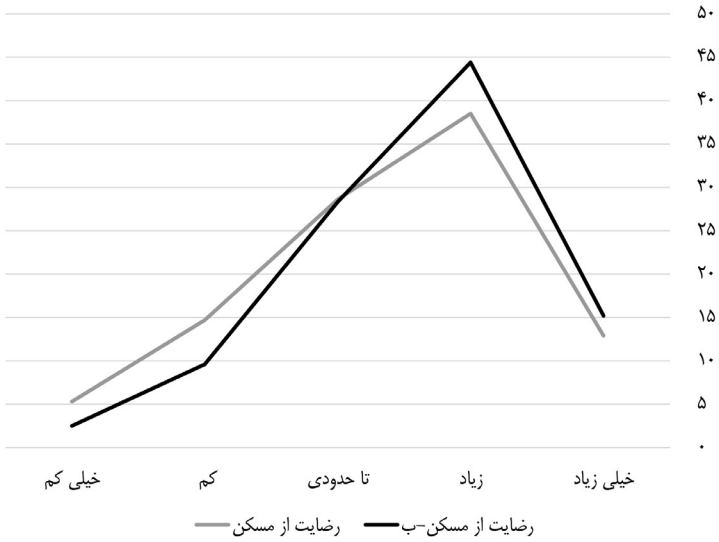
به‌رحال پرسش اساسی ما در این پژوهش مبتنی بر زمان حال است؛ و در این مورد دست‌کم موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها، تمایزی اساسی نشان نمی‌دهد. برای درک روشن‌تری از این موضوع به یکی از مهم‌ترین پرسش‌های موجود (از‌نظر این پژوهش) در پیمایش مذکور یعنی پرسش از «رضایت» به نمودارهای زیر توجه کنید؛ در این نمودارها کوشش شده تا پاسخ بازنشستگان با

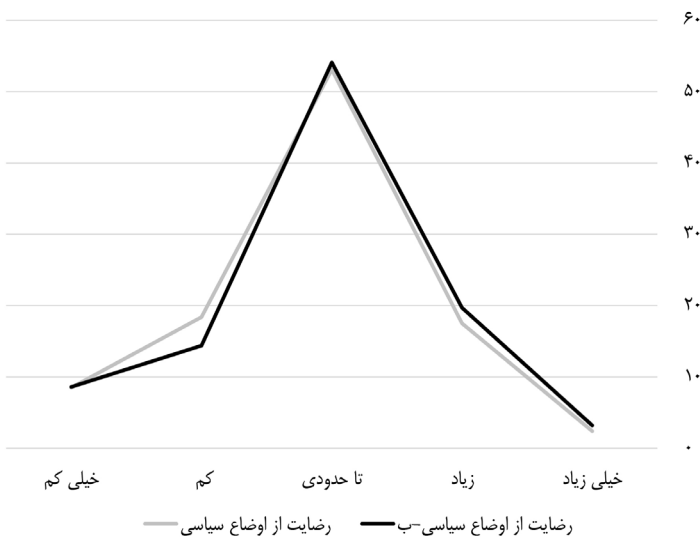
کل پاسخ‌گویان به صورت تطبیقی مورد مقایسه قرار گیرند.

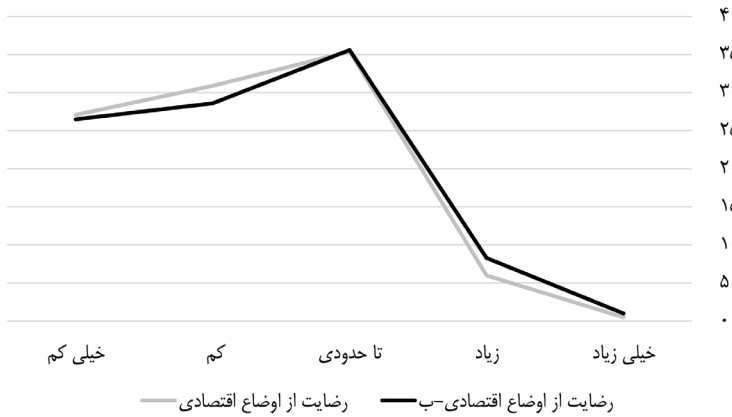
نمودار ۱. مقایسه پاسخ بازنشستگان با کل پاسخ‌گویان در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها - ۱۳۹۴











منبع: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان - ۱۳۹۴

* منظور از «ب» در هر یک از نمودارهای فوق، داده‌های مربوط به بازنشستگان است.

به نظر می‌رسد با پذیرش خطر میزانی از ساده‌سازی بتوان بر مبنای شباهت قابل توجه میان پاسخ‌های بازنشستگان و سایر افراد، این نکته را برجسته کرد که بازنشستگان به‌مثابه یک گروه خاص واجد هویتی کاملاً مستقل و همگون و با شباهت‌های مشخص فرهنگی نیستند. با وجود این، بررسی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و گویه‌های مختلف حاکی از آن است که برخی تمایزات میان بازنشستگان و سایر پاسخ‌گویان قابل پیگیری است.

تمایزات برجسته

بررسی تمایزات مهم میان بازنشستگان و سایر پاسخ‌گویان در داده‌های مختلف برآمده از پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نتایج زیر را در پی داشته است:

- بازنشستگان بیش از سایر افراد به هویت ملی خود افتخار می‌کنند و اگرچه از شدت این فخرورزی در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۸۲ کاسته شده اما هیچ‌گاه نسبت بازنشستگانی که میزان افتخار به هویت ملی

خود را زیاد یا خیلی زیاد بیان کرده‌اند، از ۹۱ درصد تنزل نیافته است. در حالی که این نسبت برای سایر پاسخ‌گویان، ۸۶ درصد بوده است. علاوه بر این، بازنشستگان وفاداری خود را بیش از سایر مردم بیان کردند: ۶۵ درصد در برابر ۶۱.۷ درصد.

بازنشستگان در هردو مقطع ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ (نسبت به سایرین) با حساسیت بیشتری بر امر اخلاقی علیه ولع اقتصادی و خودگرایی تأکید داشته‌اند؛ آنان با خوش‌بینی به وضعیت موجود در این زمینه نگاه کرده‌اند؛ البته این خوش‌بینی در سال ۱۳۹۴ نسبت به ۱۳۸۲ به شدت کاهش یافته است اما باین حال، همین میزان اندک از خوش‌بینی هم بسیار بیشتر از وضعیت سایر پاسخ‌گویان بوده است. نکته قابل توجه این است که خوش‌بینی هردو گروه (هم بازنشستگان و هم کل پاسخ‌گویان) در سال ۱۳۹۴ نسبت به ۱۳۸۲ به شدت کاهش یافته است.

در مورد میزان رواج ویژگی‌های اخلاقی، مقایسه داده‌های مختلف آن حاکی از نوعی ناهمسانی در پاسخ‌ها است؛ به نحوی که هر نوع نتیجه‌گیری در این زمینه را تا حدی مخدوش می‌کند؛ چرا که در اقلام مختلف مرتبط با این مورد، گاه بازنشستگان و گاه کلیه پاسخ‌گویان بر تأیید رواج ویژگی‌های اخلاقی از یکدیگر پیشی گرفته‌اند.

میزان مشارکت اظهار شده بازنشستگان در آخرین انتخابات مجلس در هردو مقطع ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ بسیار بیشتر از سایرین بوده است (حدود ۷۹ و ۹۰ درصد در برابر حدود ۶۰ و ۷۶ درصد)؛ در مورد انتخاب ریاست جمهوری نیز در سال ۱۳۹۴ وضعیت مشابهی گزارش شده است (۹۳ درصد در برابر ۸۴ درصد) اما در سال ۱۳۸۲، مشارکت اعلام شده آنان در انتخابات ریاست جمهوری بسیار کمتر از سایرین اعلام شده است (۶۳ درصد در برابر ۷۶ درصد).

در مجموع به نظر می‌رسد امید بازنشستگان به صندوق آرا بیش از سایر افراد بوده است. پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش احتمال مشارکت آنان در انتخابات بعدی نیز حکایت مشابهی از همین موضوع است. نکته در خور توجه در این زمینه آن است که بازنشستگان نیز همچون سایر مردم در سال ۱۳۹۴ تمایل بیشتری برای مشارکت در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری ابراز کرده‌اند. بیش از ۸۲ درصد از بازنشستگان و ۷۹ درصد از کل پاسخ‌گویان بر تمایل به شرکت در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری (۱۳۹۶) اشاره کرده‌اند و بیش از ۸۱ درصد از بازنشستگان و ۷۵ درصد از پاسخ‌گویان به مشارکت در انتخابات مجلس (۱۳۹۴) اظهار تمایل کرده‌اند. این موضوع حاکی از امید فراوان مردم در آن سال‌ها نسبت به دسترسی به نتایج مطلوب از طریق انتخابات بوده است.

پیمایش سرمایه اجتماعی

پیمایش سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۳ انجام‌شده است و شباهت بسیاری به پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها دارد. جهت مقایسه راحت‌تر میان پاسخ‌ها در این پیمایش به کدگذاری مجدد پاسخ‌ها در قالب دسته‌بندی سه‌بخشی به‌جای پنج‌بخشی روی آورده‌ایم؛ و گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را به «زیاد» و نیز گزینه‌های خیلی کم و کم را به «کم» کاهش دادیم.

در مباحث زیر کوشش بر بیان مواردی است که تمایزی هرچند معدود در پاسخ بازنشستگان و کل پاسخ‌گویان وجود داشته است.

جدول ۴. نگرش نسبت به تناسب استعداد و پاداش

زیاد	متوسط	کم	پاسخ‌گویان
۱۲.۵	۳۵.۷	۵۱.۹	بازنشستگان
۱۰.۱	۳۲.۷	۵۷.۲	کل

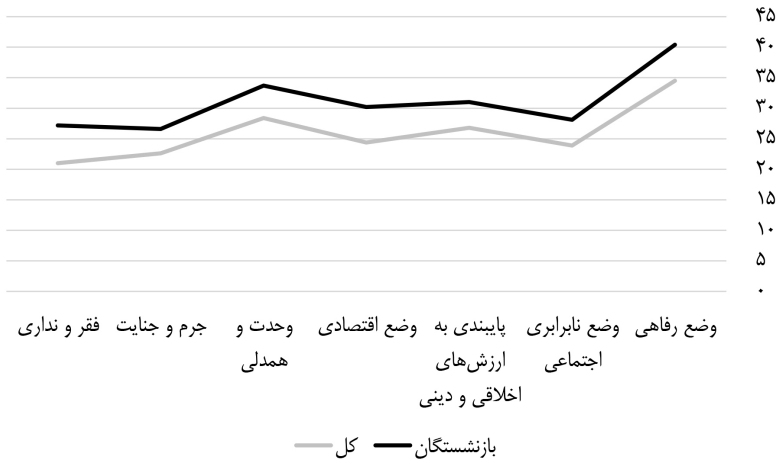
همان گونه که مشاهده می‌شود بازنشستگان بیش از دیگران به ارتباط میان استعداد و پاداش باور داشته‌اند اما در مجموع هردو گروه، تناسب میان استعداد و پاداش را اندک دانسته‌اند. بنابراین از نظر نتیجه این تمایز چندان قابل توجه نیست. یکی از موارد که با نوعی تمایز قابل توجه‌تری در پاسخ دو گروه مذکور روبه‌رو می‌شویم، نگرش آنان نسبت به بهبود اوضاع در بخش‌های مختلف است. در جدول زیر، جهت مقایسه بهتر پرسش‌های مرتبط با این موضوع، همه وضعیت‌های مورد بررسی در پیمایش سرمایه اجتماعی را یکجا جمع کرده‌ایم و تنها گزینه‌های موافق با بهبود اوضاع را در اینجا بیان کرده‌ایم تا با ارقام کمتری بتوانیم به مقایسه میان آنان در گروه مورد بحث پردازیم.

جدول ۵. تصور از بهبود اوضاع در آینده (به تفکیک بازنشستگان و کل)

موافق بهبود آتی در:	وضع رفاهی	وضع نابرابری اجتماعی	پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی	وضع اقتصادی	وحدت و همدلی	جرم و جنایت	فقر و نداری
بازنشستگان	۴۰.۴	۲۸.۱	۳۱	۳۰.۲	۳۳.۷	۲۶۶	۲۷.۲
کل	۳۴.۵	۲۳.۹	۲۶.۸	۲۴.۴	۲۸.۴	۲۲۶	۲۱

منبع: همان

نمودار ۲. نسبت موافقان با بهبود اوضاع در آینده (به تفکیک بازنشستگان و کل)



منبع: همان

همان‌طور که در جدول و نمودار قابل توجه است، در همه موارد بازنشستگان از سایر افراد خوش‌بین‌تر بوده‌اند. اگر در این مورد خاص افراد را از منظر سنی نیز مورد بررسی قرار دهیم؛ درمی‌یابیم که وضعیت ارزیابی افراد ۵۵ ساله و بالاتر از اوضاع خوش‌بینانه‌تر از سایرین بوده است.

جدول ۶. تصور از بهبود اوضاع در آینده (به تفکیک سن)

موافق بهبود آتی در:	وضع رفاهی	وضع نابرابری اجتماعی	پابندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی	وضع اقتصادی	وحدت و همدمی	جرم و جنایت	فقر و نداری
سال ۱۸-۲۹	۳۱.۹	۲۰.۶	۲۳.۳	۲۱.۱	۲۵.۱	۱۹.۸	۱۷.۴
سال ۳۰-۵۴	۳۴.۲	۲۴.۱	۲۶.۹	۲۴.۲	۲۷.۹	۲۲.۹	۲۱.۲
سال ۵۵ و بالاتر	۳۹.۹	۲۹.۵	۳۳	۳۱.۳	۳۶	۲۷	۲۷.۱

منبع: همان

نمودار ۳. نسبت موافقان با بهبود اوضاع در آینده (به تفکیک سن)



منبع: همان

اعتماد اجتماعی

اعتماد نهادی

در ادامه جستجوی نتایج پیمایش سرمایه اجتماعی، بار دیگر مواردی که شباهت زیادی میان بازنشستگان و سایر مردم وجود داشته، کنار گذارده و بیشتر به مواردی پرداخته شد که در آن، قدرمطلق اختلاف میان بازنشستگان و نتایج کلی پاسخ‌گویان قابل توجه بوده است. بدین ترتیب در موضوع اعتماد نهادی، مشخص می‌شود که اعتماد بازنشستگان به برخی نهادها به نحو قابل توجهی پایین‌تر از سایرین بوده است؛ از جمله اعتماد به نیروی انتظامی و مراجع قضایی.

جدول ۷. اعتماد به نهادهای اجتماعی

زیاد	متوسط	کم	پاسخ‌گویان	نهاد
۳۶.۱	۳۴.۲	۲۹.۷	بازنشستگان	نیروی انتظامی
۳۹.۴	۳۵.۱	۲۵.۴	کل	
۳۲.۴	۳۶.۴	۳۱.۳	بازنشستگان	مراجع قضایی
۳۵	۳۹.۷	۲۵.۴	کل	

منبع: همان

بدون آن که بخواهیم به تفصیل و با جزئیات به موضوع ورود کنیم، باید بر این نکته تأکید کنیم که بررسی کیفیت خدمات نهادهای مذکور نیز همچون وضعیت اعتماد از نظر بازنشستگان پایین‌تر از سایرین بوده است. این هم‌خوانی میان اعتماد و کیفیت در سایر موارد نیز وجود داشته است.

در بررسی موارد دیگری که قدر مطلق اختلاف اعتماد میان بازنشستگان و سایرین زیاد بوده است، یک مورد نیز حاکی از اعتماد بالای بازنشستگان به آن نهاد است؛ و آن نهاد، انجمن‌های خیریه بوده است. جالب آنکه حتی در بحث از کیفیت خدمات نیز نهاد مذکور نمره مثبت قابل توجهی از بازنشستگان دریافت کرده است.

جدول ۸. وضعیت اعتماد و ارزیابی کیفیت نهادهای اجتماعی

زیاد	متوسط	کم	پاسخ‌گویان	
۴۰.۹	۳۶.۷	۲۲.۴	بازنشستگان	اعتمادانجمن‌های خیریه
۳۶.۸	۴۰.۳	۲۲.۸	کل	
۳۴.۲	۴۱.۴	۲۴.۵	بازنشستگان	کیفیت خدمات انجمن‌های خیریه
۳۱.۶	۴۲.۱	۲۶.۲	کل	

منبع: همان

در سایر موارد مرتبط با اعتماد به نهادهای، اختلاف قابل توجهی به چشم نمی‌خورد.

اعتماد به اقشار

بررسی وضعیت اعتماد بازنشستگان به اقشار و گروه‌های مختلف و مقایسه آن با سایر پاسخ‌گویان، همان‌طور که در جدول زیر مشخص است، حاکی از آن است که جز در مورد نمایندگان مجلس، قضات و مأموران انتظامی، در سایر موارد اعتماد بازنشستگان به این اقشار بیش از سایرین بوده است. میزان اعتماد بازنشستگان و سایر پاسخ‌گویان به اقشار و گروه‌های مختلف به شرح زیر بوده است:

جدول ۹. وضعیت اعتماد به اқشار اجتماعی

اқشار	بازنشستگان*	کلی*
پزشکان	۴۸.۳	۴۴.۸
معلمان	۵۲.۶	۵۰
اساتید دانشگاه	۴۸.۶	۴۴.۴
وزرا	۳۳.۳	۳۱.۳
نمایندگان مجلس	۲۶.۱	۲۶.۴
مهندسان راه و ساختمان	۲۸.۳	۲۵.۳
قضاة	۳۳.۱	۳۳.۵
روزنامه‌نگاران	۳۰.۱	۲۸.۱
روحانیون	۳۹.۸	۳۷.۸
تولیدکنندگان مواد غذایی	۲۱.۷	۲۰.۱
مهندسان فنی	۲۱.۴	۱۹.۶
مدیران مسئولان دولتی	۲۳.۶	۲۲.۸
مأموران انتظامی و امنیتی	۳۷.۶	۳۹

منبع: همان

* لازم به ذکر است که جهت نمایش ساده‌تر و مقایسه راحت‌تر اعتماد به افراد و اқشار از ارقام (درصد‌های) فوق استفاده شده است که در واقع حاصل جمع نسبت اعتماد زیاد و خیلی زیاد بوده است.

معلمان، اساتید دانشگاه و پزشکان در صدر اқشار مورد اعتماد بازنشستگان قرار داشته‌اند؛ ترتیب اқشار مذکور در مورد کل پاسخ‌گویان با اندکی تفاوت، به ترتیب معلمان، پزشکان و اساتید دانشگاه بوده‌اند. در سطح بعدی، روحانیون و مأموران انتظامی و امنیتی مورد اعتماد بازنشستگان قرار داشته‌اند؛ در مورد عموم افراد، ترتیب این مورد نیز برعکس بوده است. یکی از نکات مهم در مورد اعتماد به اқشار این است که تنها معلمان با اعتماد نیمی از پاسخ‌گویان (و بیش از نیمی از بازنشستگان) روبه‌رو شده‌اند و سایر اқشار اعتماد کمتر از نیمی از پاسخ‌گویان را جلب کرده‌اند.

ویژگی اخلاقی و هنجاری در میان مسئولان

از آنجاکه نگرش مردم نسبت به مسئولان در شیوه مواجهه با آن‌ها اثرگذار است، به داده‌های مرتبط با ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری مسئولان در پیمایش سرمایه اجتماعی مراجعه شد تا وضعیت نگرش بازنشستگان به مسئولان و تفاوت آن با نگرش سایر افراد مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی نتایج ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری مسئولان از نظر بازنشستگان و کل پاسخ‌گویان (همان‌طور که در جدول زیر مشخص است) حاکی از آن است که در کل بازنشستگان (نسبت به سایرین) تصویر مثبت‌تری از مسئولان داشته‌اند. ویژگی‌های اخلاقی منفی آنان در نسبت کمتری از بازنشستگان تأیید شده است و ویژگی مثبت آنان مورد تأیید نسبت بیشتری از بازنشستگان بوده است. البته میزان تأیید ویژگی‌های مثبت مسئولان به اندازه‌ای اندک است که در غالب موارد به تأیید ۲۰ درصد از پاسخ‌گویان نیز نرسیده است. اما باین حال، در همین میزان اندک نیز نگرش بازنشستگان اندکی مثبت‌تر بوده است.

جدول ۱۰. میزان تأیید ویژگی اخلاقی و هنجاری مسئولان

رفتار تبعیض‌آمیز	باندبازی	قوم‌و خویش‌بازی	سوء استفاده از مقام و موقعیت	کم‌کاری	دروغ‌گویی	
۴۲.۳	۴۶.۴	۵۷.۳	۴۴.۸	۳۲.۴	۳۷.۳	بازنشستگان
۴۱.۳	۴۳.۴	۵۸	۴۶.۳	۳۶.۴	۳۹.۲	کل

احساس مسئولیت	پاسخ‌گویی	لیاقت و شایستگی	عمل به وعده‌ها	پایبندی به قانون	
۱۸۸	۱۳۰.۹	۲۰.۲	۱۲	۲۰.۳	بازنشستگان
۱۵۸	۱۰۰.۳	۱۶.۴	۱۲.۱	۱۸.۸	کل

منبع: همان

اعتماد کلی به مردم

در بررسی پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش کلی قابل اعتماد بودن مردم، مشخص می‌شود؛ بازنشستگان در مقایسه با دیگران از اعتماد بالاتری نسبت به مردم برخوردارند. این موضوع در کنار پاسخ آنان به سایر انواع اعتماد نهادی و اعتماد به اقشار حاکی از اعتماد کلی و احتمالاً سرمایه اجتماعی بالاتر بازنشستگان است (این موضوع در بخش بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد).

جدول ۱۱. وضعیت اعتماد کلی به مردم

زیاد	متوسط	کم	
۲۲.۲	۴۶.۵	۳۱.۴	بازنشستگان
۱۷.۴	۴۷.۱	۳۵.۶	کل

منبع: همان

سرمایه اجتماعی

یکی از محوری‌ترین نتایج پیمایش سرمایه اجتماعی، بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در میان پاسخ‌گویان بوده است. انواع سرمایه اجتماعی در پیمایش مذکور به سه بعد کلان، میانی و خرد تفکیک شده و در نهایت شاخص تلفیقی و کلی از داده‌ها تدوین شده است که وضعیت کلی سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد. در زیر به مقایسه وضعیت بازنشستگان و سایر افراد در هر یک از انواع سرمایه اجتماعی پرداخته شده است.

سرمایه اجتماعی کلان

جدول ۱۲. وضعیت سرمایه اجتماعی کلان

زیاد	متوسط	کم	
۹.۴	۴۵.۸	۴۴.۸	بازنشستگان
۸.۲	۴۳.۶	۴۸.۲	کل

منبع: همان

مقایسه سرمایه اجتماعی کلان بازنشستگان با سایر گروه‌های شاغل، محصل و بیکار و خانه‌دار نشان می‌دهد که این شاخص در بازنشستگان از همه گروه‌های دیگر بیشتر است. و همان‌گونه که در جدول فوق نیز مشهود است اگرچه میزان سرمایه اجتماعی بازنشستگان نیز مانند سایر پاسخ‌گویان زیاد نبوده است اما در جایگاه مقایسه، بازنشستگان از سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به میانگین پاسخ‌گویان برخوردار بوده‌اند.

سرمایه اجتماعی میانی

جدول ۱۳. وضعیت سرمایه اجتماعی میانی

زیاد	متوسط	کم	
۱۵.۷	۶۲.۴	۲۱.۹	بازنشستگان
۱۲.۴	۶۷.۸	۱۹.۸	کل

منبع: همان

مقایسه سرمایه اجتماعی میانی بازنشستگان با سایر گروه‌های شاغل، محصل و بیکار و خانه‌دار نشان می‌دهد که این شاخص در بازنشستگان از همه گروه‌های دیگر بیشتر است. سرمایه اجتماعی میانی افراد ۵۵ ساله و بالاتر نیز با اختلاف، بیش از سایرین بوده است. مقایسه وضعیت بازنشستگان و میانگین سرمایه اجتماعی میانی پاسخ‌گویان اگرچه با دشواری همراه است (به دلیل بالا بودن هردو پاسخ

کم‌وزیاد در بازنشستگان) اما گرایش کلی منحنی پاسخ بازنشستگان بیش از سایرین به سمت سرمایه اجتماعی بالا بوده است.

سرمایه اجتماعی خرد

جدول ۱۴. وضعیت سرمایه اجتماعی خرد

زیاد	متوسط	کم	
۱۲.۸	۵۹.۳	۲۸	بازنشستگان
۷.۹	۶۱.۲	۳۰.۸	کل

منبع: همان

وضعیت بازنشستگان در سرمایه اجتماعی خرد به‌وضوح بالاتر از سایرین بوده است. به‌نحوی که همان‌طور که در جدول فوق قابل مشاهده است، نسبت افرادی که سرمایه اجتماعی بالایی داشته‌اند در بازنشستگان ۵ واحد درصد بیشتر از میانگین پاسخ‌گویان در این مقوله بوده است.

میزان کلی سرمایه اجتماعی (ترکیبی)

جدول ۱۵. وضعیت سرمایه اجتماعی ترکیبی

زیاد	متوسط	کم	
۸.۴	۶۲.۹	۲۸.۷	بازنشستگان
۶	۶۳.۳	۳۰.۷	کل

منبع: همان

باتوجه به نتایج فوق در ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی، انتظار می‌رود سرمایه اجتماعی ترکیبی و کلی بازنشستگان نیز بیش از میانگین کل پاسخ‌گویان باشد که این امر مطابق انتظار محقق شده است.

جمع بندی نتایج پیمایش ها

مطالعه پیمایش های ملی در زمینه وضعیت بازنشستگان حاکی از آن است که بازنشستگان در مقایسه به سایر مردم از سرمایه اجتماعی بالاتر و اعتماد بیشتری برخوردارند. آنان در غالب موارد، وضعیتی همسان با سایرین داشته و در مجموع و به طور کلی از خوش بینی بالاتری نسبت به میانگین پاسخ گویان برخوردار بوده اند. حتی بررسی احساس امنیت در پیمایش سرمایه اجتماعی نیز نشان می دهد که بازنشستگان بیش از سایرین در جامعه احساس امنیت می کنند.

جدول ۱۶. وضعیت احساس امنیت

زیاد	متوسط	کم	
۳۸.۴	۳۲.۵	۲۹.۱	بازنشستگان
۳۳.۹	۳۱.۷	۳۴.۴	کل

منبع: همان

بنابراین انتظار می رود که رضایت آنان از وضعیت زندگی و اوضاع کشور نیز بیشتر از دیگران باشد و یا دست کم کمتر از دیگران نباشد. همان گونه که در پیمایش ارزش ها و نگرش ها مشاهده شد، وضعیت رضایت بازنشستگان در اقسام مختلف همسان با سایر افراد بوده است. این شاخص در پیمایش سرمایه اجتماعی نیز مورد سنجش قرار گرفته و نتایج از افزایش نسبی رضایت از زندگی در بازنشستگان حکایت دارد.

جدول ۱۷. وضعیت رضایت از زندگی در پیمایش سرمایه اجتماعی

زیاد	متوسط	کم	اصلاً	پاسخ‌گویان	
۳۹۸	۳۹.۱	۲۱.۱		بازنشستگان	رضایت از زندگی
۳۳۶	۴۰.۵	۲۵.۹		کل	
۴۰.۵	۳۸.۷	۲۰.۹		بازنشستگان	رضایت از محل سکونت
۳۶۶	۴۱.۱	۲۲.۲		کل	
۱۲۶	۳۲.۳	۳۳.۲	۲۱.۹	بازنشستگان	رضایت از درآمد
۸	۳۰.۵	۳۶.۸	۲۴.۷	کل	

منبع: همان

بدین ترتیب باتوجه به نتایج پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها و نیز سرمایه اجتماعی، به نظر می‌رسد وضعیت رضایت، اعتماد، سرمایه اجتماعی و نگرش خوش‌بینانه در بازنشستگان بیش از سایر افراد باشد. و درنهایت در آخرین پیمایش، بازنشستگان بیش از سایر پاسخ‌گویان، به صندوق‌های رأی باور داشته و به آن خوش‌بین بوده‌اند.

دغدغه‌های احتمالی بازنشستگان

مفهوم بازنشستگی با دو مقوله عینی نیز در پیوند است: یکی فراغت از اشتغال و احتمال کاهش دستمزد واقعی دریافتی؛ و دوم، تا حد زیادی با سن افراد؛ اگرچه میانگین بازنشستگی در صندوق‌های مختلف ایران در نیمه اول دهه ششم زندگی آنان ثبت شده است اما از یک‌سو همین دهه ششم نیز با افزایش مخاطرات مرتبط با سلامت روبه‌روست و از سوی دیگر بازنشستگی تا پایان عمر آنان ادامه خواهد داشت و بنابراین سال‌های همراه با بیماری را نیز دربر خواهد گرفت. بر این اساس دو مقوله در موضوع بازنشستگی قابل توجه است: الف) وضعیت سلامت و ب) کفایت درآمد. به اتکای همین دو مفهومی که براساس مقولات عینی بازنشستگی قابل استخراج است، به بررسی وضعیت بازنشستگی در این دو مقوله خواهیم پرداخت.

الف) وضعیت سلامت بازنشستگان

طبیعتاً یکی از موضوعات مورد توجه و مطالبات بازنشستگان مسئله درمان باکیفیت است و این موضوع همان گونه که در کیفیت خدمات درمانی بیمارستان های دولتی و خصوصی و اعتماد بازنشستگان به آنان مشاهده می شود، بخشی از دغدغه بازنشستگان را شکل می دهد. پاسخ های ارائه شده در پیمایش سرمایه اجتماعی حاکی از انتقاد آنان به کیفیت بیمارستان های خصوصی و دولتی و نیز بیمه های درمانی است و از همین رو لازم است متولیان امر سلامت و رفاه مردم توجه ویژه ای به این موضوع داشته باشند.

نتایج پیمایش سرمایه اجتماعی حاکی از آن است که بازنشستگان بیش از سایرین از کیفیت بیمارستان های دولتی ناراضی بوده اند. نکته درخور توجه این است که این پیمایش درست در سال اول اجرای برنامه طرح تحول انجام شده است و در آن سال طرح مذکور مورد نظارت جدی قرار داشته است؛ با وجود این، براساس نتایج مذکور، به نظر می رسد طرح تحول نتوانسته است بازنشستگان را به اندازه سایر اقشار راضی کند.

نکته درخور توجه آن است که نارضایتی بازنشستگان به معنای نارضایتی «سالمدان» از طرح مذکور نیست؛ چراکه با اندکی ساده انگاری و در نظر گرفتن بازه سنی ۵۵ سال به بالا به عنوان سالمند (به دلیل محدودیت دسته بندی پیمایش)، درمی یابیم که این گروه سنی بیش از دیگران و مشخصاً با اختلاف نسبت به جوانان و میان سالان از کیفیت بیمارستان دولتی اظهار رضایت کرده اند.

از آنجاکه در پیمایش سرمایه اجتماعی، به نادرست، کیفیت تأمین اجتماعی (که واجد دو وجه بیمه ای و درمانی است) و خدمات اجتماعی همراه با یکدیگر و در قالب یک گویه خاص مورد پرسش قرار گرفته است، به نظر می رسد این هم نشینی بتواند ابعاد بیمه های درمانی را در ذهن مخاطب برجسته کند و در اینجا نظرات

بازنشستگان درباره آن را تلویحا به معنای دیدگاه آنان نسبت به بیمه‌های درمانی فرض کرده‌ایم. با این فرض، به نظر می‌رسد کیفیت خدمات درمانی بیمه‌های اجتماعی در نگاه بازنشستگان پایین‌تر از سایرین بوده است. و نکته جالب توجه در این زمینه آن است که در اینجا نیز گروه سنی بالای ۵۰ سال برخلاف بازنشستگان در صدر اقبال راضی از خدمات قرار داشته‌اند.

جدول ۱۸. وضعیت رضایت از کیفیت خدمات درمانی

زیاد	متوسط	کم	پاسخ‌گویان	
۲۵.۸	۳۹.۸	۳۴.۴	بازنشستگان	کیفیت خدمات بیمارستان‌های دولتی
۲۶.۹	۳۹.۶	۳۳.۴	کل	
۳۱.۵	۴۰	۲۸.۵	سالمندان	
۳۱.۴	۳۹	۲۹.۶	بازنشستگان	کیفیت خدمات بیمه‌های درمانی
۳۳.۱	۴۱.۲	۲۶.۷	کل	
۳۵	۴۰.۴	۲۴.۶	سالمندان	
۳۶.۴	۴۰.۱	۲۳.۵	بازنشستگان	کیفیت خدمات بیمارستان‌های خصوصی
۳۵.۶	۳۹.۴	۲۵	کل	
۳۸.۲	۳۹.۴	۲۲.۵	سالمندان	

منبع: همان

در مورد بیمارستان‌های خصوصی، به نظر می‌رسد کیفیت خدمات مورد رضایت بازنشستگان و سالمندان قرار داشته است و در این مورد نیز گروه سنی بالای ۵۵ سال در صدر گروه راضی قرار داشته است. اظهار نظر درباره تمایز اعتماد به بیمارستان‌های خصوصی در میان بازنشستگان و سایرین چندان ساده نیست (به دلیل بالاتر بودن یک واحد درصدی بازنشستگان در هر دو دسته اعتماد کم‌وزیاد) اما میزان اعتماد سالمندان (گروه سنی بالای ۵۵ سال) در این مورد به وضوح بیش از دیگران بوده است.

جدول ۱۹. وضعیت اعتماد پاسخ‌گویان به بیمارستان‌های دولتی و خصوصی

زیاد	متوسط	کم	پاسخ‌گویان	
۳۲.۹	۳۷.۵	۲۹.۷	بازنشستگان	اعتماد به بیمارستان‌های دولتی
۳۳.۱	۳۹.۴	۲۷.۵	کل	
۳۷.۲	۳۷.۸	۲۵	سالمندان	
۳۳.۹	۴۰.۳	۲۵.۷	بازنشستگان	اعتماد به بیمارستان‌های خصوصی
۳۴.۲	۳۹.۲	۲۶.۵	کل	
۳۸	۳۹	۲۳.۵	سالمندان	

منبع: همان

دغدغه و نارضایتی بازنشستگان نسبت به مراکز درمانی و بیمه درمان لزوماً به معنای وضعیت بد سلامتی آنان نیست؛ پژوهشی که در سال ۱۳۹۲ درباره ۳ هزار نفر از مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی انجام شده است، نشان می‌دهد که تنها ۱۴ درصد از بازنشستگان سلامت خود را بد یا خیلی بد اظهار کرده‌اند و غالباً بر وضعیت مناسب سلامت خود تأکید داشته‌اند. علاوه بر این پیمایش، می‌توان با مراجعه به پیمایش‌های ملی نیز وضعیت‌های اعلام‌شده بازنشستگان درباره سلامتشان را رصد کرد: در سه موج ارزش‌ها و نگرش‌ها به ترتیب ۲۸.۳، ۱۱ و ۱۳.۴ درصد از بازنشستگان وضعیت سلامت خود را خیلی کم یا کم (یا همراه با نارضایتی) اعلام کرده‌اند. به عبارتی نارضایتی از وضعیت سلامت در سال ۱۳۹۴ نسبت به موج اول پیمایش (۱۳۷۹) بسیار کاهش یافته اما نسبت به سال ۱۳۸۲ با افزایش حدود ۲ تا ۳ واحد درصدی همراه بوده است. بنابراین در این پیمایش نیز وضعیتی مشابه با پیمایش سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر نارضایتی حدود ۱۴ درصدی بازنشستگان از وضعیت سلامتشان گزارش شده است.

با وجود این نمی‌توان از مهم بودن دغدغه کیفیت درمان برای افرادی که سلامت خود را مناسب یا متوسط توصیف کرده‌اند، به‌سادگی گذشت. به‌ویژه آن‌که با رجوع

به مطالعه میدانی مرکز مشاوره فاطمیه (۱۳۹۶) که به بررسی وضعیت سلامت روان بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری (در شهر تهران) پرداخته است، درمی یابیم که دست کم در نمونه آماری ۱۰۰۰ نفره، وضعیت سلامت روان بازنشستگان چندان مناسب نیست و نزدیک به یک سوم (۳۲.۷ درصد) آنان، مشکوک به اختلال در سلامت روان بوده اند. براساس نتایج مطالعه مذکور، بیشترین مشکلات سلامت روان بازنشستگان در حوزه کارکرد اجتماعی و اضطراب بوده است.

ب) کفایت درآمد

با پایان دوره اشتغال و آغاز بازنشستگی، به ویژه در شرایطی که با گریز بیمه ای در دوران اشتغال روبه رو هستیم، انتظار می رود که زندگی بازنشستگی با افت کیفیت روبه رو شود و الگوهای شکل گرفته براساس حقوق واقعی پیشین در شرایط جدید با اختلال همراه باشد. پژوهشی که در سال ۱۳۹۲ با نمونه آماری ۳۳۱۰ نفر از مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی انجام شده است نشان می دهد که چنین تنزلی در نگرش خود بازنشستگان نیز وجود دارد؛ نتایج پیمایش مذکور حاکی از آن است که ۴۶.۴ درصد از بازنشستگان وضعیت کیفیت زندگی خود را نسبت به دوران پیش از بازنشستگی، با تنزل همراه دیده اند، ۷.۸ درصد برافزایش کیفیت زندگی خود تأکید داشته و سایرین تمایزی میان دوره بازنشستگی و پیش از آن، قائل نبوده اند. بنابراین تنزل در کیفیت زندگی همان گونه که انتظار می رود در عمل رخ داده است.

برهمن اساس به نظر می رسد محاسبات مبتنی بر شاخص های عینی بتواند تصویر گویاتری از وضعیت درآمدی بازنشستگان و انتظارات احتمالی آنان از این واقعیت ارائه کند. با اتکای به این موضوع، به وضعیت مستمری بازنشستگان رجوع شده و کفایت مستری آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

در مورد بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی می توان ادعا کرد که میانگین

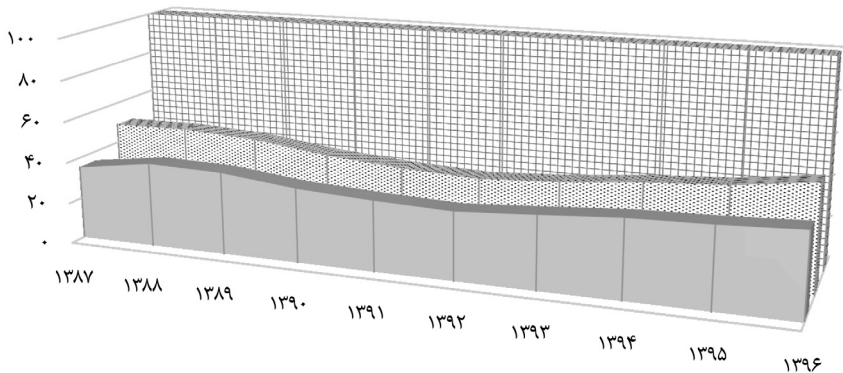
مستمری بازنشستگان^۱ در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶، ۳۲.۵ درصد تا ۴۰.۵ درصد از هزینه‌های خانوار شهری را پوشش داده است. و این شاخص در مورد صندوق بازنشستگی کشوری، حدود ۳۸ تا ۵۱.۵ درصد بوده است.

جدول ۲۰. کفایت مستمری در دو صندوق تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری

سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
کفایت مستمری تأمین اجتماعی	۳۵.۳	۴۰.۵	۳۹.۶	۳۵.۶	۳۳.۷	۳۲.۵	۳۴.۹	۳۷.۶	۳۸.۶	۴۰.۴
کفایت مستمری صندوق بازنشستگی کشوری	۴۹.۰	۴۹.۵	۴۷.۵	۴۳.۰	۴۰.۱	۳۸.۶	۴۰.۷	۴۴.۱	۴۵.۶	۵۱.۴

منبع: محاسبات تحقیق براساس آمارهای رسمی سازمان تأمین اجتماعی و بانک مرکزی

نمودار ۴. مقایسه متوسط هزینه خانوار شهری و میانگین مستمری در تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری



■ کفایت مستمری تأمین اجتماعی ▨ کفایت مستمری صندوق بازنشستگی کشوری

منبع: همان

۱. این ارقام از تقسیم میزان کل مستمری بازنشستگان که سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کرده است، بر تعداد بازنشستگان به دست آمده است.

وضعیت معیشتی

اگر مبلغ میانگین مستمری سالانه بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی (۱۵۱,۷۶۷,۲۶۶ ریال) و صندوق بازنشستگی کشوری (۱۴,۵۲۴,۰۱۴ ریال) در سال ۱۳۹۵ را با میانگین هزینه دهک‌های مختلف هزینه‌های شهری مقایسه کنیم، بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی بین دهک دوم و سوم و بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری در دهک سوم شهری قرار می‌گیرند.

جدول ۲۱. جایگاه مستمری‌بگیران در دهک‌های هزینه‌ای شهری - ۱۳۹۵

دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم
۸۵,۹۷۵,۱۱۹	۱۳۸,۶۳۸,۷۴۸	۱۷۷,۶۴۹,۲۱۸	۲۱۷,۹۰۰,۱۵۸	۲۶۲,۶۵۹,۷۶۳

دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
۳۱۳,۰۵۳,۱۹۵	۳۸۰,۱۴۴,۹۳۹	۴۷۷,۵۹۵,۸۱۷	۶۴۰,۱۹۳,۹۳۵	۱,۲۳۶,۳۲۶,۲۵۰

وضعیت کلی مستمری‌های بازنشستگان: تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری
منبع: همان

بازنشستگان صندوق‌های مذکور در غالب سال‌های موردبررسی در همین دهک‌ها قرار داشته‌اند. باین‌حال در برخی از سال‌ها همچون سال ۹۱ و ۹۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری با یک دهک سقوط روبه‌رو بوده‌اند.

وضعیت مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی کشوری

نکته مهم دیگر در این زمینه آن است که در بهترین سال‌ها نیز وضعیت بازنشستگان از دهک سوم فراتر نرفته است. این موضوع بیش از هر چیز بیان‌گر امکان آسیب‌پذیری آنان می‌باشد. جهت بررسی دقیق‌تر این موضوع، در ادامه به وضعیت دریافتی سایر مستمری‌بگیران سازمان‌های مذکور نیز توجه شده است.

صندوق بازنشستگی کشوری در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱,۳۷۰,۲۹۲ نفر (برحسب پرونده)^۱ مستمری‌بگیر داشته است که از این تعداد حدود ۸۱.۳ درصد معادل با ۱,۱۱۴,۴۲۰ نفر بازنشسته، کمتر از ۱ درصد (۰.۹ درصد) معادل ۱۲,۷۷۲ نفر از کارافتاده و اندکی بیش از ۱۷.۷ درصد معادل ۱۲,۷۷۲ نفر (برحسب پرونده) نیز متوفی دارای بازمانده مستمری‌بگیر بوده‌اند.

جدول ۲۲. انواع مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی کشوری - ۱۳۹۶

درصد	تعداد	
۸۱.۳۳	۱,۱۱۴,۴۲۰	بازنشسته
۰.۹۳	۱۲,۷۷۲	از کارافتاده
۱۷.۷۴	۲۴۳,۱۰۰	متوفی
۱۰۰	۱,۳۷۰,۲۹۲	مجموع مستمری‌بگیران

منبع: نشریه آماری زمستان ۱۳۹۶، صندوق بازنشستگی کشوری

از آنجا که تعداد از کارافتاده‌ها کمتر از ۱ درصد از جامعه مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی را تشکیل می‌دهند، فقدان اطلاعات درباره میانگین حقوقی آن‌ها چندان مسئله آفرین نیست اما نبود اطلاعات باوجود ۲۴۳,۰۰۰ متوفی و یا به عبارتی، ۳۳۴,۲۱۶ ورثه مستمری‌بگیر، محل بحث بسیار است. براساس محدودیت داده‌های موجود در این زمینه، می‌توان اطلاعاتی از این قبیل ارائه کرد: ۹۲.۸ درصد از ورثه بگیران را زنان تشکیل می‌دهند (در آمار پاییز این نسبت ۹۲.۷ درصد بوده است). براساس نشریه آماری ۹۶، حدود ۶۱.۶ درصد از این زنان ورثه بگیر بیش از ۵۵ سال و ۵۲.۳ درصد نیز بیش از ۶۰ سال سن دارند. یعنی دست‌کم بیش

۱. استفاده از عنوان «برحسب پرونده» به معنای این است که گاه فرد متوفی چندین نفر ورثه مستمری‌بگیر دارد که در اینجا صرفاً یک نفر (یعنی خود متوفی در نظر گرفته شده است)؛ از آنجا که مستمری ورثه‌ها نسبتی از مستمری فرد متوفی است بنابراین در مجموع برابر یک مستمری خواهند شد و از این منظر آمار برحسب عنوان پرونده مهم است چراکه تا حد زیادی به واحد خانوار ارجاع دارد.

از نیمی از ورثه بگیران خود توان کار کردن ندارند و به احتمال زیاد زندگی‌شان به این مستمری وابسته است. از سویی بیش از ۵۷ درصد از کل وراثت مستمری‌بگیر، زنان متوفی بوده‌اند. ۴۰ درصد نیز فرزند متوفی بوده و سایر نسبت‌ها مربوط به مادر، پدر و نواده متوفی بوده‌اند.

با این حال برای دریافت اطلاعات بهتری از وضعیت مستمری‌های دریافتی مستمری‌بگیران (اعم از بازنشسته، ازکارافتاده و متوفی) به میزانی از ساده‌سازی روی آورده و با تطبیق حقوق خرداد ۱۳۹۵ (نشریه آماری بهار ۱۳۹۵) و جدول دهک شهری بانک مرکزی، می‌توان پی برد که بیش از ۸۹ درصد افراد در دهک دوم تا چهارم قرار داشته‌اند؛ به نظر می‌رسد در این رابطه حدود ۱ درصد افراد در دهک نخست شهری قرار داشته و سهم افراد دهک‌های پنجم تا دهم، حدود ۱۰ درصد بوده است که غالب آن‌ها در همان دهک پنجم قرار می‌گیرند؛ در این میان، حدود ۰.۳ درصد از آنان در دهک نهم و دهم قرار داشته‌اند.

وضعیت مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی

وضعیت مستمری‌بگیران سازمان (اعم از بازنشستگان، ازکارافتادگان و متوفی) در سال ۱۳۹۶ به شرح زیر بوده است: همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، سهم بازنشستگان حدود ۶۵ درصد بوده است و متوفی و ازکارافتادگان در مراتب بعدی قرار داشته‌اند.

جدول ۲۳. انواع مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی - ۱۳۹۶

درصد	تعداد		
۶۵.۱	۱,۷۶۷,۱۸۲	بازنشسته	
۰.۶	۱۵,۲۲۵	کلی ناشی از کار	از کارافتاده
۰.۶	۱۵,۵۹۸	کلی غیر ناشی از کار	
۳.۹	۱۰۷,۰۴۳	جزئی	
۵.۱	۱۳۷,۸۶۶	جمع	
۱.۱	۳۱,۲۰۰	ناشی از کار	متوفی
۲۸.۷	۷۸۰,۳۶۲	غیر ناشی از کار	
۲۹.۹	۸۱۱,۵۶۲	جمع	
۱۰۰	۲,۷۱۶,۶۱۰	مجموع مستمری‌بگیران	

منبع: گزیده آماری سازمان تأمین اجتماعی-۱۳۹۶

از آنجا که آمار مستمری‌بگیران در سال ۱۳۹۵ با جزئیات بیشتر قابل دسترسی است، به آمارهای این سال ارجاع می‌دهیم؛ به استناد گزارش توصیفی جامع مستمری‌بگیران سازمان در سال ۱۳۹۵، حدود ۶۴.۷ درصد از مستمری‌بگیران را بازنشستگان تشکیل میدهند. سهم از کارافتادگان در این میان حدود ۵.۳ درصد و برخلاف نسبت اندک از کارافتادگان صندوق بازنشستگی کشوری، در سازمان تأمین اجتماعی تعداد آنان بیش از ۱۳۴ هزار نفر بوده است. ۳۰ درصد باقیمانده را پرونده افراد متوفی واجد بازمانده تشکیل داده است.

میانگین مستمری سه گروه مذکور، بدین قرار بوده است:

جدول ۲۴. میانگین مستمری دریافتی از سازمان تأمین اجتماعی - ۱۳۹۵

میانگین مستمری ماهانه (ریال)	درصد	تعداد	
۱۲,۷۱۶,۳۲۶	۶۴.۷	۱,۶۳۳,۵۸۱	بازنشسته
۷,۵۵۹,۸۰۳	۵.۳	۱۳۴,۴۱۶	ازکارافتاده
۸,۹۸۳,۹۳۰	۳۰	۷۵۶,۱۳۶	متوفی
۱۱,۳۳۳,۶۴۳	۱۰۰	۲,۵۲۴,۱۳۳	مجموع مستمری‌بگیران

منبع: گزارش توصیفی جامع مستمری‌بگیران سازمان در سال ۱۳۹۵

نکته جالب‌توجه در این میان آن است که ۳۸.۸ درصد از بازنشستگان صندوق تأمین اجتماعی، از بازنشستگی پیش‌از‌موعد استفاده کرده‌اند و درعین حال میانگین دریافتی آنان تفاوت چندانی با میانگین بازنشستگان عادی ندارد (یک میلیون و دویست و هشتاد و هشت هزار تومان، در برابر یک میلیون و دویست و چهل و پنج هزار تومان؛ به عبارتی تمایزی معادل ماهانه ۴۳ هزار تومان).

بررسی وضعیت گروه از کارافتادگان حاکی از آن است که ۸۸.۵ درصد از آنان دچار ازکارافتادگی کلی و ۱۱.۵ درصد با ازکارافتادگی جزئی روبه‌رو بوده‌اند. مبلغ دریافتی افرادی که دچار ازکارافتادگی جزئی شده‌اند، بسیار اندک و حدود ۱۷۵ هزار تومان بوده است. مستمری ازکارافتادگان کلی ناشی از کار و غیر ناشی از کار نیز که به ترتیب ۱۱ و ۷۷.۵ درصد از گروه ازکارافتادگان را تشکیل می‌دهد، حدود ۸۴۰ و ۸۳۰ هزار تومان بوده است. بدین ترتیب با مقایسه هزینه خانوارهای شهری، می‌توان ادعا کرد که در صورتی که ازکارافتادگان منبع درآمد دیگری به‌جز مستمری نداشته باشند، به احتمال زیاد در دهک نخست قرار خواهند گرفت.

جدول ۲۵. میانگین مستمری از کارافتادگان تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی

میانگین مستمری ماهانه (ریال)	درصد	تعداد	از کارافتادگان
۸۴,۰۱,۰۸۶	۱۱	۱۴,۸۳۲	کلی ناشی از کار
۸,۲۹۹,۸۷۱	۷۷.۵	۱۰۴,۱۳۶	کلی غیر ناشی از کار
۱,۷۵۴,۶۱۷	۱۱.۵	۱۵,۴۲۸	جزئی

منبع: همان

افراد متوفی نیز به چند دسته تفکیک می‌شوند: فوت عادی بیمه‌شده، فوت عادی مستمری‌بگیر، فوت در اثر حادثه یا بیماری حرفه‌ای، فوت عادی مقررری‌بگیر و سایر موارد (فوت آزاده غیرمشمول، فوت ناشی از بیماری دوران اسارت، شهادت و...). میانگین مستمری این گروه‌ها در محدود ۸۱۲ هزار تومان تا ۹۷۸ هزار تومان بوده است.

مبلغ حداقل دستمزد در سال ۱۳۹۵ حدود ۸۱۲ هزار تومان (۸۱۲,۱۶۶ تومان) بوده است. براساس داده‌های ارائه‌شده در گزارش جامع مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی، حدود ۴۷.۵ درصد از بازنشستگان در سال مذکور، مبلغی معادل یا کمتر از حداقل دستمزد دریافت کرده‌اند. یعنی حدود نیمی از بازنشستگان از منظر صرف مستمری در دهک نخست قرار داشته‌اند. نکته تلخ در این زمینه آن است که میانگین مستمری حدود ۱۵ درصد از بازنشستگان نزدیک به ۳۲۰ هزار تومان بوده است.

حدود ۹۲ درصد از افراد از کارافتاده نیز مستمری‌ای معادل حداقل دستمزد یا کمتر از آن دریافت کرده‌اند. این موضوع حاکی از آن است که ریسک فقر در این گروه بیش از دیگر گروه‌های مستمری‌بگیر است و ۹۲ درصد از آن‌ها در صورت ناپرخورداری از منبع درآمدی دیگر، در دهک نخست قرار داشته‌اند. ۱۵,۶۶۵ نفر از افراد از کارافتاده (۱۱.۷ درصد)، حقوق ماهیانه‌ای معادل ۱۷۶ هزار تومان دریافت کرده‌اند.

در میان بازماندگان افراد متوفی، ۶۶.۴ درصد از آن‌ها (برحسب پرونده)، معادل حداقل دستمزد یا کمتر دریافت کرده‌اند. در این میان ۷.۵ درصد از بازماندگان (معادل ۵۶,۵۲۳ پرونده) مستمری حدود ۲۴۷ هزار تومان دریافت کرده‌اند. در این مورد نیز نکات بالا قابل بیان است.

برخی از گروه‌های خاص همچون قالیبافان شناسنامه‌دار، مددجویان و زنان سرپرست خانوار اگرچه از نظر تعدادی اندک هستند اما نمی‌توان به میزان مستمری پایین آنان اشاره نکرد. غالب این گروه‌ها بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان دریافت کرده‌اند و کارگران باربر و کارگران ساختمانی، به ترتیب ۶۴۰ و ۴۴۱ هزار تومان مستمری دریافت کرده‌اند. این میزان اندک دریافتی امکان هر نوع استقلال را از افراد به‌ویژه زنان سرپرست خانوار می‌گیرد.

اشتغال در زمان بازنشستگی

همان‌گونه که گزاره‌های فوق نشان می‌دهد بخش اعظم بازنشستگان و مستمری‌بگیران حقوق معدودی دریافت می‌کنند، و به دلیل دشواری تداوم زندگی در چنین شرایطی، روی آوردن به کار یا درخواست حمایت از نهادهای حمایتی چندان دور از انتظار نیست. این موضوع گاه‌به‌گاه از سوی محافل مختلف شنیده می‌شود. باین حال به‌طور خاص در مورد اشتغال بازنشستگان، پژوهشی وجود دارد که به این موضوع پرداخته و در بالا بدان اشاره شد (پژوهش درباره مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی - سال ۱۳۹۲). این پژوهش نشان می‌دهد که ۲۵ درصد از مستمری‌بگیران ۸۰ ساله و بالاتر، حدود ۴۴ درصد از گروه سنی ۷۰ ساله، ۵۰ درصد از گروه سنی ۶۰ ساله و ۶۴ درصد از افراد گروه سنی ۵۰ ساله، به‌صورت تمام‌وقت، نیمه‌وقت و یا گاهی اوقات، در مشاغل مختلف فعالیت داشته و حقوق دریافت می‌کرده‌اند. بدین ترتیب به‌طور کلی حدود ۵۰ درصد از بازنشستگان مورد بررسی، علاوه‌بر دریافت مستمری، به‌نوعی مشارکت اقتصادی (در قبال دریافت پول) نیز اشتغال

داشته‌اند. کمتر از نیمی از آنان (۲۳ درصد از کل) به‌صورت گاه‌به‌گاه اشتغال داشته، ۲۰.۴ درصد، اشتغال پاره‌وقت، و ۵.۲ درصد از کل بازنشستگان، هم‌زمان با دریافت مستمری، اشتغال تمام‌وقت داشته‌اند.

این موضوع از یک‌سو حاکی از آن است که بازنشستگی و حتی بازنشستگی پیش‌از‌معد به معنای خروج از بازار کار نیست و از سوی دیگر این موضوع بخشی از دغدغه مالی بازنشستگان و استراتژی مقابله با آن را نشان می‌دهد.

بازگشت به پیمایش‌های ملی

برخلاف وضعیت توصیف‌شده در موضوعات فوق، درنهایت رضایت بازنشستگان از اوضاع مالی چندان هم بد نبوده است؛ مراجعه به پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، نشان می‌دهد که جمع بازنشستگان ناراضی از اوضاع مالی از ۲۶.۳ و ۲۸.۲ درصد در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ به ۱۷.۸ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است. در مقابل نسبت بازنشستگانی که از اوضاع مالی خود رضایت داشته‌اند از ۴۷.۸ و ۳۸.۲ درصد به ۴۴.۷ درصد در سال ۱۳۹۴ تغییر یافته است که در مجموع حاکی از بهبود اوضاع اظهارشده آنان نسبت به دو موج قبلی است. این در حالی است که سایر پاسخ‌گویان روایت دیگری ارائه داده‌اند که بیان ساده آن «بدتر شدن اوضاع مالی‌شان» در موج سوم نسبت به دو موج پیشین پیمایش بوده است.

خوش‌بینی و اعلام رضایت بازنشستگان در سال ۹۴ نسبت به سال‌های گذشته در مورد شاخص دیگری همچون وضعیت رضایت از اوضاع کلان اقتصادی نیز مشاهده می‌شود و در مورد آن شاخص نیز تمایزی اندک میان بازنشستگان و سایر مردم وجود داشته است؛ در مورد شاخص مذکور، اگرچه هردو گروه از بهبود اوضاع سخن گفته‌اند اما شدت بهبود اوضاع در میان آنان متفاوت بوده است:

در سال ۱۳۸۲، حدود ۶۴.۲ درصد از بازنشستگان رضایت خود از اوضاع اقتصادی را کم یا خیلی کم اظهار کرده‌اند، ۲۹.۶ درصد، متوسط و ۶.۱ درصد آن را زیاد و

خیلی زیاد بیان کرده‌اند. در سال ۱۳۹۴ وضعیت رضایت آنان به مراتب بهتر از دوره پیش اظهار شده و ۵۵.۱ درصد بر رضایت کم و خیلی کم از اوضاع اقتصادی تأکید داشته‌اند و ۹.۳ درصد بر رضایت زیاد و خیلی زیاد. به عبارتی حدود ۹ واحد درصد از ناراضیان نسبت به وضعیت اقتصادی کاهش یافته و ۳ واحد درصد بر راضیان افزوده شده است. در حالی که رضایت از وضعیت شاخص مورد بحث در میان سایر اقشار مردم نیز با بهبود اما با شدت بیشتری همراه بوده است؛ مقایسه میان داده‌های پیمایش ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ حاکی از این است که ۱۳ واحد درصد از کل پاسخ‌گویان ناراضی کاهش یافته و ۲ واحد درصد بر پاسخ‌گویان راضی از وضعیت اقتصادی افزوده شده است.

محاسبات جعفری (۱۳۹۶) نیز نشان می‌دهد که به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ وضعیت مستمری‌بگیران در سه مقطع مورد بحث به ترتیب بهبود یافته است؛ به نحوی که در سال ۱۳۷۹، میانگین مستمری پرداختی بازنشستگان، حدود ۳۶ میلیون ریال بوده است، در سال ۱۳۸۲، به ۴۹ میلیون ریال و در سال ۱۳۹۴ به ۶۹ میلیون ریال افزایش یافته است. در حالی که هزینه خانوارهای شهری (به قیمت ثابت) میزان رشد متفاوتی را طی کرده است و از ۱۴۱ میلیون ریال در سال ۱۳۷۹ به حدود ۱۵۲ و سپس ۱۵۵ میلیون ریال در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است. یعنی بین سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴، میانگین مستمری ۲۰ واحد تغییر کرده در حالی که هزینه خانوار، تنها سه واحد؛ بر اساس نتایج پژوهش مذکور نسبت مستمری بازنشستگی به متوسط هزینه خانوار در سه مقطع مورد بررسی، به ترتیب ۰.۲۷، ۰.۳۱ و ۰.۴۴ بوده است. یعنی توالی زمانی این سه مقطع با بهبود مستمر همراه بوده است. بنابراین بهبود نسبی وضعیت رضایت بازنشستگان در شاخص‌های عینی نیز قابل توجیه بوده است. در مورد سایر پاسخ‌گویان نیز به نظر می‌رسد توالی تورم بالای ۱۵ درصد در چهار سال منتهی به سال ۱۳۹۴ (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳)، سبب فشار اقتصادی بر آنان

شده باشد. در این سال‌ها نرخ تورم به ترتیب ۲۱.۵ درصد، ۳۰.۵ درصد، ۳۴.۸ درصد و ۱۵۶ درصد بوده است. از سویی کاهش چشمگیر نرخ تورم در سال آخر از ۳۴ درصد به ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۳ و در نهایت کاهش بیشتر نرخ تورم در سال ۱۳۹۴ به ۱۱ درصد (و تجربه ثبات نسبی قیمت‌ها در اذهان مردم) می‌تواند بر تلقی از بهبود نسبی اوضاع اقتصادی کشور و بهبود رضایت از آن تأثیرگذار بوده باشد.

بررسی اعتراضات دی‌ماه

بررسی اعتراضات دی‌ماه از خلال گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که اصفهان، خوزستان، لرستان، همدان، فارس و خراسان رضوی به ترتیب با تعداد روزهای ناآرام ۱۹، ۱۷، ۹، ۸، ۸ و ۸ از منظر استمرار ناآرامی در صدر استان‌های معترض قرار داشته‌اند. از نظر فراگیری اعتراضات در سطح شهرستان‌ها نیز لرستان، همدان، خوزستان و اصفهان در جایگاه بالاتری قرار داشته‌اند. بررسی استان‌های مذکور از منظر میزان بازنشستگان تأمین اجتماعی به شرح زیر بوده است:

اصفهان و خوزستان در بحث از بازنشستگان در شاخص‌های خاص بازنشستگی همواره در زمره استان‌های مهم و خاص قرار داشته‌اند، خراسان رضوی و فارس نیز معمولاً در ردیف‌های بعد قرار داشته‌اند؛ درحالی‌که همدان و لرستان استان‌های معمولی و فاقد ویژگی‌های بارزی بوده‌اند.

اصفهان با ۱۵۶,۱۲۵ نفر و خوزستان با ۹۵۴,۸۵ بعد از استان تهران در زمره استان‌های دارای بیشترین بازنشسته تأمین اجتماعی قرار داشته‌اند. اصفهان ۹.۶ درصد و خوزستان ۵.۸ درصد از کل جمعیت بازنشسته تأمین اجتماعی را در خود جای داده‌اند. خراسان رضوی در جایگاه بعدی و فارس نیز (پس از البرز) قرار داشته است.

در مورد تعداد از کارافتاده نیز استان‌های خوزستان و اصفهان در صدر قرار داشته‌اند. هر یک از این دو استان، به ترتیب ۷.۹ و ۷.۴ درصد از جمعیت از کارافتاده تأمین اجتماعی را از آن خود کرده‌اند. حتی از نظر تعداد متوفیانی که بازماندگان مستمری‌بگیر دارند نیز این دو استان بعد از تهران قرار داشته‌اند: اصفهان با ۸.۹ درصد و خوزستان با ۸.۳ درصد جمعیت متوفای تحت پوشش تأمین اجتماعی. خراسان رضوی و فارس در هردو شاخص پس از دو استان مذکور قرار داشته‌اند. اما استان‌های همدان و لرستان در هیچ‌یک از این موارد واجد اهمیت نبوده و معمولاً در رتبه انتهایی قرار داشته‌اند.

با وجود برجسته شدن استان‌های معترض در شاخص‌های مرتبط با بازنشستگان تأمین اجتماعی، مقایسه سایر استان‌ها و قرار گرفتن استان‌هایی همچون کرمان که تجربه چندانی در ناآرامی‌ها نداشته در کنار استان‌های مورد بحث و یا مشابهت جایگاه لرستان و همدان با بسیاری از استان‌های آرام در ناآرامی‌های دی‌ماه، نشان از این موضوع دارد که نمی‌توان ارتباط معناداری در این میان استخراج کرد. به نظر می‌رسد استان‌های اصفهان، فارس، خوزستان و... تا حدی به خاطر داشتن جمعیت زیاد و برخورداری از صنایع مختلف و برخی از عوامل دیگر در شاخص بازنشستگان برجسته شده‌اند، نه اینکه لزوماً دارای رابطه مشخصی و قابل اتکایی در این زمینه باشند.

از سوی دیگر براساس بررسی‌های پژوهشگر در آمارهای غیررسمی ارائه شده در مورد افراد بازداشت‌شده، مباحث پراکنده درباره معترضان و فیلم‌های مختلف در فضای مجازی، شواهدی برای وجود سهم بالای گروه‌های سنی سالمند یا بازنشسته در این اعتراضات وجود ندارد. حتی معدود موارد موجود همچون اعتراض کشاورزان اصفهانی و مواردی از این دست نیز بیشتر شامل گروه‌های شغلی‌ای می‌شود که تحت پوشش بیمه اجباری قرار ندارند و باتوجه به جوانی و کوچکی

صندوق بیمه کشاورزان و روستائیان نیز بسیار بعید است که معترضان در زمره بازنشستگان این صندوق قرار داشته باشند. از سوی دیگر افراد معترض مورد اشاره (کشاورزان) نیز اساساً همچنان شاغل بوده و بنابراین در بحث بازنشستگان قابل طرح نیستند.

با وجود این، آنچه در آمارهای مرتبط با بازنشستگان مشخص است آن است که در صورت به مخاطره افتادن مستمری بازنشستگان تأمین اجتماعی، همان استان‌هایی ممکن است کانون بحران شوند که در صدر استان‌های معترض قرار داشته‌اند و این موضوع می‌تواند با اضافه شدن بازنشستگان، آتش ناآرامی‌ها را شعله‌ورتر کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتیجه بحث‌های فوق حول چند بحث محوری قابل‌تقلیل است:

۱- «بازنشسته بودن» لزوماً به معنای مشابهت فرهنگی و هویت مشترک نیست.

به نظر می‌رسد «بازنشستگی» تنها براساس وابستگی افراد به صندوق‌های بازنشستگی تعریف می‌شود و افراد مختلف به‌صرف بازنشسته بودن واجد یک هویت مستقل مشترک نخواهند بود؛ بنابراین ممکن است لزوماً رفتار فرهنگی و نگرشی مشترکی نداشته باشند و نسبت‌های ارائه‌شده صرفاً میانگینی از نگرش افراد متمایز باشد.

۲- دغدغه «کیفیت درمان» و «کفایت مستمری‌ها» از مهم‌ترین دغدغه‌های بازنشستگان بوده است.

به نظر می‌رسد که به‌طور کلی دو دغدغه اساسی بازنشستگان، دغدغه کیفیت درمان و کفایت مستمری‌ها است. این دو دغدغه باتوجه به نیازهای درمانی بازنشستگان و درعین‌حال ناراضایی آنان از کیفیت خدمات درمانی و نیز میزان پایین مستمری بازنشستگان (نسبت به هزینه‌های زندگی) مسائل مهم و غیرقابل‌انکاری هستند که در طول پژوهش ابعاد آن به‌صورت مفصل بیان شد.

۳- شرایط تحریم، بر چالش‌های مالی بازنشستگان خواهد افزود.

در سالیان گذشته، بخش قابل‌توجهی از بازنشستگان با اشتغال به کار غیررسمی کوشیده‌اند تا کاستی‌های مالی خود را برطرف کنند؛ این موضوع همان‌گونه که پیمایش مرتبط با بازنشستگان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد منجر به اشتغال به کار حدود نیمی از بازنشستگان شده است؛ اما به نظر می‌رسد با قرار گرفتن در شرایط تحریم و دشوار شدن شرایط اشتغال در کشور، احتمال موفقیت بازنشستگان در تأمین مالی خویش از طریق برخورداری از مشاغل غیررسمی نیز کاهش یافته و مشکلات مالی آنان نیز بیشتر شود. این وضعیت در حالی است که

جهش نرخ ارز و افزایش تورم در ماه‌های گذشته بر مخارج زندگی مردم افزوده و ارزش واقعی مستمری دریافتی را به شدت کاهش داده است.

۴- بازنشستگان در صدر گروه‌های در اولویت قرار ندارند.

مطالعه نتایج پیمایش‌های ملی به‌ویژه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان حاکی از آن است که تمایزی اساسی میان پاسخ بازنشستگان و سایر پاسخ‌گویان وجود نداشته است. با این حال پیمایش ملی سرمایه اجتماعی برنوعی تمایز متکی است. اگر پیمایش نخست را مبنا قرار دهیم، بازنشستگان تمایزی با سایرین ندارند و اگر پیمایش دوم را مبنا قرار دهیم، وضعیت بازنشستگان به مراتب بهتر و همراه با خوش‌بینی و رضایت بیشتر بوده است. اما این نتایج ظاهراً متناقض با بررسی عمیق‌تر، زیر سایه سرمایه اجتماعی به هم‌گرایی منتهی می‌شود؛ در واقع نتایج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها نیز دریانی دیگر از سرمایه اجتماعی افزون‌تر بازنشستگان در جامعه روایت می‌کند: خوش‌بینی بیشتر به وضعیت اخلاقی جامعه، امید بالاتر به صندوق‌های رای، افتخار بیشتر به هویت ملی خود، خوش‌بینی زیادتر به ابعاد مختلف اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور در آینده، تأیید قدرتمندتر برقراری رابطه میان استعداد و پاداش و مواردی از این دست به‌نوعی نشان‌دهنده اعتماد آنان به کارکرد نسبتاً مثبت جامعه، افراد و بالا بودن سرمایه اجتماعی فراگیر بازنشستگان بوده است.

با وجود چنین وضعیتی، به نظر می‌رسد در صورتی که قرار بر تمرکز بر گروه‌های در شرایط اضطرار باشد، بازنشستگان در اولویت‌های نخست قرار نمی‌گیرند. گویا شرایط خاص بازنشستگان با وجود دشواری بسیار به سازگاری نسبی آنان در طول زمان منتهی شده است؛ این موضوع در کنار رضایت بالای آنان، میزان اعتماد بیشتر، خوش‌بینی بالاتر و سرمایه اجتماعی فراگیرتر، شرایط نسبتاً مساعدی را برای بازنشستگان رقم‌زده است.

اگرچه رفاه ایده‌ال بازنشستگان نیازمند توجه بسیار بیشتری نسبت به وضعیت کنونی است اما، باتوجه به شرایط کلی جامعه و مقایسه با سایر اقشار، این گروه در اولویت خدمات خاص اجتماعی در شرایط موجود قرار نخواهد گرفت. درحالی‌که شرایط وخیم نومی‌دی جوانان، اوضاع نامناسب اشتغال و شرایط خاص تحریم، گروه‌های ویژه‌تری را برای اقدام تعریف می‌کند. البته دو دغدغه مورد اشاره در بند دوم (وضعیت سلامت و حفظ ارزش مستمری آنان) باید همواره مورد توجه قرار داشته باشد.

پیشنهاد مشخص و بسیار مهم در مورد بازنشستگان، مراقبت از ارزش مستمری و استمرار منظم آن‌هاست؛ شرایط صندوق‌های بازنشستگی حاکی از احتمال بحران در آینده نه‌چندان دور در این حوزه است. کمک به تعویق و خنثی کردن بحران مذکور، مهم‌ترین اقدام در این زمینه تلقی می‌شود.

۵- تاخیر در پرداخت مستمری بازنشستگی مهم‌ترین مخاطره مرتبط با بازنشستگان است. آنچه بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد را از سایر بازنشستگان متمایز می‌سازد، وضعیت ورشکستگی عیان صندوق مذکور و دغدغه پرداخت ماهیانه مستمری بازنشستگان است. این موضوع در عمل منجر به تاخیر در پرداخت مستمری آنان می‌شود؛ این دغدغه در مورد بازنشستگان مذکور بیش از دیگران بوده و همین موضوع به تجمعات متعدد آنان در چند سال اخیر دامن زده است. در مورد سایر بازنشستگان نیز باتوجه به وابستگی شدید غالب آنان به مستمری دریافتی‌شان، هشدار مهمی که باید به دولت داده شود آن است که، کوچک‌ترین تاخیر در پرداخت مستمری بازنشستگان می‌تواند پیامدهای ناگواری را برای آنان به همراه داشته و به تبع آن، پیامدهای اجتماعی و سیاسی برای کشور به دنبال داشته باشد؛ به همین دلیل تضمین عدم تاخیر در این زمینه، مهم‌ترین اقدام در شرایط موجود برای بازنشستگان تلقی می‌شود.

۶- تضمینی برای عدم اعتراض بازنشستگان وجود ندارد.

با وجود نکات فوق، لازم به یادآوری است که بهبود کلی و نسبی بازنشستگان نسبت به سایر گروه‌ها در جامعه، به معنای عدم اعتراض آنان نسبت به وضعیت زندگی‌شان نخواهد بود؛ بلکه ممکن است آنان در قالب گروه‌های مختلف مشترک‌المنافع، به ایجاد تجمع و اعتراضاتی در مورد وضعیت زندگی خویش اقدام کنند.

درواقع آنچه در اینجا بررسی شده است از یک سو مبتنی بر «میانگین» است که طبیعتاً منجر به نادیده گرفتن گروه‌های به شدت معترض و ناراضی یا راضی (به دلیل نسبت اندک آنان) می‌شود؛ از سوی دیگر داده‌های مورد بحث در مقایسه با داده‌های مرتبط با سایر افراد و اقشار مورد توجه و نتیجه‌گیری قرار گرفته است؛ آمارهای درخور توجه از اعتراضات صنفی کارگران در سال گذشته و اعتراضات و اغتشاشات برخی از افراد به‌ویژه جوانان در یکی دو سال اخیر به‌خوبی حاکی از میزان ناراضی‌تری بالاتر سایر افراد نسبت به بازنشستگان بوده است؛ به‌ویژه آنکه حجم و گستردگی اعتراضات آنان با تجمعات بازنشستگان قابل مقایسه نیست.

۷- هم‌مکانی بسامد بازنشستگان و استان‌های بحرانی، مخاطره ورشکستگی نظام بازنشستگی را پرهزینه‌تر می‌کند.

فراوانی بالای بازنشستگان در استان‌های معترض در دی‌ماه ۱۳۹۶، این مخاطره را تقویت می‌کند که فشار بر بازنشستگان (در صورت انتقال بحران صندوق‌ها به مستمری‌بگیران و کاهش توان پرداخت آنان) می‌تواند به افزودن شدن این گروه به جمع معترضان و تشدید کانون‌های بحران منجر شود و این موضوع کشور را در شرایط دشوارتری قرار دهد.

۸- هزینه تجمع برای بازنشستگان کمتر از شاغلان و سایر اقشار است.

نکته آخر اینکه وجود کانون‌های قانونی بازنشستگی و فشار متقابل امنیتی و

انتظامی کمتر بر بازنشستگان نیز تا حدی هزینه تجمعات و اعتراضات بازنشستگان نسبت به سایر اقشار و به‌ویژه کارگران را کاهش داده و همین امر تکرار تجمعات آنان را با احتمال بیشتری (نسبت به گروه‌های دیگر) ممکن می‌سازد. بررسی تجربی و داده‌های گاه‌به‌گاه درباره بازداشت‌شدگان در تجمعات به نحوی است که این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که نیروهای امنیتی تساهل بسیار بیشتری نسبت به بازنشستگان روا می‌دارند. این موضوع به معنای کاهش هزینه تجمعات اعتراضی بازنشستگان است.

از سوی دیگر فراغت زمانی بیشتر بازنشستگان نسبت به سایر اقشار امکان هماهنگی آنان برای تجمعات را بیشتر می‌کند. با این حال بیشتر بودن احتمال اعتراض آنان به معنای اولویت عینی و نگرشی کلی بازنشستگان بر شاغلان، بیکاران و جوانان نیست.

منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶)، نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران سال ۱۳۹۵، اداره آمار اقتصادی.
- جعفری، هدی (۱۳۹۶)، مروری بر کفایت مستمری در صندوق بازنشستگی کشوری، موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا.
- ربیعی، علی و حیدری، علی (۱۳۹۶) نظام نوین رفاه از ایده تا عمل، تهران انتشارات علمی و فرهنگی.
- سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۹۲) بررسی نگرش جامعه نسبت به بازنشستگی، دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی.
- سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۹۶) گزارش جامع مستمری‌بگیران تا پایان سال ۱۳۹۵، دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی.
- سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۹۶) سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی سال ۱۳۹۵، دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی.
- سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۹۷) گزیده آماری در پایان سال ۱۳۹۶، دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی.
- صندوق بازنشستگی کشوری (۱۳۹۵)، سالنامه آماری صندوق بازنشستگی کشوری سال ۱۳۹۵، دفتر برنامه‌ریزی و توسعه سیستم‌ها.
- صندوق بازنشستگی کشوری (۱۳۹۵)، نشریه آماری صندوق بازنشستگی کشوری بهار ۱۳۹۵، دفتر برنامه‌ریزی و توسعه سیستم‌ها.
- صندوق بازنشستگی کشوری (۱۳۹۶)، نشریه آماری صندوق بازنشستگی کشوری بهار ۱۳۹۶، دفتر برنامه‌ریزی و توسعه سیستم‌ها.
- صندوق بازنشستگی کشوری (۱۳۹۶)، نشریه آماری صندوق بازنشستگی کشوری پاییز ۱۳۹۶، دفتر برنامه‌ریزی و توسعه سیستم‌ها.
- قوامی، نسربین (۱۳۹۶)، روند تغییرات ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان بازنشسته؛ برگرفته از گزارش‌های موج‌های سه‌گانه پیمایش، تهران: موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶)، بررسی وضعیت سازمان تأمین اجتماعی و ضرورت اصلاحات بنیادی در آن (علل و اقدامات فوری موردنیاز)، تهران: مجلس شورای اسلامی.

- مرکز مشاوره فاطمیه (۱۳۹۶)، بررسی سلامت روان بازنشستگان شهر تهران، موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۶)، روایت اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶؛ اعتراض و بروز خشونت زیر ذره‌بین آمار، زمستان ۱۳۹۶.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۷) اینفوگرافیک تأمین اجتماعی، مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، تیرماه ۱۳۹۷
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول)، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۴)، سنجش سرمایه اجتماعی، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۵)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج سوم)، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور.

بررسی کیفی مطالبات بازنشستگان کشور؛
با تمرکز بر بازنشستگان صندوق‌های کشوری و تأمین اجتماعی

ریحانه عبدی

چکیده

وضعیت صندوق‌های بازنشستگی و به تبع آن وضعیت بازنشستگان کشور در آستانه یک بحران جدی و عمیق قرار دارد و بخش عمده‌ای از آثار و عوارض این بحران بر دوش میلیون‌ها نفر از سالمندانی گذاشته می‌شود که در گذشته و در زمان اشتغال، به امید تأمین آینده خود وارد روابط استخدامی و بیمه‌ای شدند. عوارض وضعیت کنونی بازنشسته‌ها به گونه‌ای است که حوزه‌های گوناگون زندگی بازنشستگان و افراد تحت تکفل آنان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد به طوری که در سال‌ها و ماه‌های اخیر این فشار خود را به شکل اعتراضات اجتماعی نشان داده است. در این پژوهش تلاش شده است از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۳۵ نفر از بازنشستگان صندوق‌های بازنشستگی کشوری و تأمین اجتماعی، و همچنین ۵ نفر از روسای کانون‌های بازنشستگی کشور، مشکلات و مطالبات بازنشستگان به صورت کیفی بررسی شود. در این تحقیق با بهره‌گیری از نظریه محرومیت نسبی مشخص شد یکی از ریشه‌ای‌ترین عواملی که منجر به این اعتراضات شده است، احساس تبعیض و نابرابری و برداشت ذهنی افراد از وضعیت مطلوبی است که برای آن‌ها

محقق نشده است. همچنین با تحلیل گفتگوها، شش مقوله کلیدی معیشت و میزان مستمری، سلامت و بیمه‌های درمانی، سایر مشکلات توأم با بازنشستگی، مسائل رفاهی و اوقات فراغت، مشکلات سازمانی و قوانین بازنشستگی و نگرانی‌ها و چالش‌های روحی استخراج شد.

کلمات کلیدی: بازنشستگی، صندوق‌های بیمه، محرومیت نسبی، اعتراض اجتماعی

مقدمه

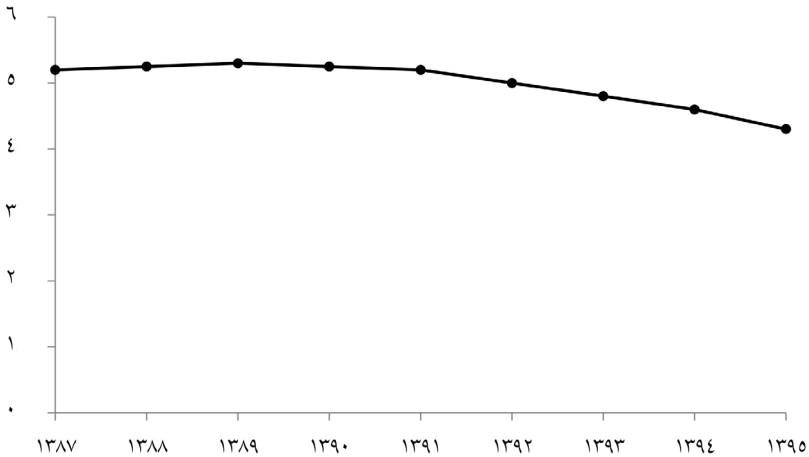
وضعیت صندوق‌های بازنشستگی و به تبع آن وضعیت بازنشستگان کشور در آستانه یک بحران جدی و عمیق قرار دارد. در کنار مسائلی چون بحران آب و مشکلات زیست‌محیطی، اشتغال و بیکاری، نظام بانکی و عدم موازنه دخل و خرج دولت، صندوق‌های بیمه بازنشستگی یکی از ابرچالش‌های اقتصادی و اجتماعی ایران تلقی می‌شود.

برای پیدا کردن درکی از اهمیت ابعاد مسائل بازنشستگان کافی است گفته شود که طبق آمار تعداد مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری در سال ۱۳۹۴ حدود ۴.۳ میلیون نفر بود که با مستمری‌بگیران سایر صندوق‌ها، احتمالاً به ۵.۲ میلیون نفر می‌رسید و اگر بُعد خانوار را برای این مجموعه در نظر بگیریم، حدود ۱۷.۵ میلیون نفر یا حدود ۲۲ درصد جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ از طریق مستمری بازنشستگی تأمین می‌شدند که این رقم در سال ۱۳۹۷، احتمالاً به ۱۹ میلیون نفر یا حدود ۲۴ درصد جمعیت کشور رسیده است. هم‌چنین سهم مستمری‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی و کشوری از بودجه

و GDP روند افزایشی داشته است و از حدود ۸ درصد بودجه و ۱.۷ درصد GDP در سال ۱۳۸۷ به حدود ۳۲ درصد بودجه و ۴.۵ درصد GDP در سال ۱۳۹۴ رسیده است (گلاب، ۱۵:۱۳۹۶).

اهمیت این چالش آنجاست که روند کلی امور نشان می‌دهد این وضعیت در آینده بدتر می‌شود که بهتر نخواهد شد. علت نیز روشن است. صندوق‌های بازنشستگی توان تأمین هزینه‌های خود را ندارند و چاره‌ای نیست جز آنکه منابع خود را از بودجه عمومی تأمین کنند. از سوی دیگر این هزینه‌ها هم به لحاظ تورم و هم به لحاظ روند رو به گسترش تعداد بازنشستگان، رو به افزایش است. بنابراین نه تنها مصارف تصاعدی بالا می‌رود، بلکه منابع و ورودی‌ها به این صندوق‌ها نیز روند مناسبی ندارد، در نتیجه ناپایداری صندوق‌ها را بیشتر می‌کند. برای نمونه نسبت پشتیبانی در سازمان تأمین اجتماعی نشان می‌دهد که روند کاهشی آن در سال‌های اخیر شدت یافته است.

نسبت پشتیبانی سازمان تأمین اجتماعی از ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵



منبع: آمارنامه سال ۱۳۹۵ سازمان تأمین اجتماعی

واضح است که روند کاهشی شتاب گرفته و باید توجه داشت که اندازه نسبت پشتیبانی کمتر از ۴ نشانگر نوعی بحران در پایداری صندوق‌هاست. مطالعات نشان داده که این نسبت برای کل صندوق‌های عمده بازنشستگی در همین سال (۱۳۹۷) مرز عدد ۴ را رد کرده و به ۳۶۵ رسیده است.

شرایط کنونی ناشی از یک خطای نظام‌مند در رفتار با صندوق‌های بازنشستگی و مقررات مربوط به آن طی چهار دهه گذشته بوده است. خطایی که به علت جوان بودن صندوق‌ها در بدو انقلاب، آثار زیان‌بار خود را نشان نمی‌داد. ولی در حال حاضر وضعیت به کلی فرق کرده است؛ اکنون روند اشتغال‌کند، و در مقابل روند بازنشستگی تند شده، امید به زندگی بالا رفته، و تورم و سوء مدیریت و فساد، ارزش دارایی‌های صندوق‌ها را کاهش داده است. بنابراین حالا که در کنار سیاست‌های نادرست بیمه‌ای، موازنه درآمدها و هزینه‌ها به کلی تغییر کرده و صندوق‌ها به ورطه بحران افتاده‌اند، برای جبران دست به دامن بودجه‌های دولتی شده‌اند؛ بودجه‌هایی که هر سال با شتاب بیشتری افزایش پیدا می‌کند. عدم توازن درآمدها و هزینه‌ها موجب شده است پرداخت مستمری به قیمت ثابت کاهش پیدا کند. نتایج نشان می‌دهد مستمری ماهانه سازمان تأمین اجتماعی به قیمت ثابت از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۶ به‌طور پیوسته به‌جز برخی سال‌ها روندی کاهشی داشته، در فاصله سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ روندی افزایشی و ثابت داشته، از آن‌پس نیز تا سال ۱۳۹۲ با فراز و فرود کاهشی بوده و طی دو سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ اندکی رشد را تجربه کرده است (هادی زنوز، ۱۳۹۶: ۴۰۶).

از سوی دیگر رشد شتابان تعداد بازنشستگان بحران این صندوق‌ها را عمیق‌تر خواهد کرد. پیش‌بینی می‌شود جمعیت بالای ۶۵ سال کشور تا پایان سال ۱۴۰۰ به حدود ۵.۵ میلیون نفر برسد که یک میلیون نفر بیش از این جمعیت در سال ۱۳۹۵ است، یعنی به‌طور متوسط سالانه ۲۰۰ هزار نفر بر این جمعیت سالمند

افزوده می‌شود. از آنجا که رشد جمعیت کشور نیز کم شده و نسبت سالمندان به کل جمعیت در حال حاضر (۱۳۹۷) حدود ۶ درصد است، طی سال‌های آینده رشد شتابانی در تعداد بازنشستگان به وقوع خواهد پیوست.

ولی این همه ماجرا نیست؛ بلکه پایین بودن دوران خدمت و بازنشستگی‌های زودرس و بالا رفتن امید به زندگی در کنار ناکارآمدی صندوق‌های بازنشستگی در حفظ و افزایش ارزش منابع صندوق، آن‌ها را به‌سوی ورشکستگی کامل می‌کشاند. برای نمونه میانگین سن بازنشستگان کشوری هنگام بازنشستگی حدود ۵۲ سال است که با حدود متوسط ۲۸ سال پرداخت کسورات بازنشست می‌شوند. ولی تقریباً به‌طور متوسط ۲۰ سال حقوق بازنشستگی دریافت می‌کنند که هیچ تناسبی با پرداخت‌های دوران اشتغال آنان ندارد.

صندوق‌های بازنشستگی با مشکلات گوناگونی مواجه هستند: کاهش نسبت پشتیبانی، وابستگی شدید به بودجه دولتی، ناکارآمدی اقتصادی صندوق‌ها، تغییر ترکیب بیمه‌شدگان و رشد روزافزون بیمه‌شدگان حمایتی و تبدیل دولت به کارفرمای بزرگ و در نتیجه افزایش بدهی‌های دولت به این صندوق‌ها، و عدم کفایت مستمری‌های پرداختی برای پرداخت هزینه‌های زندگی؛ به‌ویژه در سال‌های پیش رو که با یک تورم شدید مواجه هستیم. علل بروز این وضعیت نیز چندان پنهان نیست، باین حال آثار و عوارض آن بر دوش میلیون‌ها نفر از سالمندانی است که در گذشته و در زمان اشتغال، به امید تأمین آینده خود وارد روابط استخدای و بیمه‌ای شدند. عوارض وضعیت کنونی بازنشسته‌ها به‌گونه‌ای است که به‌طور قطع حوزه‌های گوناگون زندگی بازنشستگان و افراد تحت تکفل آنان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، به‌طوری که در سال‌ها و ماه‌های اخیر این فشار خود را به شکل تجمعات اعتراضی و سیاسی نشان داده است. قدم اول در مواجهه با چنین وضعیتی شناخت مشکلات بازنشستگان و کاستن از بار منفی

آن‌هاست. مطالعه حاضر کوششی مقدماتی برای پیدا کردن ابعاد مطالبات، مشکلات و اعتراضات بازنشستگان است تا از این طریق بتوان مطالعه‌ای کلان و پیمایشی را در خصوص این مجموعه شهروندان بزرگ و روبه‌رشد شکل داد.

در این گزارش ابتدا به توضیح نظریه محرومیت نسبی و رابطه آن با شکل‌گیری اعتراضات و تحرکات سیاسی پرداخته می‌شود که تبیین‌کننده اصلی احساس نارضایتی و رویکردهای اعتراضی بازنشستگان است. در ادامه به توصیف مزایای بهره‌گیری از روش کیفی و فرایند انتخاب نمونه و انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته در این پژوهش و محدودیت‌های موجود پرداخته و سپس شمایی کلی و اجمالی از چارچوب مفهومی این مطالعه ترسیم‌شده است. در بخش مربوط به یافته‌ها و نتایج، مقوله‌های استخراج‌شده و جزییات هر مقوله به تفصیل توضیح داده‌شده و همچنین گویه‌های پیشنهادی منتج از هر مقوله نیز زیر هر عنوان آورده شده است. و در پایان علاوه‌بر جمع‌بندی نتایج، ارتباط میان یافته‌ها با چارچوب نظری ارائه‌شده است.

نظریه محرومیت نسبی و شکل‌گیری اعتراضات سیاسی

یکی از نظریاتی که برای تحلیل و تبیین اعتراضات و تحرکات تند سیاسی برشمرده می‌شود، نظریه محرومیت نسبی است. محرومیت نسبی، داوری ذهنی فرد از وضعیت نامناسبی است که در آن قرار گرفته. این داوری از طریق مقایسه وضعیت خود با دسته مشخصی از استانداردها و مطلوبیت‌ها انجام می‌شود. احساس محرومیت نسبی عمدتاً با احساس خشم و عصبانیت همراه می‌شود. اسمیت و همکارانش در مقاله خود، محرومیت نسبی را در سه‌گام تعریف می‌کنند. ابتدا باید مقایسه‌ای توسط فرد صورت بگیرد. اگر مقایسه‌ای در کار نباشد، محرومیت نسبی نیز وجود ندارد. دوم، باید یک ارزیابی شناختی وجود داشته باشد که براساس آن فرد متوجه شود خود یا گروهش در وضعیت نامساعدی قرار دارند. سوم، وضعیت نامساعد درک

شده توسط فرد باید ناعادلانه قلمداد شود. در نتیجه فرد فکر می‌کند لیاقت خود یا گروهش بیشتر از وضع موجود است و در نتیجه خشمگین و عصبانی می‌شود. به‌عنوان مثال اگر همسایه فرد به‌واسطه تحصیلات بالاتر شغل و درآمد بهتری دارد و این از نظر او ناعادلانه نباشد، در این حالت احساس محرومیت نسبی به فرد دست نمی‌دهد (Smith, et. al., 2011). احساس محرومیت نسبی می‌تواند ناشی از مقایسه موقعیت فرد با گذشته/ آینده خودش، با افراد دیگر گروه، با افراد گروه‌های دیگر، و نیز از مقایسه موقعیت گروه با گروه‌های دیگر، یا با گذشته/ آینده خود گروه باشد.

این پژوهشگران با جدا کردن دو عنصر محرومیت نسبی فردی و محرومیت نسبی گروهی، معتقدند میان این دو نوع محرومیت نسبی، عمدتاً احساس محرومیت نسبی گروهی است که منجر به اعتراضات سیاسی می‌شود. اگرچه ممکن است احساس محرومیت، الهام‌بخش شرکت در تحرکات جمعی شود، اما تنها در صورتی این اتفاق می‌افتد که فرد به‌عنوان عضوی از یک گروه مرجع مرتبط، چنین احساسی را تجربه کند.

گروهی از پژوهشگران طرفدار نظریه محرومیت نسبی، این ایده پارادوکسیکال را مورد بررسی قرار دادند که گاهی اوقات بهبود دادن شرایط، به نارضایتی بیشتر در گروه محروم منجر می‌شود. مثلاً ارتقای شرایط و امکاناتی که نتواند به استانداردهای هنجاری و شاخص برسد و موفق نشوند انتظارات را به‌طور کامل برآورده سازد، علی‌رغم افزایش رفاه عینی فرد یا گروه، به نارضایتی شدیدتر می‌انجامد. استدلال این دسته از محققان آن است که بهبود شرایط، در حقیقت به‌حق افراد محروم برای داشتن موقعیت بهتر مشروعیت می‌بخشد، احساس محق بودن را تقویت می‌کند و افراد را نسبت به بی‌عدالتی گذشته آگاه‌تر می‌سازد. بنابراین می‌توان حرکاتی نظیر اعتراض یا شورش‌های اجتماعی در دوران افزایش سطح رفاه (ناقص) را در چارچوب

نظریه محرومیت نسبی تفسیر کرد (Olson & Hazlewood, 2014: 4-5).

سام دلیری (۱۳۸۲) در تحلیل خود بر نظریه محرومیت نسبی «رابرت گر» به تناقض موجود در نحوه مواجهه نویسندگان با اندازه‌گیری محرومیت نسبی در ذهنیت افراد و سپس عینیت یافتن این محرومیت به شکل اعتراض جمعی سیاسی می‌پردازد. «گر» محرومیت نسبی را که از مقایسه توانایی‌های ارزشی و انتظارات ارزشی افراد شکل گرفته است یک امر ذهنی و روانی می‌داند اما برای بررسی آن به سراغ متغیرهای ساختاری و کلان مانند وضعیت و شاخص‌های اقتصادی، درآمدی، آزادی و جز آن می‌رود. پیشنهاد سام دلیری برای گذر از این مشکل آن است که برای بررسی انتظارات و توانایی‌های ارزشی جامعه، بجای رجوع به واقعیات جامعه، به ذهنیات بازیگران رجوع کنیم و دیدگاه‌ها و برداشت ذهنی آن‌ها از داشته‌ها و انتظاراتشان را جویا شویم.

مسئله مهم آن است؛ از آنجاکه این احساس محرومیت نسبی امری ذهنی است، ممکن است با برداشت ناظر بیرونی از شرایط اجتماعی / اقتصادی / سیاسی تطابق نداشته و یا حتی برعکس آن باشد. مثلاً ممکن است «مردم به‌طور ذهنی باتوجه به انتظاراتشان احساس محرومیت کنند، اما یک ناظر خارجی آنان را نیازمند تلقی نکند. یا به گفته «گر» چه‌بسا کسانی که در وضعیتی به سر برند که از دید یک ناظر حد اعلای فقر یا محرومیت مطلق است اما آن را ناعادلانه یا چاره‌ناپذیر قلمداد نکنند» (سام دلیری، ۱۳۸۲). بنابراین در تحلیل و بررسی ریشه‌های شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی و سیاسی نشئت گرفته از محرومیت نسبی، نمی‌توان تنها به شاخص‌ها و متغیرهای عینی متکی بود، بلکه باید برداشت، رویکرد و ذهنیت افراد یا گروهی که دچار این احساس هستند را از داشته‌ها و انتظاراتشان مشخص کرد.

روش تحقیق

هدف این پژوهش، مطالعه مقدماتی برای فهم و درک دیدگاه‌ها، وضعیت زندگی،

مشکلات و مطالبات بازنشستگان صندوق تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری است. مطالعه‌ای که می‌تواند چارچوبی را برای فهم و سنجش میزان محرومیت نسبی نزد بازنشستگان روشن کند. روش این پژوهش، پژوهش کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته براساس چند پرسش محوری است. از آنجاکه لایه‌های مختلفی از واقعیت بر ساخت شده براساس دیدگاه‌ها و فهم افراد از یک موضوع واحد وجود دارد، روش کیفی این امکان را برای محقق فراهم می‌آورد تا به بررسی هر یک از این نظرات یکتا بپردازد. برخلاف روش تحقیق کمی که در پی تعمیم نتایج و یافتن روندهای عمومی است، روش کیفی به دنبال فهم عمیق‌تر از یک مسئله بخصوص است. به‌علاوه، روش کیفی پژوهشگر را قادر می‌سازد با پیش رفتن مصاحبه، پاسخ‌ها را تفسیر و لحن مصاحبه و سؤالات پسینی را براساس آن تنظیم کند (Higgs, et.al., 2009). از آنجاکه این پژوهش، یک پژوهش پیشینی برای استخراج متغیرهای عمده و تعیین‌کننده یک پژوهش کمی است که قابلیت تعمیم به جامعه آماری بزرگ‌تر را داشته باشد، روش کیفی ابزار لازم را برای بررسی و فهم تجربیات و مشکلات اختصاصی هر شنونده و انطباق سؤالات باتوجه به پاسخ‌های پیش‌گفته در اختیار ما قرار می‌دهد. مصاحبه نیمه ساختاریافته با فراهم آوردن امکان تعدیل و تغییر ترتیب سؤالات و روند و سرعت مصاحبه، به پژوهشگر کمک می‌کند بدون آنکه درگیر مکالمات بی‌هدف و بی‌نظم شود، جزئی‌ترین اطلاعات را از مصاحبه‌ها استخراج کند (Qu & Dumay, 2011: 246). با این حال نباید از نظر دور داشت با اینکه تمام تلاش برای جلب اعتماد و گرفتن پاسخ‌های جامع و شامل از بازنشستگان صورت گرفت، اما از آنجاکه مصاحبه‌ها عمدتاً به صورت تلفنی و بدون آشنایی قبلی صورت گرفتند، امکان اینکه برخی پاسخ‌ها دچار سوگیری شده باشند وجود دارد (این سوگیری می‌تواند ناشی از ترس، بی‌اطمینانی، حفظ مطالب شخصی، بزرگ‌نمایی مشکلات و... باشد).

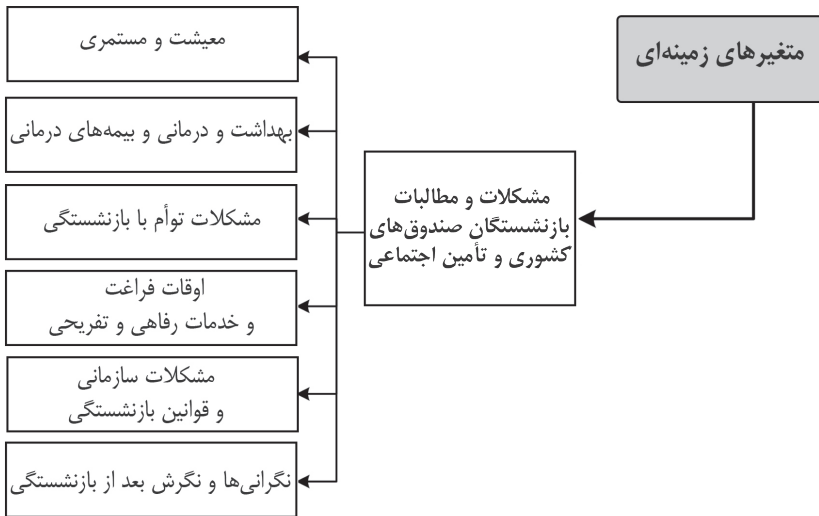
برای تعیین نمونه مورد مطالعه و مصاحبه‌شوندگان، از سه منبع بهره گرفته شد. منبع اول لیستی ۳۸۰ نفره از شماره‌های تماس مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی کشوری، منبع دوم لیستی ۲۵۰ نفره از شماره‌های تماس مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی و منبع سوم، تعدادی از روسای کانون‌های بازنشستگی کشور بود که با معرفی روابط عمومی وزارت رفاه، مدیریت موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا و افراد مطلع دیگر امکان مصاحبه با آن‌ها فراهم شد. در نهایت با انجام ۴۰ مصاحبه به کفایت نظری داده‌ها رسیده که از این میان این افراد ۱۹ نفر عضو صندوق کشوری، ۱۶ نفر عضو صندوق تأمین اجتماعی و ۵ نفر نیز روسای کانون‌های بازنشستگی آموزش و پرورش، دانشگاه علوم بهزیستی، وزارت جهاد سازندگی، شرکت نفت و راه‌آهن بودند. به جز روسای کانون‌ها، به تمامی مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد اطلاعات آن‌ها نزد پژوهشگر محرمانه باقی‌مانده و مطالب مصاحبه‌ها به صورت ناشناس و بدون ذکر منبع ارائه می‌شوند.

لازم به ذکر است هرچند تلاش شد با بازنشستگان متنوعی مصاحبه صورت بگیرد و از هر سنجی با هر وضعیت زیستی افرادی در آن حضور داشته باشند، ولی به علت عدم دسترسی به پایگاه داده جامعی که حاوی اطلاعات دموگرافیک مستمری‌بگیران باشد، این امر تنها تا حدودی محقق شده است که تلاش می‌شود در پژوهش کمی پیش رو، این خلأ جبران شود.

چارچوب مفهومی

در بررسی مشکلات و مطالبات بازنشستگان صندوق‌های کشوری و تأمین اجتماعی، شاخص‌ترین مقولاتی را که از گفتگوها و مصاحبه‌های صورت گرفته استخراج شد، می‌توان در شش مقوله کلی خلاصه کرد: وضعیت معیشت و میزان مستمری، وضعیت بهداشت و درمان و بیمه‌های درمانی، سایر مشکلات توأم با بازنشستگی که افراد عموماً بعد از بازنشسته شدن با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند، وضعیت خدمات

رفاهی، تفریحی و اوقات فراغت، مشکلات سازمانی و قوانین بازنشستگی که هر بازنشسته به صورت موردی و اختصاصی با آن‌ها مواجه است، و در نهایت احساسات و نگرانی‌های قابل توجهی که بازنشستگان در مصاحبه‌ها ابراز کرده‌اند. از سویی دیگر، متغیرهای زمینه‌ای وجود دارند که از سویی نمایانگر وضعیت زندگی فرد بازنشسته هستند و از سویی دیگر بر شکل‌گیری مطالبات و خواسته‌های این قشر تأثیر می‌گذارند. در نهایت با ترکیب این دو مجموعه، شمای کلی زیر به دست می‌آید که جزییات آن در بخش‌های بعدی آورده شده است.



در ادامه، هر مقوله و موارد مطرح‌شده در آن به صورت مفصل شرح داده خواهد شد. در انتهای هر بخش، خلاصه مهم‌ترین نکات و زیرمقوله‌ها در جدولی آورده شده است. پس‌ازاین جدول، جدول دیگری ترسیم‌شده که در آن با مبنا قرار دادن زیرمقوله‌های به دست آمده، گویه‌هایی پیشنهادشده است که می‌توان از آن‌ها در تنظیم پرسشنامه پژوهش کمی و سنجش متغیرهای وابسته بهره گرفت. در انتها نیز متغیرهای مستقل زمینه‌ای به صورت خلاصه شرح داده شده‌اند.

نتایج و یافته‌ها

۱- مقوله‌ها

۱-۱- وضعیت معیشت و میزان مستمری

به‌طور کلی یکی از مهم‌ترین مسائلی که افراد با ورود به دوران بازنشستگی با آن مواجه می‌شوند، افت درآمد و از دست دادن مزایای مالی دوران اشتغال مانند اضافه‌کاری، حق عائله‌مندی، خواروبار و... است. همچنین به‌واسطه وجود همیشگی تورم و رشد سالیانه قیمت‌ها در کشور - که در برخی سال‌ها حتی با نرخ تورم دورقمی نیز مواجه بوده‌ایم - مسئله ضرورت افزایش مستمری‌ها همگام با تغییر نرخ تورم از مواردی است که ذهن عموم بازنشستگان را به خود مشغول کرده است. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۴ تنها ۴۴ درصد هزینه‌های خانوار توسط مستمری اعضای صندوق بازنشستگی کشوری پوشش داده‌شده (جعفری، ۱۳۹۶) و در سال ۱۳۹۵ این نسبت برای کل صندوق‌های بیمه‌ای کشور ۶۰ درصد محاسبه‌شده است (گرچی‌پور، ۱۳۹۵). هرچند با توجه به افزایش میزان مستمری‌ها در چند سال اخیر، شاخص کفایت مستمری بازنشستگان بهبود یافته، اما هنوز تا نسبت قابل قبول برای تأمین هزینه‌های زندگی فاصله قابل توجهی دارد. بر همین اساس، بنیادی‌ترین نارضایتی شرکت‌کنندگان در پژوهش که به‌طور مشخص بقیه مسائل را تحت شعاع قرار می‌دهد، مسئله پایین بودن میزان حقوق و مستمری و رشد نامتوازن آن نسبت به رشد تورم است که در مواردی موجب ریاضت در هزینه‌های جاری مانند خوردوخوراک، سلامت، تفریح، سفر و... می‌شود. این مسئله در ماه‌های اخیر که با بازگشت تحریم‌ها، نوسانات شدید نرخ ارز و قیمت طلا همراه بوده، موجب نگرانی روزافزون بازنشستگان شده است.

«حقوق خیلی کمه، با این پول نمی‌شه زندگی کرد. افزایش مستمری

خیلی کمتر از تورم بوده. الان می‌دونید تورم چقدره؟ مثلاً می‌خواهی یه

چیزی بخری، اگه امروز پنج تومنه، فردا می‌شه ده تومن. قیمت چیزی

ثابت نمی‌مونه. هرروز بالا می‌ره. از وقتی انقلاب شده همیشه تورم بالا می‌ره. مثلاً فرض کن تورم ۲۰ درصده حقوق ما ۵ درصد زیاد می‌شه؛ ۴۰ درصد تورم باشه حقوق ۱۵ درصد بالا می‌ره. ما همیشه از تورم پایین‌تریم» (مرد، ۶۵ ساله، آذربایجان شرقی، کشوری).

«حقوق ما سالی صد تومن زیاد می‌شه؛ چرا؟ مگه خود روحانی نگفت اونایی که زیر ۲ میلیون حقوق می‌گیرند زیر خط فقرن؟ خوب من الان هنوز حقوقم ۲ میلیون نشده، حقوق من یک و چهارصده. سال ۹۳ بعد از سی سال بازنشست شدم، هیچ مزایایی هم بهم تعلق نگرفت» (زن، ۶۵ ساله، خوزستان، تأمین اجتماعی).

«شما الان بخوای یک کیلو گوشت بخری، قیمتش ۶۵ هزار تومن هست؛ تازه توی کردستان. الان خود دولت گفته حقوق زیر ۴ میلیون و ۵۰۰ زیر خط فقره. ما ۱۷-۱۸ سال پیش با ۸۰ تومن بازنشسته شدیم. الان حقوق ۱ میلیون ۸۰۰ هزار تومن به کجا می‌رسه؟ [...] باید قناعت کنیم خانوم. میوه مطلقاً نمی‌خوریم. ما هلوی ۸ هزار تومنی می‌تونیم بخوریم؟ ما هندونه کیلو ۲ هزار تومن می‌تونیم بخوریم؟ پارسال من با حقوقم ۲ تا سکه می‌تونستم بگیرم درسته؟ الان با حقوقم نیم سکه هم نمی‌تونم بخرم. حالا با دلار ۸ هزار تومنی می‌شه زندگی کرد؟ فروشنده‌ها با دلار جنس می‌فروشند و ما با ریال پول می‌دیم» (مرد، ۷۰ ساله، کردستان، کشوری).

«معیشت بازنشستگان امروز یکی از اولین مشکلات است؛ حقوق‌های پایین و هزینه‌های سنگین. مخصوصاً افرادی که از سال‌های گذشته بازنشسته شدند. مثلاً ما بازنشسته‌هایی داریم که حتی دهه هفتاد هستند و یه تعداد کمی هم دهه شصت. [...] مثلاً سال ۸۴ با مستمری ۵۰۰

تومن می‌تونستی ۲ تا سکه بخری. متأسفانه انقدر تورم بالا رفته که با مستمری الان دیگه به نیم سکه هم نمی‌شه گرفت. بنابراین اولین مشکل بازنشستگان امروز، معیشت و به همین دلیل اینها هر روز اعتراض می‌کنند، تجمع می‌کنند، دم مجلس می‌رن، دم سازمان برنامه می‌رن. الان پایه حقوق‌ها از یک میلیون و دویست هزار تومن تا مثلاً ۷ برابر این می‌تونه باشه، به‌طورمتوسط مبلغی که در آوردن؛ می‌گن در صندوق کشوری حقوق بازنشسته‌ها دو و صد هست که خوب این رقم باتوجه به هزینه‌های امروز و دلار ۱۰ هزار تومن و سکه ۴ میلیون تومن واقعاً عدد بسیار ناچیزی هست» (رئیس کانون بازنشستگان دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران).

مورد دیگری که در صحبت‌های بازنشستگان و فعالین کانون‌های بازنشستگی مکرراً عنوان شده است، مسئله تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان سال‌های مختلف، تفاوت مستمری بازنشستگان ترجمان‌های مختلف، پایین‌تر بودن نرخ افزایش مستمری‌ها نسبت به نرخ افزایش حقوق شاغلین و مسئله همسان‌سازی می‌باشد. بازنشستگان با گلایه از تفاوت قابل توجه در میزان مستمری افرادی که تنها با تفاوت یک یا چند سال از یکدیگر بازنشسته شده‌اند، تفاوت حقوق شاغلین و بازنشستگان و پایه مستمری بالاتر سازمان‌هایی مانند شرکت نفت، خواستار رفع چنین تبعیض‌هایی شده‌اند.

«الان طرف توی تأمین اجتماعی تا ۶ تومن هم حقوق می‌گیره. اینهایی که قبل سال ۹۰ بازنشسته شدند حقوقشان پایین‌تره اما بعد از ۹۰ مستمری‌ها باز حدود ۶۰۰ - ۵۰۰ تومن بالاتر رفته. حالا من که سال ۸۸ بازنشسته شدم چه فرقی دارم که باید ۲ تومن حقوق بگیرم؟ اصلاً این حقوقی که می‌گیرم به نسبت زحماتی که کشیدم و خدمتی که توی این

۳۰ سال تو آموزش و پرورش کردم انصافه؟» (مرد، ۵۶ ساله، مازندران، کشوری).

«الان حقوق من بعد از ۱۲ سال بازنشستگی ۲ میلیون شده و حقوق همکار من که امروز بازنشسته می‌شه و از سازمان میاد بیرون ۴ میلیونه. [...] کمترین کاری که می‌تونند کنند اینه که حقوق‌ها رو مساوی کنند و فاصله‌ها رو بردارند. تورم روی حقوق اون‌ها اعمال شده اما روی حقوق من نه» (مرد، ۶۰ ساله، اصفهان، کشوری).

«یکی از دغدغه‌های اصلی همه بازنشسته‌های ما، دغدغه حقوق و معیشت هست. چون اکثراً با یه شرایطی بازنشسته شدن که حقوق‌ها در حداقل قرار گرفته، خصوصاً بچه‌های جهاد سازندگی. بعد در کنارش یک سری مقررات هم وضع شده که فاصله حقوقی رو بین شاغلین و بازنشسته‌ها افزایش داده. مثلاً یک قانون ۳۵ درصد فوق‌العاده شغل داریم که برای شاغلین اعمال می‌شه ولی برای بازنشسته‌ها اعمال نمی‌شه. در نتیجه وقتی یک شاغل حقوقش ۳۵ درصد افزایش پیدا کنه یا حقوق پایه‌اش ۳۵ درصد بیشتر می‌شه، مدام داره تفاوتش با حقوق بازنشسته بیشتر می‌شه. الان فاصله و شکاف بعضاً تا ۳ برابر رسیده و یک بازنشسته داره یک‌سوم شاغل هم‌تراز و هم‌رده خودش حقوق می‌گیره» (رئیس کانون بازنشستگان جهاد سازندگی، تهران).

«طبق قانون مدیریت خدمات کشوری باید براساس تورم حقوق شاغل و بازنشسته افزایش پیدا کنه. ولی خیلی سال‌ها این کارو انجام ندادن و در نتیجه تفاوت به وجود آمده. الان بازنشسته‌ها طلب دارن و اولین منشأ اعتراض افراد همین مسئله تبعیض است. [...] حالا یک مقدار بیشتر به بازنشسته‌ها می‌پردازند که به حقوق شاغل‌ها نزدیک شود. بازنشسته‌ها دو درخواست

دارند؛ یکی اینکه فاصله حقوق بازنشسته با شاغل خود آموزش و پرورش برداشته شه و دوم می‌گن فاصله حقوق ما با سایر سازمان‌ها هم برداشته بشه» (رئیس کانون بازنشستگان آموزش و پرورش کشور، تهران).

از دیگر گلایه‌های بازنشستگان در حوزه وضعیت اقتصادی بعد از بازنشستگی، می‌توان به از دست رفتن مزایایی اشاره کرد که در زمان مشغولیت به کار، از آن‌ها برخوردار بودند. مزایایی مانند اضافه کار، حق مأموریت، حق اولاد و... از یکسو و اختصاص سبد کالا و خواروبار و... از سوی دیگر، به شکل‌گیری شکاف میان منابع و درآمدهای فرد در زمان اشتغال و سپس بازنشستگی دامن زده است. به عقیده روسای کانون‌های بازنشستگی شرکت‌کننده در این پژوهش، یکی از مطالبات اصلی، در کنار هم دیده شدن شاغلین و بازنشسته‌ها در وضع قوانین و اختصاص مزایا است به صورتی که شرایط این دو گروه به صورت عمیق و فراگیر به یکدیگر نزدیک شود.

جدول ۱- زیرمقوله‌های معیشت و میزان مستمری

پایین تر بودن نرخ افزایش مستمری نسبت به نرخ تورم	میزان مستمری	معیشت و میزان مستمری
پایین تر بودن نرخ افزایش مستمری نسبت به نرخ افزایش حقوق شاغلین		
واقعی نبودن نرخ تورم اعلام شده		
تفاوت در مستمری افراد هم‌پایه که در سال‌های مختلف بازنشسته شده‌اند	همسان‌سازی	
تفاوت حقوق پایه ارگان‌های مختلف برای افراد هم‌پایه		
تفاوت دریافتی نهایی در زمان اشتغال و بازنشستگی		
از دست رفتن مزایای اشتغال مانند اضافه کاری، مأموریت و...	مزایا	
از دست رفتن مزایای رفاهی مانند بن خواروبار و کالا و...		
درخواست باهم دیده شدن بازنشسته‌ها و شاغلین		
نوسانات اقتصادی و قیمت ارز و طلا و تأثیر آن بر قدرت خرید و کاهش ارزش درایی		
ریاضت در خوردخوراک، درمان، تفریح و سفر به واسطه عدم تکاپوی مستمری		

جدول ۲- گویه‌های سنجش مقوله معیشت و میزان مستمري

چه کمبودهایی در نحوه تعیین نرخ مستمري وجود دارد؟	میزان مستمري	معیشت و میزان مستمري
از چه راه‌هایی کمبودها را جبران می‌کنید؟		
مبلغ مستمري چقدر است؟		
آیا تفاوت در مستمري افراد هم‌پایه که در سال‌های مختلف بازنشسته شده‌اند وجود دارد؟	همسان‌سازی	
آیا تفاوت در حقوق پایه ارگان‌های مختلف برای افراد هم‌پایه وجود دارد؟		
آیا تفاوت دریافتی نهایی در زمان اشتغال و بازنشستگی وجود دارد؟		
با بازنشستگی چه مزایایی مالی را از دست داده‌اید؟	مزایا	
با بازنشستگی چه مزایایی رفاهی را از دست داده‌اید؟		
نوسانات اقتصادی و قیمت ارز و طلا چه تأثیری بر وضعیت شما داشته است؟		
آیا مستمري شما تکاپوی هزینه‌ها را می‌دهد؟ اگر خیر از کدام هزینه‌ها صرف‌نظر می‌کنید؟		

۱-۲- وضعیت سلامت، درمان و بیمه‌های درمانی

در میان مشکلات مختلفی که به‌واسطه سالمندی به وجود می‌آید، سلامت همواره یکی از مهم‌ترین و بحرانی‌ترین موضوعات بوده است. با بالا رفتن سن، امکان مواجهه افراد با مشکلات سلامتی و ابتلا به انواع بیماری‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود (Crim- mins & Saito, 2000)، در نتیجه یکی از نگرانی‌های اصلی بخش عمده‌ای از بازنشستگان مربوط به دسترسی به خدمات درمانی مناسب و همچنین هزینه‌های مرتبط با بهداشت و درمان است. تحلیل داده‌های پیمایش هزینه - درآمد خانوارها در سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد؛ سهم هزینه‌های بهداشت و درمان خانوارهای دارای سالمند تقریباً دو برابر این سهم برای خانوارهای بدون سالمند است، و با وجود بودجه هزینه‌ای کمتر نسبت به خانواده‌های بدون سالمند، هزینه سلامت بیشتری می‌پردازند. همچنین باتوجه به بودجه اندک خانوارهای کم‌درآمد، این خانواده‌ها عملاً از هزینه‌های درمانی خود می‌گذرند تا پاسخ‌گوی نیازهای دیگر خود باشند (غلامی، ۱۳۹۶).

از دیگر معضلات اساسی مصاحبه‌شوندگان این پژوهش نیز، مسئله سلامت، بهداشت و بیمه‌های درمانی است. از نظر مصاحبه‌شوندگان یکی از مشکلات مهم در این حوزه، در دسترس نبودن امکانات پزشکی و درمانی تحت پوشش بیمه است. در بسیاری از موارد بازنشستگان مجبور به طی مسافت‌های طولانی برای رسیدن به بیمارستان یا درمانگاه‌های تحت پوشش بیمه، و انتظار بلندمدت در صف‌های نوبت‌دهی هستند یا حتی مجبور به سفر (یا مهاجرت) به شهر برای دسترسی به خدمات بهداشت و درمان می‌شوند. در برخی موارد بازنشستگان به علت ناتوانی از جابجایی، کمبود وقت، بحرانی بودن وضعیت، یا عدم اعتماد به پزشکان درمانگاه‌های عمومی، با وجود هزینه بیشتر خدمات خصوصی، سراغ چنین خدماتی می‌روند:

«برای آزمایشگاه‌های [تحت پوشش بیمه] باید توی نوبت باشیم. حدود ۱۵ تا ۲۰ روز طول می‌کشد تا نوبت به ما برسد. با این حال، من همیشه آزمایش‌هامو آزمایشگاه خصوصی می‌دم. چون خیلی شلوغه! عکس‌برداری، MRI، اسکن؛ برای تمام این‌ها باید مدت طولانی منتظر باشیم» (زن، ۶۵ ساله، شاهرود، خدمات درمانی).

«من برای پا دردم دارم مصرف می‌کنم، چون رماتیسم مفصلی دارم. دارویی که قیمتش بالای ۲۵۰ هزار تومان هست، ولی خوب بیمه بابتش پولی نمی‌ده. باز فیزیوتراپی می‌ری بهت یه پولی می‌دن، ولی بابت دارویی که من پنج‌ماه یک‌بار استفاده می‌کنم، پولی داده نمی‌شه. چون هزینه‌های داروها بالاست. من یک‌ساله دکتر نرفتم تمدید کنم، به هوای اینکه می‌دونم اون داروی ۲۵۰ تومنی الان شده ۳۵۰ یا ۴۰۰ تومان. این داروها رو بیمه خدمات درمانی به عهده نمی‌گیره» (زن، ۵۸ ساله، تهران، خدمات درمانی).

دختر یکی از بازنشستگان از کارافتاده که از پدرش نگهداری می‌کند، وضعیت

دسترسی به خدمات درمانی و نوبت‌گیری را چنین توصیف می‌کند:

«ما راحت در ماه ۷۰۰ تا ۸۰۰ تومن هزینه درمان می‌دیم. [...] چهار و پنج صبح باید بریم، آژانس هم باید بگیریم. نسبت به محل سکونت ما مسافت دوری هست. نوبت هم که معلوم نیست کی بشه. ممکنه بگن ۱۰ صبح بیا! به فرض وقتی چهار صبح رفتی، تا ۱۰ صبح که نمی‌تونی اونجا بشینی. گاهی اوقات من همونجا می‌مونم، اگه نمازخونه باز باشه، می‌ریم اون جا می‌خوابیم تا نوبتمون برسه. ولی بعضی اوقات نه، نوبتمون که شد زنگ می‌زنم خواهرم بابا رو با آژانس بیاره» (مرد، ۸۶ ساله، شهرری، تأمین اجتماعی).

او هم‌چنین یکی از مطالبات خانواده‌های دارای بازنشسته بیمار یا از کارافتاده را، فراهم آوردن خدمات مددکاری و نیروی پرستار کمکی ارزان‌قیمت یا رایگان برای رسیدگی به این افراد عنوان کرد.

مسئله مهم دیگر که اکثر قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند، هزینه‌های مربوط به دندان‌پزشکی است. از سویی با افزایش سن مشکلات دهان و دندان و احتیاج به کاشت دندان یا استفاده از دندان مصنوعی افزایش می‌یابد، و از سوی دیگر ناتوانی در پرداخت این هزینه‌ها و در نتیجه عدم دریافت خدمات دندان‌پزشکی، نه‌تنها زندگی روزمره فرد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، بلکه به‌واسطه کارکرد دندان در سیمای ظاهری، فرد بازنشسته را از نظر روحی دچار بحران کرده و تعاملات اجتماعی او را محدود می‌سازد. هم‌چنین از نظر مصاحبه‌شوندگان، پوشش ناچیز بیمه در قبال وسایل کمکی مانند عینک، عصا، سمک و ویلچر، و عدم پوشش داروهای خارجی یا داروهای دارای مواد اولیه خارجی، سبب شده بازنشستگان در تأمین این اقلام به مشکل برخوردند و حتی در مواردی به علت ناتوانی مالی، از خیر پرداخت چنین هزینه‌هایی بگذرند.

«الان ما می‌خواهیم یه عینک بگیریم. من خودم عینکی‌ام، پسر هم همین‌طور. یه عینک می‌خوای بگیری هیچ‌کدوم رو نمی‌دن. میگن شما هر عینکی بخواید بگیرید ما ۵۰ تومن بهتون می‌دیم، این حرفی که می‌زنه! وضع دندونامون همه داغونه، می‌گن دندون اصلاً بهیچ‌عنوان!» (مرد، ۵۴ ساله، کرمان، تأمین اجتماعی).

«[صرفه‌جویی در هزینه‌ها] توی سفر رفتن و دندون پزشکی هست. بیمه تکمیلی هستیم ولی هیچ کمکی نمی‌کنه. نه نسخه رو می‌ده، نه دارو رو می‌ده. دندون پزشکی که اصلاً» (مرد، ۵۵ ساله، کرمان، تأمین اجتماعی).

«بعضی داروها در دسترس نیست، چون دلار رفته بالا و دیگه تمام داروها مثل سابق وارد نمی‌شه. سن بالا رفته و مشکلات هم خیلی بیشتر شده. مثلاً می‌خوای بری دندون پزشکی، هزینه‌اش واقعاً بالاست، خیلی بالاست. [...] من خودم از بیمه همسرم که مال ارتش هست استفاده می‌کنم، ولی دوستای خودم که فرهنگی هستند مشکلات بیشتری دارند. فرهنگی‌ها بیمارستان خاصی ندارند و اکثراً داروها رو به‌صورت آزاد باید تهیه کنند، چون بیشتر داروها از خارج وارد می‌شه و می‌گن شامل بیمه نمی‌شه» (زن، ۶۰ ساله، تهران، کشوری).

«هیچ امکاناتی نداریم. در مقایسه با امکاناتی که تمام کشورهای دنیا دارن، ما یک صدمش رو هم نداریم. مسافرت که نمی‌تونیم بریم. از نظر امکانات بهداشتی، درمانی، دندون پزشکی، عینک، عصا و ... دولت بابت هیچ‌کدوم کمکی به ما نمی‌کنه» (زن، ۶۰ ساله، اصفهان، کشوری).

تمامی مصاحبه‌شوندگان تحت پوشش بیمه تکمیلی صندوق متبوع خود قرار داشتند. به‌جز افرادی که درحال حاضر از سلامت نسبی برخوردارند (۵ نفر از شرکت‌کنندگان)، بقیه بازنشستگان به‌انحاء مختلف از میزان پوشش بیمه درمانی

خود راضی نبوده و یکی از معضلات اساسی خود را همین مسئله می‌دانستند. در مقابل این پرسش که «در صورت پوشش کامل خدمات درمانی توسط بیمه تکمیلی، آیا حاضرید حق بیمه بیشتری بپردازید، و در صورت موافقت تا چه میزان حاضرید بیشتر هزینه کنید؟»، به جز ۵ نفر که عنوان کردند به هیچ عنوان نمی‌توانند مبلغ بیشتری صرف بیمه درمانی کنند چرا که درگیر این صورت از تأمین هزینه‌های جاری زندگی می‌مانند، بقیه مصاحبه‌شوندگان با استقبال از چنین امکانی مبالغی میان ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ هزار ریال را به عنوان اضافه حق بیمه‌ای که حاضرند برای دریافت خدمات کامل درمانی بپردازند پیشنهاد دادند. روسای کانون‌های بازنشستگی نیز با توجه به سطح درآمدی بازنشستگان دستگاه مطبوع خود و توان مالی آن‌ها، متوسط هزینه اضافی را که می‌توان به این منظور به حق بیمه بازنشستگان اعمال کرد، رقمی مابین ۳۰ تا ۱۵۰ هزار ریال اعلام کردند.

«اگر همه چیز را پوشش بده و دندان پزشکی رو هم بیاره، حاضریم ۱۰ تا ۲۰ تومن هم بیشتر بدیم. [...] چون هزینه دندان نزدیک ۵۰۰-۶۰۰ تومن هست که با روکش به حدود ۸۰۰ تومن هم می‌رسه. الان مشکل دندان پزشکی داریم و اینکه بیمه پول نسخه و ویزیت رو نمی‌ده» (مرد، ۵۵ ساله، اصفهان، تأمین اجتماعی).

«اگر خدمات درمانی یک برنامه‌ای پیاده کنه که حداقل با دفترچه ویزیت دکتر رو پرداخت کنه یا بابت دادن آزمایش پول بیشتری به ما بدن [در صورت پوشش کامل]، مثلاً اگر ماهی ۱۰۰ هزار تومن هم از حقوقمون بابت بیمه کسر کنن، فکر کنم برای ما خوب باشه» (زن، ۶۵ ساله، شاهرود، کشوری).

«مشکلی که همه جا راجع بهش حرف می‌زنند این هست؛ می‌گن بیمه بدون سقف می‌خواییم. حالا راهش؛ اگر لازم است از دولت، مجلس

و یا از صندوق بازنشستگی بگذرد. بازنشسته‌ها راضی نیستند و می‌گن این سقف با حق بیمه‌ای که الان پرداخت می‌کنن، هم‌خوانی نداره. مثلاً فرض کنید اگر ما نفری ۴۵ هزار تومن می‌دیم، من و خانمم باهم ۹۰ هزار تومن، بازنشسته‌ها می‌گن ما حاضریم مبلغ ۹۰ هزار تومن را به مقدار بیشتر بدیم، ولی شما باید سقف رو بردارید. [...] حتی در بعضی شهرها آمدند طرح مکمل دادند و خودشون مثلاً ماهی ۱۵ هزار تومن اضافه کردند که در نتیجه بتوانند از امکانات بهتری استفاده کنند» (رئیس کانون بازنشستگان آموزش و پرورش کشور، تهران).

قریب به اتفاق روسای کانون‌های بازنشستگی، یکی از راه‌حل‌های این مسئله برای افزایش سقف پوشش بیمه تکمیلی را در ادغام بیمه تکمیلی بازنشستگان (که ریسک بالاتری دارد) با بیمه شاغلان یا دانش‌آموزان (که ریسک پایین‌تری دارد) می‌دانند.

«مدت‌هاست کانون‌های بازنشستگی فعالیت‌های را شروع کردند ولی هنوز به نتیجه نرسیده است. در رابطه با بیمه تکمیلی کمک صندوق از نظر مدیریتی خیلی می‌تونه مؤثر باشه. مطلب عمده اینه که اگر وقتی با شرکت طرف قرارداد برای بیمه بازنشسته‌ها قراردادی بسته می‌شه، هم‌زمان قرارداد مربوط به شاغلین هر موسسه هم بسته بشه، با توجه به اینکه ریسک آسیب‌پذیری بازنشسته‌ها بالاست و ریسک آسیب‌پذیری شاغلین پایینه، لذا معدل این ریسک در حدی است که شرکت می‌تونه از یک سری مزایای ناشی از ریسک پایین شاغلین استفاده کنه و به بازنشسته‌ها خدمات بیشتری ارائه بده. این کار از نظر منطقی خیلی تأثیرگذاره، ولی متأسفانه هنوز درباره اجرایی شدن این روش نتونستیم با موسسه‌ای به توافق برسیم؛ که فقط هم احتیاج به مدیریت صحیح داره» (رئیس کانون بازنشستگان راه‌آهن، تهران).

جدول ۳- زیرمقوله‌های سلامت، درمان و بیمه‌های درمانی

محدودیت و مسافت زیاد مراکز تحت پوشش بیمه	دسترسی	سلامت، درمان و بیمه‌های درمانی
محدودیت مراکز ارائه‌دهنده خدمات درمانی		
زمان طولانی نوبت‌دهی و تعداد بالای مراجعین		
نیاز به پرستار یا نیروی کمکی برای بازنشستگان از کارافتاده		
عدم اختصاص بیمارستان اختصاصی به فرهنگیان		
ریاضت در هزینه‌های درمان به علت عدم تکاپوی مستمری	هزینه	
اختصاص بخش عمده مستمری به هزینه‌های درمانی		
عدم پوشش دارو و نسخه	بیمه	
عدم پوشش بیمه‌ای هزینه‌های دندان پزشکی		
پوشش ناچیز وسایل کمک پزشکی مانند عینک، ویلچر و...		
نایاب شدن داروهای باکیفیت به واسطه تحریم	دارو	
عدم پوشش بیمه‌ای داروهای خارجی		
عدم پوشش بخشی از داروهای ایرانی با مواد خارجی		
میزان آمادگی بازنشستگان برای پرداخت حق بیمه بیشتر به منظور برداشته شدن سقف پرداخت بیمه تکمیلی		

جدول ۴- گویه‌های سنجش مقوله سلامت، درمان و بیمه‌های درمانی

مسافت شما تا مراکز تحت پوشش چقدر است؟	دسترسی	سلامت، درمان و بیمه‌های درمانی
تعدد مراکز نزدیک شما چقدر است؟		
چه مقدار باید در نوبت صبر کنید؟		
آیا به پرستار یا نیروی کمکی نیاز دارید؟		
آیا مرکز درمانی اختصاصی برای سازمان شما وجود دارد؟		
آیا مجبور به صرفه‌جویی در هزینه‌های درمانی هستید؟	هزینه	
چه بخشی از مستمری به هزینه‌های درمانی اختصاص می‌یابد؟		
آیا دارو و نسخه‌های شما تحت پوشش بیمه است؟	بیمه	
آیا برای هزینه‌های دندان‌پزشکی نیاز به بیمه دارید؟		
بیمه تا چه حد وسایل کمکی مانند عینک، ویلچر و... را پوشش می‌دهد؟		
آیا داروهایتان به راحتی در دسترس است؟	دارو	
آیا داروهایی استفاده می‌کنید که تحت پوشش نباشند؟		
چقدر آمادگی دارید به منظور برداشته شدن سقف پرداخت بیمه تکمیلی حق بیمه بیشتری بپردازید؟		

۱-۳- سایر مشکلات توأم با بازنشستگی

در یک سیستم تأمین اجتماعی کارآمد، دوران بازنشستگی مترادف با خروج از بازار اشتغال، یافتن زمانی برای اختصاص به فعالیت‌های دلخواه، استراحت و فراغت و لذت بردن از ثمره سال‌ها کار و فعالیت اقتصادی خواهد بود. اما عدم دریافت مستمری مکفی، نگرانی از آینده خود و فرزندان، یا نداشتن مسکن مناسب و شخصی، سبب می‌شود افراد بعد از بازنشستگی به بازار کار بازگردند. از آنجاکه این بازگشت به اشتغال از سر نیاز مالی صورت گرفته، «به احتمال زیاد شغل دوم، مورد علاقه آن‌ها نبوده و احتمالاً به‌طور عمده جزء مشاغل جنبی و حاشیه‌ای تلقی می‌شوند» (موسایی، ۱۳۸۳). به‌واسطه همین نیاز برخی بازنشستگان علی‌رغم ناتوانی جسمی، به‌ناچار به فعالیت‌های حاشیه‌ای می‌پردازند که منجر به فشار روحی و جسمی

به افراد می‌شود. از سویی دیگر بسیاری از افراد و بخصوص بازنشستگان صندوق کشوری که در سمت‌های دولتی و اداری مشغول به کار بوده‌اند، اشتغال به چنین کارهایی را در شأن و منزلت خود نمی‌دانند و در دوراهی نیاز به تأمین مالی خانواده و نیاز به حفظ منزلت اجتماعی قرار می‌گیرند.

باید توجه داشت در موارد متعدد رسیدن به سن بازنشستگی با مسائلی همراه است که هزینه‌های مضاعفی را بر فرد بازنشسته تحمیل می‌کند. در سال‌های آغازین بازنشستگی، افراد عموماً فرزندان جوانی دارند که هزینه تحصیل و ازدواج آن‌ها برعهده خانواده است. باتوجه به وضعیت بحرانی اقتصاد و نرخ بیکاری ۱۲.۱ درصدی جمعیت فعال و ۲۵.۵ درصدی جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷) بخش عمده‌ای از این جوانان بیکار هستند و هزینه‌های آن‌ها بر دوش والدین بازنشسته است که به دلیل همین وابستگی مالی، امکان خروج از خانه و تشکیل زندگی مستقل را ندارند. در سال‌های بعد نیز با ازدواج و فرزندآوری این جوانان، خانواده بازنشسته گسترده‌تر شده و نیازهای مالی و انتظارات آنان، فشار مضاعفی بر فرد وارد می‌کند.

«ببینید نگاه بازنشستگی تو کشور ما اینطور نیست که کسی که بازنشسته شد دیگه نیاز به کار نداشته باشه؛ این باید اصلاح بشه. [...] در اینجا به خاطر پایین بودن سطح حقوق، بازنشسته‌ها مجبور می‌شن برای تأمین چرخه هزینه‌های زندگی‌شون، به کارهای دوم رو بیارن و بعضاً کارهای سوم، که تازه دور از شأنشون هم هست. بعضی‌ها هم که اصلاً نمی‌تونن ورود کنن، چون مثلاً طرف مدیرکل بوده و دیگه با این وضعیت اجتماعی که داره خیلی نمی‌تونه بره مشاغل آن‌چنانی رو انجام بده، بنابراین معضل دارند. اون‌هایی هم که می‌رن مشاغل دوم و سوم می‌گیرن، بالاچار توی این شرایط قرار می‌گیرن که اون هم برای یک بازنشسته پسندیده

نیست. ما فکر می‌کنیم در مجموعه ما (جهاد سازندگی) حداقل بیش از ۵۰-۶۰ درصد مجبورن برن کار کنن، بقیه هم شغل گیرشون نمیداد» (رئیس کانون بازنشستگان جهاد سازندگی، تهران).

«سه تا بچه دارم؛ دانشجو، ازدواج نکرده، بیکار. تحصیلات فوق‌العاده بالا و همه بیکار. یک ریال هم پول ندارم بتونم دختر شوهر بدم، یا بخوام برای پسرم زن بگیرم. [...] دانشگاه آزاد پدرمونو در آورده، سال به سال و شش ماه به شش ماه هزینه‌ها چند برابر می‌شه» (زن، ۶۰ ساله، اصفهان، کشوری).

«حقوق کمه دیگه نمی‌رسه. الان خانواده‌ها بزرگ شدن، بچه‌ها و نوه‌ها میان و سر می‌زنن. ما هم که لُریم مهمان زیاد داریم. یا مراسم و عروسی هست، باید کادو گرفت، همه این‌ها خرج داره. الان روزها بیشتر کارهای آزاد می‌کنم. بنایی، کارگری، کار روی ماشین و ... هر کاری که بشه یه پولی درآورد» (مرد، ۵۸ ساله، لرستان، کشوری).

در صورت پاسخ‌گو نبودن درآمد اضافی فرد، یا عدم اشتغال دوباره (به علت ناتوانی جسمی، یا پیدا نکردن کار مناسب)، بازنشسته ناچار است استراتژی‌ها یا راهکارهای دیگری برای تأمین نیازهای اقتصادی خود برگزیند. از جمله این راهکارها می‌توان به فروش مایملک مانند اتومبیل، استقراض و یا دریافت انواع وام اشاره کرد. وام‌هایی که صرف مخارجی مانند خرید، ساخت یا تعمیر مسکن، خرید جهیزیه، بازپرداخت بدهی و یا بازپرداخت وام‌های پیشین می‌شوند و با وجود آن که کسری مستمری را جبران می‌کنند، اما اقساط بازپرداخت آن‌ها بازنشستگان را با مشکلات دیگری روبه‌رو می‌سازد و بخش قابل توجهی از مستمری‌شان را به خود اختصاص می‌دهد و حتی گاهی باعث مسدود شدن مستمری‌شان می‌شود.

«خونمون رو گرو گذاشتیم. از بانک پول گرفتیم نتونستیم پس بدیم؛ امروز فردا یا پس فردا یکی از این مؤسسات مالی میاد ما رو از خونه بیرون

می‌کنه. این از خونه! از این‌ور هم فشار آوردن که یک‌چهارم حقوقت رو بده. سال ۸۶ سند خونه رو یکی از مؤسسات مالی گرو گرفته ۲۰ تومن به ما داده، کل سند رو بردن. موسسه میزان الان منحل شده و کار دست بانک صادراته که از اونجا هرروز می‌ان و می‌رن. الان اون وام شده ۱۰۰ تومن که خونه هم بیشتر از ۱۰۰ تومن نمی‌ارزه. سند رو اصلاً به نام زدن، می‌گن باید بلندشید خونه مال ماست» (مرد، ۷۲ ساله، خراسان، کشوری).

«مجبور شدم برم بانک رفاه روی حکمم با ۲۳ درصد وام بگیرم. خونه خیلی قدیمی بود می‌خواستم بازسازی کنم، از یه طرف هم دخترم می‌خواست ازدواج کنه و جهیزیه می‌خواست. برای اون یکی دخترم هم باید سیسمونی می‌گرفتم. خداییش خرج خیلی بالااست» (زن، ۵۷ ساله، اصفهان، تأمین اجتماعی).

«دو تا وام دارم، خیلی وحشتناک! هر دفعه هم جلوی حقوقم بسته می‌شه. به بدبختی این وام‌ها رو دارم می‌دم، وام‌ها رو برای چهار دخترها گرفته بودم. بزرگ‌ترین مشکلم همین هست. دربه‌در دارم دنبال کار می‌گردم، که البته پیدا هم نمی‌کنم. [...] دخترم عقد کرده بود که شوهرم فوت کرد. دیگه بعدِ سال شوهرم برای جهیزیه دخترم مجبور شدم وام بگیرم. الان عمده هزینه‌ام قسط وام‌هاست. برای اینکه بتونم اون یکی رو تسویه کنم، از روی سند مادرم یه وام مجدد گرفتم. الان یه قسط یک‌میلیون و ۲۰۰ و یه قسط دیگه یک‌میلیون و ۱۵۰ دارم می‌دم. تا دوسال پیش یکجا کار می‌کردم که بعداً نتونستم ادامه بدم. دوباره یه سری کار تو خونه مثل کارای دستی و آشپزی انجام دادم. همین چند وقت پیش بانک ملت به خاطر وام جلوی حقوقمو بست» (زن، ۵۸ ساله، تهران، کشوری).

جدول ۵- زیرمقوله‌های سایر مشکلات توأم با بازنشستگی

اجبار به بازگشت به بازار کار به‌واسطه عدم تکاپوی مستمری	بازاشتغالی	سایر مشکلات توأم با بازنشستگی
اشتغال به مشاغلی که در شأن فرد نیست مانند رانندگی و دست‌فروشی		
ناتوانی جسمی به‌واسطه بیماری و کهولت و ناتوانی از کار کردن و تأمین مالی		
جهیزیه	دریافت انواع وام	
خرید، ساخت، تعمیر مسکن		
بازپرداخت بدهی‌ها و وام‌های پیشین		
بیکاری	مشکلات فرزندان	
ازدواج		
هزینه دانشگاه		
گسترده شدن خانواده و ناتوانی در برآورده کردن نیازها و انتظارات آنان		

جدول ۶- گویه‌های سنجش سایر مشکلات توأم با بازنشستگی

آیا بعد از بازنشستگی مشغول به کار شده‌اید؟	بازاشتغالی	سایر مشکلات توأم با بازنشستگی
بعد از بازنشستگی برای چه مدت در چه شغلی فعالیت داشته‌اید؟ از کار خود راضی بودید؟		
آیا نیاز به تأمین مالی از طریق کار کردن دارید؟		
برای چه مصارفی وام دریافت می‌کنید؟ (جهیزیه، بدهی، ...)	دریافت انواع وام	
آیا هزینه زندگی فرزندان با شماست؟	مشکلات فرزندان	
در مورد فرزندان با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟		
نیازهای خانواده و انتظارات آن‌ها از شما چیست؟		

۱-۴- مسائل رفاهی، تفریحی و اوقات فراغت

در شرح خدمات دو صندوق بازنشستگی کشوری و تأمین اجتماعی، می‌توان به ارائه خدمات رفاهی برای بازنشستگان تحت پوشش هر یک از این دو صندوق اشاره کرد. از جمله این خدمات، برقراری تورهای گردشگری تفریحی و زیارتی، اختصاص امکانات ورزشی و آموزشی، اختصاص وام‌های ضروری، صدور کارت‌های بازنشستگی و... هستند که در بهبود وضعیت زندگی افراد و کاستن از بار مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روانی منبعت از؛ خروج از بازار کار و افزایش سن سهم بسزایی دارند. همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، یکی از راهکارهای مستمری‌بگیران برای تأمین مالی در خلأ مستمری مکفی، دریافت انواع وام‌های کمکی است و حتی در مواردی گذران زندگی فرد بازنشسته بدون این تسهیلات مالی ناممکن می‌شود. همین امر تسهیل فرآیند دریافت و پرداخت وام‌های کم‌بهره و اختصاصی بازنشستگان را از اهمیتی مضاعف برخوردار می‌سازد. از سویی دیگر ارائه خدماتی برای پر کردن اوقات فراغت بازنشستگان و همچنین فراهم آوردن امکان بازگشت به فعالیت‌های اجتماعی و شرکت در برنامه‌های گوناگون، می‌تواند بر وضعیت رفاه، سلامتی و رضایتمندی افراد در دوران بازنشستگی اثر مثبت بگذارد (نوبهار و دیگران، ۱۳۹۲).

اولین مسئله مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان در این حوزه، شرایط تعلق وام بازنشستگی، محدودیت مبلغ تسهیلات اعطایی، نوبت‌دهی طولانی و محدودیت دریافت بیش از یک‌بار وام‌های مختص بازنشستگان است. همین موانع باعث می‌شود فرد به‌منظور تأمین مالی به بانک‌های دیگر مراجعه و وام‌هایی با نرخ بهره بالا دریافت کند و در نتیجه ناتوانی در بازپرداخت اقساط این وام‌ها نیز گرهی به مشکلات موجودش اضافه کند.

«کاش یه وام کم‌بهره‌ای به ما بدن تا کمی از مشکلاتمون حل بشه.

ما یه دفعه رقتیم تو کانون بازنشسته‌های تأمین اجتماعی اسم نوشتیم،

ولی خبری نشد. تازه اونم گفتن فقط ۲ میلیون یا ۳ میلیون بهتون می‌دن، اینکه اصلاً ارزشی نداره، اینکه اصلاً پولی نیست. چیکار می‌شه باهانش کرد!» (مرد، ۵۴ ساله، کرمان، تأمین اجتماعی).

«من چهارساله برای وام اسم نوشتم، خداییش الان می‌گن ۴-۵ تومن می‌دن، اما تا امروز یک ریال هم ندادند. امسال دوباره برای اسم‌نویسی رفتم، نمی‌دونم چه حساب کتابیه، گفتند نه آقا امکانش نیست و فقط برای ۱ میلیون تومن می‌شه اسم‌نویسی کرد. گفتم حالا همونو بنویسم هرچند این ۱ تومن چندان ارزشی نداره ولی خوب دیگه چیکار کنیم» (مرد، ۵۹ ساله، خراسان، تأمین اجتماعی).

در حوزه اوقات فراغت و امکانات تفریحی، ورزشی و آموزشی، پرتکرارترین مشکل عنوان شده از سوی افراد به محدودیت ثبت‌نام متقاضیان سفرهای داخلی و زیارتی بازمی‌گشت. همچنین مشکلاتی از قبیل زمان نامناسب تورهای گردشگری، عدم اعتماد بازنشستگان به فرآیند قرعه‌کشی و اختصاص سفرها و کیفیت نامناسب برخی از اماکن اقامتی که در اختیار بازنشستگان قرار می‌گیرد، کمبود و محدودیت مراکز ارائه‌دهنده خدمات ورزشی، مسافت دور باشگاه‌های ورزشی یا برنامه‌های تفریحی که برای بازنشستگان تدارک دیده می‌شود و هزینه‌های رفت‌وآمد به این اماکن از دیگر موارد ذکر شده در مصاحبه‌ها بود. در تمام این موارد گلابه از تبعیض در دسترسی به امکانات رفاهی و بهره‌مندی از آن‌ها در مقایسه با بازنشستگان سازمان‌ها و ارگان‌های خاصی نظیر شرکت نفت یا نهادهای نظامی به‌طور مکرر به چشم می‌خورد.

همین نارضایتی از خدمات رفاهی صندوق‌های بازنشستگی و تبعیض در مسئله کارآمدی کارت‌های منزلت و خانه کارگر و تخصیص سبد و بن کالا نیز دیده می‌شود. یک جنبه از این نارضایتی به محدودیت خدمات دریافتی از طریق کارت‌های بازنشستگی بازمی‌گردد و جنبه دیگر آن به مقایسه این خدمات با کارایی

کارت‌های ارگان‌های دیگر ربط پیدا می‌کند. به‌علاوه تخصیص دوره‌ای سبک کالا، بن خرید، بلیت و... به شاغلین و محروم ماندن بازنشستگان از این امکانات، به نارضایتی آنان دامن می‌زند.

«این طرح منزلت که تقریباً هیچ ارزشی نداره و نمی‌شه باهاش کاری کرد. ولی بعضی از نهادها با یک کارت همه کار می‌کنند. انگار اونها از مریخ اومدند! بچه‌های ارتش، مسکن، بانک‌ها همه کارت دارند. با یک کارت رستوران و سفر می‌رن. در عوض اقامتگاه‌هایی که به معلم‌ها می‌دن یه سری مدرسه داغونه که آدم روش نمی‌شه خانواده و فامیلش رو اونجا ببره» (مرد، ۵۶ ساله، کشوری، تهران).

«چند جا معرفی کنند که بتونیم برای ورزش بریم. من الان بیرون ۹۰ هزار تومن باید بدم که بتونم یه سالن ورزشی برم. در صورتی که خیلی جاها هستند با پول خیلی جزئی می‌رن و اسم‌نویسی می‌کنن. الان اینجا یه استخر هست که با سپاه قرارداد داره و از شون ۳۰ تومن می‌گیره. خوب من نوعی چرا نباید ۳۰ تومن بدم که بازنشسته‌ام؟ آیا من یه جور دیگه کار کردم اونا یه جور دیگه کار می‌کنن؟ [...] الان مثلاً هلال احمر از بازنشسته‌هاش برای آموزش خیاطی ۱۰ هزار تومن می‌گیره اما من باید ۸۰ هزار تومن بدم» (زن، ۵۷ ساله، اصفهان، تأمین اجتماعی).

«از سفرهای برون‌شهری برای بازنشسته‌ها که چیزی ندیدم. خودم می‌خوام برم سفر زیارتی ولی هیچ امکاناتی، هیچ کمک‌هزینه‌ای، هیچ جای رایگانی که بگن دو شب برو فلان جا بخواب حال‌وروزت جا بیاد، نیست. هیچ امکاناتی برای بازنشسته‌ها نیست. یه جایی هم اگر نمایشگاه یا همایشی چیزی هست به درد بازنشسته نمی‌خوره» (مرد، ۶۳ ساله، استان مرکزی، تأمین اجتماعی).

«به‌فرض اگر ارگانی آپارتمانی در مشهد داره، اون رو در اختیار شاغلینش قرار می‌ده ولی به بازنشسته‌های خودش نمی‌ده. یکی از درخواست‌های ما این هست که کلیه خدمات رفاهی که برای شاغلین در دستگاه‌های دولتی در نظر گرفته می‌شود، برای بازنشسته‌ها هم در نظر گرفته بشه. این می‌تونه شامل همه‌چی باشه. مثلاً در دستگاه‌های دولتی هر سه‌ماه یک‌بار به کارکنان بن یا خواروبار می‌دن، ولی به بازنشسته اصلاً توجهی نمی‌کنن. این هم از نظر روحی روانی روی بازنشسته‌ها تأثیر می‌ذاره و هم از نظر جسمی و عاطفی» (رئیس کانون بازنشستگان دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران).

جدول ۷- زیرمقوله‌های مسائل رفاهی، تفریحی و اوقات فراغت

محدودیت امکان سفر و تعداد بالای متقاضیان	سفرهای بازنشستگان	مسائل رفاهی، تفریحی و اوقات فراغت
زمان نامناسب سفرها		
بی‌عدالتی و تقلب در قرعه‌کشی و ثبت‌نام		
امکانات بیشتر برخی ارگان‌های خاص		
وضعیت نامناسب مراکز اقامتی	ورزشی، آموزشی، تفریحی	
مسافت دور کلاس‌ها و برنامه‌ها و هزینه‌های رفت‌وآمد		
محدودیت ارائه این خدمات		
امکانات و خدمات برخی ارگان‌ها مختص پرسنل خود	دریافت وام بازنشستگان	
نوبت طولانی		
مبلغ پایین		
تنها یک‌بار می‌توان این وام را گرفت		
عدم اختصاص بن خواروبار، کالا، بلیت مترو و اتوبوس و...		
بی‌فایده و صوری بودن کارت منزلت و کارت خانه کارگر در مقایسه با کارت برخی ارگان‌ها		

جدول ۸- گویه‌های سنجش مسائل رفاهی، تفریحی و اوقات فراغت

چقدر به سفرهای مختص بازنشستگان رفته‌اید؟	سفرهای بازنشستگان	مسائل رفاهی، تفریحی و اوقات فراغت
از زمان و امکانات راضی بودید؟		
از فرآیند اطلاع‌رسانی و ثبت‌نام راضی بودید؟		
امکانات ورزشی/ تفریحی/ آموزشی در اختیار شما هست؟	ورزشی، آموزشی، تفریحی	
فاصله این امکانات تا شما چقدر است؟		
هزینه این امکانات و رفت‌وآمد چقدر است؟		
چقدر در نوبت می‌مانید؟	دریافت وام بازنشستگان	
مبلغ وام چقدر است؟ کافی است؟		
چند بار موفق شدید این وام را بگیرید؟ از کجا؟		
کارت منزلت/ خانه کارگر/... دارید؟ چه خدماتی دریافت می‌کنید؟		
از امکانات این کارت‌ها رضایت دارید؟		

۱-۵- مشکلات سازمانی و قوانین بازنشستگی

این مقوله دربرگیرنده مسائل و مشکلاتی است که اگرچه در برخی از موارد جنبه اختصاصی دارند، اما بخش قابل توجهی از بازنشستگان به نحوی از انحاء با آن درگیر هستند. به‌طور کلی فصل مشترک گلایه بازنشستگان از قوانین صندوق‌های بازنشستگی در این مسئله خلاصه می‌شود که؛ فرد احساس می‌کند در حق او تبعیض و اجحاف شده و افراد دیگر (بازنشستگان رده‌های دیگر یا صندوق‌های دیگر) وضعیت و امکانات بهتری دارند. این احساس محرومیت نسبی را می‌توان به‌خوبی در گزاره‌های مختلف عنوان‌شده از طرف مصاحبه‌شوندگان مشاهده کرد: بهتر بودن وضع کارمندان از دید کارگران، بهتر بودن وضع مدیران از دید کارمندان، بالاتر بودن مستمری و بهتر بودن خدمات درمانی صندوق تأمین اجتماعی از دید بازنشستگان صندوق کشوری، بهتر بودن خدمات رفاهی صندوق کشوری از دید بازنشستگان صندوق تأمین اجتماعی و درنهایت بالاتر بودن مستمری، خدمات درمانی و رفاهی ارگان‌هایی مانند شرکت نفت

و صندوق لشکری از دید بازنشستگان صندوق‌های کشوری.

«الان دولت و مجلس و تصویب کرده که زیر ۲ میلیون رو ۲۰ درصد اضافه کنند، اما آقایون انرژی اتمی نکردند، ۱۰ درصد اضافه کردند. [...] اولین کاری که دولت باید بکنه این هست که همه رو از یه طریق بازنشسته کنه و با یه نوع بیمه. خدمات اجتماعی، صندوق کشوری اصلاً معنی نمی‌ده. یه نفر که توی تأمین اجتماعی امکانات بسیار بیشتری داره. بیمارستان مجانی، دارو مجانی. همه‌چی برای اون‌ها مجانی» (مرد، ۶۰ ساله، اصفهان، کشوری).

«به نظرم حداقل برای اینهایی که کارگر بودن و بازنشسته شدن، خدمات رفاهی یا چیزی در نظر بگیرن. چون تمام زائرسراها و مهمانسراهایی که از قدیم تا الان در اختیار کارمندی کشوری بوده و هست، ولی برای کارگرها نیست. مثلاً خود من که برای شرکت دخانیات بودم، فقط مشهود رو دارن. در صورتی که می‌تونن برای کارگرا به فرض تبریز رو هم بدن و مثلاً شبی ۳۰ هزار تومن حساب کنند» (زن، ۵۸ ساله، تهران، تأمین اجتماعی).

اما موارد اختصاصی دیگری نیز وجود دارند که برای افراد بسته به موقعیت بازنشسته شدن و ارگان و صندوق مربوطه متفاوت است. از جمله این مشکلات می‌توان به عدم دریافت پاداش پایان خدمت و یا دریافت قسطی و دیر هنگام آن، از دست رفتن مزایای استخدام رسمی به واسطه خصوصی شدن شرکت سابقاً دولتی، تأخیر گاه‌به‌گاه در پرداخت مستمری، عملکرد شبیه انگیز سازمان مربوطه در زمان بازنشسته کردن فرد برای فرار از پرداخت برخی مزایا و در نهایت انواع شکایات و درخواست‌ها در زمینه تخصیص سختی کار، احتساب سنوات و... اشاره کرد.

«من توی بیمارستان اهواز کمکی بودم، حالا هیچ مزایایی به ما تعلق نمی‌گیره. سنوات به من تعلق نگرفت، گفتن تو با پیمانکار بودی. [...]»

من خیلی ناراحتم که حق من خورده شد. صبح تا شب می‌گم هرکی توی این اداره‌ها حق منو خورد، خداوند جزاشو بده. [...] کسانی با من که رسمی بودن، اونا مثلاً ۵۰ میلیون ۶۰ میلیون سنوات بهشون دادن ولی من پاداش پایان خدمت هیچی بهم تعلق نگرفت چون یه پیمانکار می‌آمد شش‌ماه مارو می‌گرفت، یکی می‌آمد پنج‌ماه مارو می‌گرفت و هرکدوم هم موقع رفتن به ما ۲ تومن ۳ تومن می‌دادن و می‌رفتن. من ۳۰ سال سابقه بیمه داشتم ولی سه سالش رو خوردن، گفتن فیش‌هاشو گم کردن. حق من که ۳۰ سال کار کردم اینه که انقدر زجر بکشم با حقوق یک و چهارصد؟» (زن، ۶۵ ساله، شهرکرد، تأمین اجتماعی).

«من توی دانشگاه توی کارگاه ریخته‌گری بودم. نه سختی کاری دادند نه چیزی. ولی خوب ۱۹ سال اونجا بودم و خداوکیلی دستام دیگه شیمیایی شده. کلی دوندگی کردم، نامه به تهران نوشتم، نه جوابی دادن نه چیزی. هم تأمین اجتماعی هم دیوان عدالت اداری، اونها هم هیچی. [...] رئیس‌م می‌تونست از حقم دفاع کنه ولی من با ۱ میلیون و ۲۶۰ بازنشسته شدم. ولی کسانی بودن که (نالایق بودند) اونا با ۱ میلیون و ۷۰۰ بازنشسته شدند. خدایی خیلی به ما ظلم شد. اونایی که درست کار می‌کنن، همیشه توسری خورن. اصلاً قانون کار همینه؛ اونایی که هیچکاری بلد نیستند ارزش بیشتری براشون قائلند» (مرد، ۵۹ ساله، خراسان، تأمین اجتماعی).

«من توی شرکت نیشکر کارون سرپرست انبار بودم. یه نامه‌ای اومده که به تمام افرادی که تو اون تاریخ کار می‌کردند بهشون سختی کار تعلق می‌گیره. ولی شرکت نامه رو خوابونده تا مارو ۲۵ سال بازنشسته کرده، اون موقع برای عده خاصی که مانده بودند کمتر از ۲-۳ هزار نفر اجرا کرده. حالا من مدارکم رو اداره کار شوشتر بردم، اونا هم برای بررسی فرستادن. از

برج ۸ پارسال تا الان توی کمیته سختی کار اهواز خوابیده» (مرد، ۵۵ ساله، اهواز، تأمین اجتماعی).

«بعد از سه سال دوندگی سنوات ما رو که ۳۶ میلیون بود، تازه اون هم قسطی دادند. گفتند شرکت خصوصیه و به ما ارتباطی نداره. چند بار بازن و بچه از درود آدم تهران دنبال این کار و شکایت. آخرش هم انقدر خرد خرد دادند که به هیچ دردی نخورد. شرکت تراورس بتونی اولش دولتی بود، بعد بی‌خبر به بخش خصوصی منتقل شد و همه مزایا قطع شد» (مرد، ۵۸ ساله، لرستان، کشوری).

جدول ۹- زیرمقوله‌های مشکلات سازمانی و قوانین بازنشستگی

قوانین مربوط به سختی کار، سنوات و...	مشکلات سازمانی و قوانین بازنشستگی
خصوصی شدن یک‌باره برخی شرکت‌های دولتی و از دست رفتن مزایا	
عملکرد شبهه آمیز سازمان‌ها برای فرار از پرداخت مزایای افراد	
گهگاه‌واریز دیر هنگام مستمری‌ها	
عدم دریافت پاداش پایان خدمت یا دریافت قسطی آن	
رسمی نبودن افراد و عدم دریافت مزایا	
احساس تبعیض محرومیت نسبی در قبال افراد، صندوق‌ها یا سازمان‌های دیگر	

جدول ۱۰- گویه‌های سنجش مشکلات سازمانی و قوانین بازنشستگی

با چه مشکلاتی در حوزه صندوق بازنشستگی مواجه هستید؟ (سختی کار، حذف مزایا، پاداش پایان خدمت، رسمی نبودن...)	مشکلات سازمانی و قوانین بازنشستگی
از فرآیند و عملکرد سازمان در هنگام بازنشسته شدن راضی بودید؟	
مستمری را به موقع دریافت می‌کنید؟	
تفاوتی میان صندوق خود و دیگر صندوق‌ها می‌بینید؟	

۱-۶- نگرانی‌ها و چالش‌های روحی بعد از بازنشستگی

با ورود به دوره بازنشستگی، فرد علاوه بر چالش‌های مادی، با چالش‌های روحی و نگرانی‌های احساسی نیز مواجه می‌شود و پرداختن به این نگرانی‌ها می‌تواند در تأمین سلامت روحی افراد و در نهایت جلب رضایت آنان و تجربه یک بازنشستگی مطلوب مثمر ثمر باشد. مانند هر تغییر دیگری، بازنشستگی احساس ترس از ناشناخته و نااطمینانی از آینده را با خود به همراه دارد (Butters, 2002). غالب بازنشستگان این احساس «ابهام درباره آینده» را تجربه و ابراز می‌کنند و چنین ابهامی احساساتی نظیر ترس، اضطراب، نگرانی، سردرگمی را در آنان برمی‌انگیزد (خلیلی، ۱۳۹۶). مصاحبه‌شوندگان ترس از آینده را به موضوعاتی نظیر بیکاری فرزندان و آینده آنان، ترس از بیماری و ناتوانی، عدم امنیت مالی و اجتماعی، و ترس از قطع شدن مستمری‌ها به واسطه وضعیت نامناسب صندوق‌های بازنشستگی و اقتصادی کشور ارجاع می‌دادند.

«از کجای زندگی راضی باشم. زندگی همه‌اش استرسه، همه‌اش اضطرابه، ترس از بیماریه. هیچ مشکلی حل نمی‌شه. [...] ما که هیچی ولی برای بچه‌ها در آینده ... مگه اینکه معجزه‌ای بشه!» (مرد، ۷۰ ساله، کردستان، تأمین اجتماعی).

«حقوقامون رو بدن. یه دفعه قطع نشه توی این اوضاع اقتصادی مملکت و پیری ما. پارسال حقوقمون رو یه ماه دیرتر دادند ولی اینکه تا حالا نداده باشن، نشده. نگرانم آینده چی بشه» (زن، ۶۵ ساله، شاهرود، کشوری).

«حتی امیدی نداریم بچه‌هامون بتونن کار کنن، توی سن سی و چند سال بتونن استقلال مالی داشته باشن، همینم ما نداریم. حقیقتش موندیم اصلاً چی کار بکنیم. از کشور هم نمی‌تونیم بریم، چون چیزی نداریم بریم. از هیچی رضایت نداریم. الان دیگه کارمند اسفل السافلینه» (مرد، ۶۰ ساله، اصفهان، کشوری).

اما به جز ترس از آینده، مجموعه احساساتی نظیر نیاز به استقلال، ناتوانی از پاسخ به نیازهای خانواده، سرخوردگی، دیده نشدن در جامعه، مورد خیانت واقع شدن و بی‌ارزش تلقی شدن (از طرف دستگاهی که در آن به خدمت مشغول بوده یا از طرف دولت/ جامعه‌ای که به آن خدمت کرده)، بی‌اعتمادی و عدم توجه و احترام به بازنشستگان از جمله چالش‌های روحی و احساسی هستند که در کنار مسائل مالی و درمانی، فشار مضاعفی بر زندگی بازنشستگان وارد می‌آورند.

«وقتی من جوونم می‌تونم کار کنم. الان دو تا دخترم ازدواج کردن، وقتی اینا خونه من میان می‌شیم ده - یازده نفر که نمی‌تونم از شون پذیرایی کنم. همین که بازنشسته شدی یعنی دیگه مُردی و تموم، از رده خارجی. نگاه کنید ۳۰ سال من توی این اداره کار کردم و حق بیمه دادم، ولی الان برم تو اداره حداقل انقدر احترام نمی‌ذارن که یه سلام‌علیکی کنن یا تو اداره راحت بدن. یعنی از اداره که بازنشسته شدی انگار از زندگی اوت شدی. حالا نمی‌دونم شاید کارمندی بهتر باشه، ولی کارگری خیلی بده. آدم بازنشسته جزو امواته. اصلاً دیگه روش حسابی باز نمی‌شه. می‌گن کار کردی و در عوض حقوقت رو گرفتی. بابا این آدم یه زمانی مخلصانه توی این اداره کار می‌کرده، لااقل یه ارزشی برای پرسنلی که ۳۰ سال خدمت کرده قائل بشن. اصلاً نمی‌شناخت» (مرد، ۵۴ ساله، خراسان، تأمین اجتماعی).

«ما دیگه در مضیقه‌ایم، چه از نظر درآمدی، چه از نظر جسمانی و چه از نظر برخورد اجتماعی. مریض هستیم، تو اجتماع نمی‌تونیم درست با مردم ارتباط بگیریم، نمی‌تونیم درست با مردم صحبت کنیم. [...] اینکه میان در تلویزیون حرف می‌زنن که برای بازنشسته‌ها فلان و بهمان می‌کنیم، اینا همه‌اش دروغه، یک کلمه‌اش به مرحله اجرا نرسیده. [...] تأمین اجتماعی اصلاً توجهی به جانبازها و آزاده‌ها نمی‌کنه. یکی هم اینکه وقتی می‌ری

تأمین اجتماعی کاری داری، انقدر از این اتاق به اون اتاق می‌کنن، اصلاً آدم خسته می‌شه از کاری که می‌خواد انجام بده، همه‌اش شده کاغذبازی. انقدر علافیت می‌کنند و اذیت می‌شی که پشیمون می‌شی اصلاً چرا رفتی» (مرد، ۶۳ ساله، استان مرکزی، تأمین اجتماعی).

«رفتم پیش یه خانم دکتر خیری؛ همون جا که کار می‌کردم. رفتم مطبش، خانم دکتر گفت تو بازنشست شدی، میای از من پول می‌گیری؟ گفتم چیکار کنم مشکل زندگی‌م تموم نمی‌شه که... [من اگه می‌خواستم خیرها کمکم کنن تو جوونی نمی‌رفتم این همه کار کنم. اصلاً خجالت می‌کشم به فک و فامیل رو بندازم. الان هم به دوست و آشناها می‌گم؛ کاش آدم روی پای خودش واپسه» (زن، ۵۴ ساله، خراسان، تأمین اجتماعی).

دور شدن از فضای مولد و عمومی به واسطه محدودیت‌های مالی و جسمی و جدا افتادن از دستگاه محل خدمت، مورد دیگری است که به عقیده مصاحبه‌شوندگان موجب احساس افسردگی، انزوا و بی‌فایده‌گی در بازنشستگان می‌شود.

«به‌هرحال بازنشسته‌ها رو تقریباً دیگه جایی نمی‌پذیرن. یعنی هم از نظر مالی در مضیقه هستن و هم از نظر جسمی. دیگه نمی‌تونن حضور عمومی پیدا کنن و به همین دلیل عزلت گزیده می‌شن» (رئیس کانون بازنشستگان دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران).

«مثلاً بگن کسایی که کاری بلدن بیان در فلان جا کمک کنن و از تجربیاتشون استفاده بشه، حالا پولی هم ندادن، ندادن. چون دیگه بازنشسته وقتی می‌شین فرتوت می‌شه دیگه یا باید بره تو پارک بشینه اینور اونور رو نگاه کنه، یا بشینه شطرنج بازی کنه. این تجربیات حیف می‌شه. تجربه کنار انرژی جوان مکمل همدیگه می‌شه» (مرد، ۶۰ ساله، تهران، کشوری).

در نهایت باید گفت بخشی از بازنشستگان تأکید داشتند به کشور و میهن خود علاقه‌مندند اما بعد از سال‌ها خدمت، همین احساس بی‌توجهی از جانب حکومت و دولت‌ها و عملکرد ضعیف آن‌ها در تأمین رفاه بازنشستگان، موجب بروز احساس خشم، نارضایتی و بی‌اطمینانی در آنان شده است. خانم بازنشسته ۵۴ ساله که از جوانی فرزندش را به‌تنهایی در مشهد بزرگ کرده و با مشکلات متعدد سلامتی، مالی و سوء تغذیه خود و فرزندش روبه‌روست، با گریه عنوان می‌کند:

«ما انقلاب رو دوست داریم، هر جور بشه زندگی مونو می‌چرخونیم. ولی دوست داشتیم آقای روحانی یا کسایی که مسئولیتی دارن یه خرده وضعیت رو بهتر کنن، اما نکردن. بازم دستشون درد نکنه. ما دوست داشتیم آقای روحانی حواسش به ما باشه، ولی خوب به ما نظارت نکردن».

جدول ۱۱- زیرمقوله‌های نگرانی‌ها و چالش‌های روحی بعد از بازنشستگی

بیماری	ترس از آینده	نگرانی‌ها و چالش‌های روحی
لمنیت		
بیکاری و آینده فرزندان		
قطع شدن مستمری به‌واسطه وضعیت اقتصادی کشور و وضعیت صندوق‌ها	رابطه با محل خدمت	
ناتوانی در پیگیری امور و بوروکراسی انرژی‌بر و خسته‌کننده		
برخوردهای ناشایست بعد از سال‌ها خدمت و تبعیض میان شاغلین و بازنشسته‌ها		
جدایی کامل از دستگاه محل خدمت	نداشتن استقلال	
ناتوانی از پاسخ‌گویی به نیازهای خانواده		
اجبار به قرض و کمک از فرزندان و آشنایان		
ناتوانی در برقراری ارتباط با جامعه	سرخوردگی	
از دست رفتن موقعیت اجتماعی		
احساس دیده نشدن و شهروند درجه دو بودن		
انزوا به‌واسطه محدودیت مالی و جسمی و حذف از فضای عمومی		
علاقه‌مندی به کشور	نارضایتی از دولت و حاکمیت	
نارضایتی به‌واسطه اهمیت ندادن دولت به بازنشستگان		
نارضایتی به‌واسطه عملکرد بد مسئولان و شعار و وعده		

جدول ۱۲- گویه‌های سنجش نگرانی‌ها و چالش‌های روحی بعد از بازنشستگی

چه نگرانی‌هایی درباره آینده دارید؟ (بیماری، امنیت، فرزندان، اقتصاد...)	ترس از آینده	نگرانی‌ها و چالش‌های روحی
مقدار پس‌انداز؟		
آیا از فرآیند پیگیری امور اداری و بازنشستگی خود رضایت دارید؟	رابطه با محل خدمت	
آیا از برخورد سازمان سابق رضایت داری؟		
آیا هنوز با سازمان سابق در ارتباط هستید؟	نداشتن استقلال	
آیا برای برطرف کردن نیازهای خود و خانواده به کمک دیگران نیاز دارید؟		
آیا در برقراری ارتباط با جامعه و نسل جوان موفق هستید؟	سرخوردگی	
آیا از موقعیت اجتماعی خود رضایت دارید؟		
نسبت به موقعیت بازنشستگان چه احساسی دارید؟		
آیا بازنشستگی روابط اجتماعی شما را تحت تأثیر قرار داده است؟		
از عملکرد مسئولین چقدر رضایت دارید؟	نارضایتی از دولت و حاکمیت	

۲- متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای و مستقل در شکل‌دهی به درک ما از پیشینه و وضعیت زندگی بازنشسته، و همچنین خواستگاه او در اجتماع یاری می‌رسانند. به‌عنوان مثال باتوجه به هزینه بالاتر مسکن و حمل‌ونقل در تهران یا سایر شهرهای بزرگ، محل زندگی می‌تواند شاخصی از میزان هزینه‌های خانوار باشد و اندازه و مالکیت مسکن و خودرو، میزان تمکن مالی فرد را نشان دهد. پرسشی با مضمون نحوه گذران یک شبانه‌روز می‌تواند بینش عمیق‌تری از تجربه زیسته بازنشسته و تفاوت‌های آن با دوران اشتغال فراهم آورد. با مقایسه تاریخچه اشتغال، صندوق مربوطه، سابقه بیمه و میزان مستمری نمونه انتخابی، نقاط اشتراک و افتراق اعضای هر صندوق مشخص شده و در نهایت الگوی جامع‌تر و دقیق‌تری به دست خواهد داد. همچنین باتوجه به اهمیت مسئله سلامت و درهم‌تنیدگی دوران بازنشستگی با مواجهه با انواع بیماری‌ها، اطلاع از پیشینه، وضعیت و میزان درگیری افراد با این مسائل و همچنین هزینه بهداشت و درمان خانواده فرد نیز در تبیین مشکلات و مطالبات بازنشستگان یاری‌رسان خواهد بود.

جدول ۱۳- متغیرهای زمینه‌ای

سن	تأهل	وضعیت فعلی اشتغال	مستمری فعلی	سابقه عمل و درمان
جنس	تعداد فرزندان	وضعیت سابق اشتغال	صندوق بیمه	تعداد و زمان مراجعات به مراکز درمانی
تحصیلات	تعدادنوها	محل خدمت	بیمه‌های شخصی و تکمیلی	هزینه ماهیانه درمان
محل زندگی	افراد تحت تکفل	محل بازنشستگی	وضعیت سلامت	بخشی از هزینه درمان که بیمه پوشش می‌دهد
شهر، شهرستان، روستا	وضعیت سلامت افراد تحت تکفل	سابقه بیمه	سابقه بیماری‌ها	زمان دریافت پول بیمه
اندازه و مالکیت مسکن	تملك خودرو	سال بازنشستگی	مدت زمان ابتلا	
میزان اجاره‌بها	نحوه گذران یک شبانه‌روز	حقوق در زمان بازنشستگی	بیماری ناشی از کار	

متغیرهای
زمینه‌ای

۳- الگوهای وضعیت زندگی بازنشستگان

با بررسی گفتگوها و نظرات نمونه‌های انتخابی در این پژوهش، می‌توان یک الگوی اصلی و محوری، و چند الگوی فرعی از سنخ‌های بازنشستگان را استخراج کرد. باتوجه به اینکه در مصاحبه‌های صورت گرفته، بازنشستگان اعتراضات، مشکلات و مطالبات متعددی را عنوان کردند و تمامی افراد دست‌کم در یکی از حوزه‌های مطرح‌شده از وضع موجود ابراز نارضایتی می‌کردند، الگوی اصلی با محوریت محرومیت شکل می‌گیرد. در این الگو سه سنخ از بازنشستگان را می‌توان از یکدیگر تمایز داد. اولین گروه، افرادی هستند که باوجود گلایه از برخی مشکلات بالاخص در زمینه میزان مستمری، چندان احساس بی‌عدالتی نمی‌کنند و به‌واسطه عواملی نظیر در اختیار داشتن منابع کمکی مالی (مانند مستمری همسر) یا

برخورداری از سلامت نسبی و درگیر نبودن با مسائل درمانی یا داشتن پس‌انداز و ... از کیفیت و وضعیت زندگی خود رضایت دارند. با این وجود اغلب این افراد بر این نکته تأکید داشتند که باقی هم‌صنفانشان با مشکلات متعددی مواجه بوده و در حقیقت وضعیت رضایت‌بخش خود را یک استثناء می‌دانستند.

گروه دوم افرادی هستند که در محرومیت مطلق بسر می‌برند و در تأمین نیازهای اولیه زندگی خود ناتوانند. این بازنشستگان با مشکلات متعددی از ناتوانی در پرداخت دیون و در نتیجه از دست دادن دارایی‌ها، ناتوانی در تأمین مواد غذایی برای یک رژیم سالم، پرداخت هزینه‌های درمانی، هزینه‌های جاری زندگی و ... مواجه بوده و برای گذران زندگی ناچار به صرفه‌جویی و حذف بخشی از این هزینه‌ها هستند که در نهایت علاوه بر محرومیت اقتصادی، منجر به مشکلات دیگری نظیر سو تغذیه، بیماری و مشکلات جسمی و روحی می‌شود. این گروه نارضایتی عمیقی از کیفیت زندگی، عملکرد مسئولین و صندوق بازنشستگی خود ابراز داشته و احساس شدید جدا افتادگی و سرخوردگی می‌کنند. در حوزه امکانات رفاهی، اغلب افراد این گروه این مسائل را دارای درجه چندم اهمیت دانسته و خود را درگیر تأمین نیازهای اولیه زندگی می‌دانند.

گروه سوم بازنشستگانی هستند که تأمین نیازهای اولیه زندگی (هرچند نه به‌سادگی) برای آن‌ها مقدور است، اما به‌شدت احساس تبعیض می‌کنند. در جای‌جای مصاحبه‌ها قیاس موقعیت فرد و گروه صنفی (یا صندوق بازنشستگی) که فرد به آن تعلق دارد، با موقعیت وابستگان دیگر صندوق‌ها و سازمان‌ها به چشم می‌خورد. این قیاس در سطوح مختلفی از میزان دستمزد و مستمری و خدمات بهداشتی و درمانی تا امکانات رفاهی و منزلت اجتماعی و ... صورت می‌گیرد و فرد را دچار حس عمیق نارضایتی و خشم می‌کند. بازنشستگان در کنار تبعیض، احساس می‌کنند جامعه و حاکمیت قدر و ارزش آن‌ها را نمی‌داند و پس از سال‌ها کار و فعالیت، به «شهروندان درجه‌دو» یا «مردگان متحرک» تبدیل شده‌اند. این افراد در موقعیت

محرومیت نسبی قرار دارند که مطابق با نظریه شرح داده شده، هر سه فاکتور لازم برای شکل گرفتن این نوع از محرومیت در آن دیده می‌شود. اول آنکه مقایسه‌ای میان امکانات و برخورداری‌های فرد (یا گروه صنفی) با امکانات دیگر سازمان‌ها و گروه‌ها صورت گرفته است. ثانیاً افراد به محرومیت و ناکامی خود معترف‌اند و ثالثاً آنکه، اعتقاد دارند جایگاه و موقعیت اجتماعی آن‌ها ناعادلانه است و حق آن‌ها بیشتر از چیزی است که در حال حاضر به دست آورده‌اند (یا در اختیار آن‌ها گذاشته می‌شود). الگوهای فرعی دیگری نیز وجود دارند که بازنشستگان بر مبنای آن‌ها به سنخ‌های مختلف تقسیم می‌شوند. در الگوی سلامت، بازنشستگان در سه دسته سالم، دچار مشکلات خفیف و دچار بیماری‌های حاد دسته‌بندی می‌شوند. دسته اول به‌واسطه برخورداری از سلامت، درگیر مشکلات مراکز خدمات درمانی و بیمه‌های درمانی نیستند. گروه دوم با بیماری‌های مرتبط با بالا رفتن سن و یا بیماری‌های معمول دیگر مواجه بوده و از محدودیت خدمات درمانی و عدم پوشش بیمه‌های درمانی شکایت دارند. دسته سوم بازنشستگان از کارافتاده و بیماران حادی هستند که افراد خانواده، علاوه بر مشکلات گروه دوم، در نگهداری و رسیدگی به آن‌ها ناتوانند.

الگوی فرعی دیگر، الگوی خانواده است. فرزندان بازنشسته‌های مسن‌تر عموماً با آن‌ها زندگی نمی‌کنند و مدیریت هزینه‌ها برای این دسته از بازنشستگان آسان‌تر است. این دسته از افراد بیشتر با مشکل برآورده کردن نیازها و انتظارات خانواده گسترده مواجه هستند. دسته دیگر بازنشستگانی هستند که فرزندان با آن‌ها زندگی می‌کنند یا به‌واسطه بیکاری هزینه آن‌ها بر دوش والدینشان است. از آنجاکه فرزندان این افراد بیشتر در سنین جوانی هستند، هزینه‌های مضاعف ازدواج، دانشگاه، سرمایه و ... نیز بار اقتصادی سنگینی بر دوش این گروه قرار داده است که در غیاب مزایای اشتغال یا شغل‌های جایگزین مناسب و درآمدزا، تأمین مالی را برایشان به معضلی حل‌نشده تبدیل کرده است.

جمع‌بندی

پژوهش حاضر در جمع‌آوری مشکلات، نظرات و مطالبات بازنشستگان نشان داد مهم‌ترین مسئله‌ای که این قشر با آن روبه‌رو هستند، مسئله معیشت و اقتصاد خانوار است. باید توجه داشت امکان نمونه‌گیری کاملاً تصادفی از میان تمامی مستمری‌بگیران و اعضای صندوق‌های بازنشستگی در این مطالعه به‌دلیل دراختیار نبودن و عدم دسترسی به کل جامعه آماری میسر نبود و در نتیجه نمی‌توان میزان مستمری دریافتی اعلام‌شده توسط شرکت‌کنندگان را برای همه بازنشستگان قطعی در نظر گرفت؛ با این وجود حداکثر دریافتی ۳۵ نفری که به‌طور تصادفی از میان ۶۰۰ شماره تماس انتخاب‌شده و با آن‌ها مصاحبه شد، از ۲۵ میلیون ریال تجاوز نکرده و میانگین آن برابر با حدود ۱۸ میلیون ریال است. این سطح پایین درآمدی، تبعات فراوانی به همراه داشته و سطوح و ابعاد گوناگون زیستی فرد را متأثر می‌سازد؛ از ناتوانی در تأمین هزینه‌های جاری، تغذیه، درمانی، رفاهی، تا مشکلات روحی، ناامیدی، سرخوردگی و انزوا. درحقیقت می‌توان گفت حل مسئله معیشت و میزان مستمری، اولویت اول بازنشستگان و سرچشمه دیگر اعتراضات و نارضایتی‌های آنان است، به‌صورتی که بر بخش اعظم مسائل دیگر تأثیر قابل توجهی می‌گذارد. در مرحله بعد به‌واسطه تنیده بودن دوران بازنشستگی، کهنسالی و تحلیل قوای جسمانی و سلامت، مسئله خدمات و بیمه‌های درمانی قرار دارد و عدم سهولت دسترسی به این خدمات و همچنین عدم پوشش کامل هزینه‌ها توسط بیمه‌های سلامت، بازنشستگان را با مشکل مواجه ساخته است. بخصوص در ماه‌های اخیر و با افزایش نرخ دلار و بازگشت تحریم‌ها، قیمت و امکان تأمین داروهای موردنیاز به یکی از نگرانی‌های مهم افراد بدل شده است. مورد بعدی، مشکلاتی است که با ورود به دوران بازنشستگی سر برمی‌آورند. نیاز به کار و اشتغال دوباره برای تأمین نیازهای مالی از یک‌سو، و ناتوانی در

یافتن شغل مناسب و ضعف جسمانی به واسطه افزایش سن از سوی دیگر، فشار مضاعفی به افراد وارد می‌آورد. برای پر کردن این خلأ و تأمین نیازهای خانواده، بازنشستگان به استقراض و گرفتن وام روی می‌آورند که همین مسئله آن‌ها را در چرخه معیوب استقراض دوباره برای بازپرداخت بدهی قبلی می‌اندازد تا جایی که حتی ممکن است منجر به از دست دادن دارایی شود. در مقوله مسائل رفاهی و تفریحی، نارضایتی فراوانی از کمبود و نحوه تخصیص این خدمات وجود دارد و در مقوله مشکلات سازمانی، بخش قابل توجهی از مصاحبه‌شوندگان به‌نحوی درگیر مسائل اداری بوده و یا از روند و فرآیند بازنشستگی خود شکایت داشتند.

اما وجه مشترک این پنج مقوله را می‌توان احساس تبعیض و بی‌عدالتی دانست. در هر مورد بازنشستگان به مقایسه وضعیت خود با رده‌های بالاتر، بازنشستگان سنوات مختلف، اعضای سایر صندوق‌ها، و شاغلان ارگان‌های دیگر پرداخته و احساس عمیقی از تبعیض را تجربه می‌کردند. این احساس اجحاف و بی‌عدالتی در کنار مقوله ششم که شامل نگرانی از آینده، سرخوردگی، و افت منزلت می‌شود، به نارضایتی گسترده در میان بازنشستگان دامن زده است. همان‌طور که در تئوری محرومیت نسبی توضیح داده شد، اعتراضات سیاسی ناشی از محرومیت تنها به فرودست‌ترین اقشار جامعه محدود نمی‌شود و طبقه‌ای که درگیر محرومیت نسبی هستند و اعتقاد به بی‌عدالتی و تبعیض دارند را نیز با خود همراه می‌کند. تا وقتی از دیدگاه افراد، نابرابری و تبعیض (و در نتیجه محرومیت نسبی) وجود دارد، بهبود مرحله‌ای شرایط مانند تغییر سطح ناچیز مستمری و گسترش محدود خدمات رفاهی، نه تنها جلوی فعالیت‌های اعتراضی را نمی‌گیرد، بلکه ممکن است در مواردی منجر به تشدید آن نیز گردد.

در پایان می‌توان به پیشنهادهایی اشاره کرد که به‌جز موارد پیش‌گفته در شرح مقولات، روسای کانون‌های بازنشستگی به‌منظور بهبود وضعیت زندگی و

تجربه بازنشستگی و بهبود عملکرد کانون‌های بازنشستگی ارائه دادند. شاخص‌ترین مورد در تجربه بازنشستگی، آموزش‌های پیشینی (حداقل ۵ سال پیش از بازنشسته شدن فرد) و آماده‌سازی فرد برای ورود به این دوران است تا بتواند هم از نظر روحی و هم جسمی، مهارت‌ها و آمادگی‌های لازم را کسب کند. درباره قوی‌تر شدن عملکرد کانون‌ها، اصلاح اساس‌نامه و دادن امکان فعالیت اقتصادی به این کانون‌ها مطالبه شد تا از این طریق بتوانند با تأمین هزینه‌های خود و فراهم آوردن بودجه لازم، نقش پررنگ‌تری در خدمات‌رسانی به بازنشستگان مناطق مختلف کشور ایفا کنند. همچنین با امکان تشکیل فراکسیون بازنشستگان در مجلس شورای اسلامی، این قشر می‌توانند مطالبات خود را از یک کانال مستقیم و به‌صورت صریح‌تر و روشن‌تر پیگیری نمایند و در قانون‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، مطالبات این قشر بیشتر مورد توجه واقع شود.

منابع

- جعفری، ه. (۱۳۹۶). *مروری بر کفایت مستمری‌ها در صندوق بازنشستگی کشوری*. تهران: موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا.
- خلیلی، ا. (۱۳۹۶). *ویژگی‌های کنش، رفتار و ارتباط اجتماعی بازنشستگان، نیازهای مستمری‌بگیران سازمان بازنشستگی کشوری و اولویت تأمین رضایت آنان*. تهران: موسسه حسابرسی سازمان بازنشستگی کشوری.
- هادی زوز، ب. (۱۳۹۶). *صندوق‌های بازنشستگی ایران در گذر زمان: با تأکید بر سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری*. تهران: طرح نقد.
- سام دلیری، ک. (۱۳۸۲). *سنجش محرومیت نسبی در نظریه تد رابرت گر*. فصلنامه مطالعات راهبردی. (۲۲)، ۸۱۳-۸۲۷.
- غلامی، س. (۱۳۹۶). *بررسی سهم هزینه‌های بهداشت و درمان از کل هزینه‌ها در خانوارهای دارای سالمند در مقایسه با خانوارهای بدون سالمند*. تهران: موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا.
- گرجی پور، ا. (۱۳۹۵). *اسناد سیاستی نظام تأمین اجتماعی چندلایه کشور*. تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- گلاب، س. (۱۳۹۶). *بودجه محدود، تعهدات هنگفت: نگاهی به بار مالی صندوق‌های بازنشستگی در بودجه دولت*. تهران: موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۷). *چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار بهار ۱۳۹۷*.
- موسایی، م. (۱۳۸۳). *آثار اجتماعی و روحی بازنشستگی اعضای هیئت‌علمی: مورد مطالعه در دانشگاه تهران*. *مدرس علوم انسانی*، (۸) ویژه‌نامه مدیریت پیاپی ۳۶، ۱۵۷-۱۸۰.
- نوبهار، م.، احمدی، ف.، الحانی، ف.، فلاحی، م. (۱۳۹۲). *سازگاری با بازنشستگی: یک مطالعه مروری*. *روان پرستاری*. ۱ (۲)، ۳۸-۵۳.
- Butters, J. (2002). **Managing the Mental and Emotional Aspects of Retirement**. *Leadership in Health Services*, 15(4), 6-11.
- Crimmins, E., & Saito, Y. (2000). **Change in the prevalence of diseases among older Americans: 1984-1994**. *Demographic Research*, 3, 1-20.
- Gee, E. M., & Gutman, G. M. (1995). **Rethinking Retirement**. *Vancouver: Gerontology Research Centre, Simon Fraser University*.

- Gruber, J., & Wise, D. (2000). **Social Security Programs and Retirement Around the World**. Research in Labor Economics, 18 1-40.
- Higgs, J., Horsfall, D., & Grace, S. (2009). Writing Qualitative Research on Practice. Rotterdam: Sense Publishers.
- McPherson, B. D. (1991). Aging as a Social Process. Toronto: Butterworths.
- Olson, J. M., & Hazlewood, J. D. (2014). **Relative Deprivation and Social Comparison: An Integrative Perspective**. In J. M. Olson, C. P. Herman, & M. P. Zanna (Eds.), Relative Deprivation and Social Comparison (pp. 2-17). New York: Psychology Press.
- Qu, s., & Dumay, J. (2011). **The Quantitative Research Interview**. Qualitative Research in Accounting and Management, 8(3), 238-264.
- Smith, H. J., Pettigrew, T. F., Pippin, G. M., & Bialosiewicz, S. (2011). **Relative Deprivation: A Theoretical and Meta-Analytic Review**. Personality and Social Psychology Review, XX(X), 1-30.
- Tougas, F., Lagace, M., De La Sablonniere, R. ,& Kocum , L. (2004). **A New Approach to the Link Between Identity and Relative Deprivation in the Prospective and Ageism and Retirement**. INT'L. J. Aging and Human Development, 59(1), 1-23.

عوامل متعددی از جمله هماهنگی نسبی پایگاه اقتصادی و وضعیت سنی کسانی که در جایگاه «بازنشسته» قرار می‌گیرند، امکان شکل‌گیری نوعی وحدت و همبستگی را برای بازنشستگان حول منافع مشترک‌شان پدید می‌آورد. آگاهی بازنشستگان از منافع مشترکی که ناشی از موقعیت اجتماعی همسان آن‌هاست، می‌تواند بخش‌هایی از بازنشستگان را برانگیزد تا دست به کنش جمعی برای تحقق منافع مشترک‌شان بزنند. در این حالت آنان یکی از اقشار یا گروه‌های فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه‌اند که می‌کوشند از امکانات و ابزارهای در دسترس خود برای تأمین منافع جمعی‌شان استفاده کنند.

کتابی که در دست دارید حاصل مطالعه دقیق‌تر و عمیق‌تر مطالبات بازنشستگان کشور با استفاده از روش‌های عملی است، تا در خصوص این دست مطالبات نگاهی جامع‌تر در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد.

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان